توانا بود هر که دانا بود

تالیف

دکتر زکی محمد حسن مصری

ترجمهٔ

ابوالقاسم سحاب

اسفند ۱۳۲۸

چاپ دانش

توانا بود هر که دانا بود

تاریخ نقاشی در ایران

تألیف

دکتر زکی محمد حسن مصری

ترجمه

ابوالقاسم سحاب

اسفند ۱۳۲۸

مقدمه مترجم کتاب

بنام خدای بخشاینده مهربان

کتاب (التصویر فی‌الاسلام عندالفرس) که این بنده نگارنده ابوالقاسم سحاب آنرا بنام (تاریخ نقاشی درایران) ترجمه نموده ام کتابی است نفیس و زیبا و شامل مطالبی مفید و دل پسند در این فن که بخامه شیوا و قلم توانای استاد دانشمند آن **دکتر زکی محمد حسن مصری** امین دارالاثار العربیه‌مصر(موزه ملی) دراثر تتبع و تحقیق و بررسی وتدقیق در آثار نفیسه کتاب‌های خطی و آثارادبی ایرانی درکتابخانه و موزه های اروپا و مصر آنرا از روی ذوق و قریحه فنی و حسن سلیقه و استعداد هنرپیشگی و تخصصی که داشته تألیف و تدوین نموده و قسمت های جالب‌توجهی را بسلیقه خود پسندیده و انتخاب کرده و در ضمن شواهد و دلائلی از برای اثبات مدعا و ابراز منظور خود طی صفحات کتاب ازآثار فنی و هنری اساتید این فن بمناسبت و موقعیت هر دوره از ادوار جمع آوری و پیوست کرده که موجب مزایا و مرجحات و امتیاز مخصوصی از برای مؤلفه خود گردیده و مندرجات کتاب را با محتویات فنی وهنری وضمائم آثاری منطبق ومنضم نموده وبمورد طبع وانتشار آورده. این استاد هنرپیشه در حقیقت خدمتی بزرك و شایان تقدیر نسبت بمیهن عزیز ما ایران انجام داده واین هدیه نفیس را نه تنها بایران بلکه بجهانیان ارزانی داشته اینك زحمت و همت ومساعی جمیله دکتر دانشمند مورد تقدیر و منظور نظر وزارت فرهنك ایران گردیده وبانظر وتصویب شورای عالی فرهنك بترجمه این کتاب تصمیم اتخاذ نمودند و میخواستند کتاب نامبرده بفارسی ترجمه وطبع شده و مورد مطالعه و استفاده همگانی گردد.

این بنده از آنجاکه در آغاز نشر این نسخه نفیس در سال ۱۳۱۶ خورشیدی

بودم مراتب را بمقام وزارت فرهنگ گزارش داده و تقاضای چاپ ترجمه خود را از آنمقام نمودم ازحسن اتفاق این تقاضا مورد قبول واقع شده و باداره کل نگارش دستور داده شد که درچاپ نسخه ترجمه موجوده اقدام نمایند.

اکنون این بنده با تجدید نظر درترجمه واصلاحات لازمه در پاره اصطلاحات و واژه های معمولی و دقت نظر درتصحیح و تحسین مطالب با اظهار تشکر ازتقدیر اولیای امور بطبع ونشرترجمه کتاب نامبرده مبادرت واقدام نموده ومراقبت خود را تا حدی که ممکن است نسبت بچاپ وتهیه وتدارك موجبات آن ازهرجهت بکارزده وامید است که زحمات من بنده هم مورد توجه وقبول واقع شودوازاین راه نیز خدمتی بفرهنگ میهن عزیز خود نموده باشم.

در پایان پوشیده نماند که نگارنده بنوبت خود درآخر کتاب تذییلی نگاشته و برای مزید استفاده خوانندگان قسمتی ازآثار نفیسه وشاهکارهای فنی وهنری اساتید هنر پیشه و نقاشان ایرانی را که جزو مفاخر و ذخایر کتابخانه های مهمه این کشور است باتصاویر و نمونهٔ از آن مآثر گرد آورده و باین کتاب بعنوان پایان پیوست نمود. وبالله التوفیق.

ابو القاسم سحاب اسفند ۱۳۲۸

هو

آقای دکر زکی محمد حسن مؤلف کتاب « التصویر فی‌الاسلام » و امین‌دارالاثار العربیه (موزه) مصر و دکتر در ادبیات از دانشکده پاریس و دارای دیپلم آثار ملل آسیائی و اسلامی از آموزشگاه لوور پاریس و گواهی‌نامه آموزشگاه زبان شرقی در فرانسه و لیسانس ادبیات از دانشگاه مصر و دیپلم مدرسه دانش سرای عالی قاهره و معاون علمی سابق موزه برلن میباشد که کتاب او بوسیله چاپخانه « لجنة التالیف و الترجمة و النشر مصر» در ۱۳٥٤ (۱۹۳٦) چاپ شده و منتشر گردید.

آغاز کتاب بقلم مؤلف

بسم الله الرحمن الرحیم

و بعد این کتابی است کوچك ، امیدوارم که من در آن توفیق یافته و نیازمندی کسانی راکه میخواهند درپیدایش هنر نقاشی ایران وتطور وتغییراتی راکه دراین فن پیدا شده بررسی وتحقیق نمایند بقدر امکان رفع نمایم و این هنر که درتمامی دنیای اسلامی بویژه کشور ایران که بیشتر از دیگر ملل مسلمان توجه خاص به پیشه وهنر نقاشی داشته وپیشتر از دیگران گوی سبقت را دراین‌میدان‌ربوده بخوانندگان‌کتاب خاطر نشان سازم .

اما هنر نقاشی که در سواحل نیل جلوه و بروز نموده و ترقی و پیشرفت کرده من برای بیان آن فصولی چند درکتاب (عهدالفن الاسلامی فی‌مصر) خود ترتیب داده ونگاشته ام ونیز برای ظهوراین‌هنر بعنوان نقاشی اسلامی درهندکتابی جداگانه ترتیب داده ام‌که بزودی آنرا درآینده انتشار خواهم داد .

ضمناً من ازاستاد خودم دکترعبدالوهاب عزام تشکرات‌خالصانه خودرا اظهار میدارم‌که لطف ومرحمت خودرا درمراجعه باصول این‌کتاب مبذول داشته همانطور که از اساتید اعضاء لجنه تألیف و ترجمه ونشر بویژه از استاد بزرگوار خودم احمد امین ابراز امتنان مینمایم‌که توجه خودرا در باره چاپ این‌کتاب بکار برده .

و باز من صرف نظرنمیکنم ازاینکه خودرا مدیون قدرشناسی وتشویق استاد بزرگ ، دانشمند جاستون وایت میدانم .

زکی محمد حسن

بنام خدا

آغاز کتاب

بقلم خاورشناس بزرگ استاد جاستون وایت(۱)
مدیر موزه دارالاثارعربی درمصر

برای این بنده نیازی نیست که من بخوانندگان مصری دکترزکی محمد حسن را معرفی کنم کتاب مهمی راکه او بیش از این راجع بدولت طولونی تألیف نموده در آن کتاب چندان رعایتی ازجهت بیداری همگانی درمصر نشده بودزیرا که کتاب مزبور را بزبان فرانسه نوشته ولیکن دکترزکی را جزاین چاره نبود که کتاب خود را بآن زبان بنویسد چونکه این کتاب رابرای گرفتن پایه گواهی نامه و دکترای خودازسربون نگاشته و باوجود این کتاب مذکور بخوبی گواهی میدهد که دکتر زکی زمام زبان فرانسه را در دست گرفته وکاملا آنرا مانند زبان مادری خود میداند.

ولی نگارنده خیلی میل دارد دکترزکی کتاب تألیفی خودراکه تاریخی بدیع و ممتاز است مجدداً بزبان عربی نقل و ترجمه نماید تااینکه دانشمندان مصری که از زبان فرانسه اطلاع ندارند درحدود قدرت خود بتوانند از آن بهره مند شده و بفهمند که مؤلف تاچه پایه توانسته موضوع را بپرورانند واشاراتی وافی وشامل درهرمورد بنماید و هم احساسات وطن پرستی او را که در وجود من نفوذی زیاد نموده چاره‌جوئی کند.

دکتر زکی وقتی بمصر بازگشت کرد که تحصیلاتی خیلی مفید و سودمند در فرانسه وآلمان و انگلستان و اسپانیا نموده بود و باو امانت دارالاثارالعربیه (موزه باستانی مصر) واگذار شدکه شایسته این کار و سزاوار تحقیق و جستجو دراین آثار بود واول اندیشه دکتراین بودکه نتیجه تحصیلات خودرا بعدازبازگشت بوطن خویش بروز دهد لذا جزء اول ازکتاب تاریخ فنون اسلامی در مصر را تألیف نمود و موزه

باستانی مصر فوری در صدد طبع و نشراین نسخه نفیس بهزینه خود بر آمده و آنرا بچاپ رسانید و آن نخستین کتاب از نوع خود در زبان عربی است .

دکتر زکی موفق شد ، هموطنان خود را بتحقیقات و کنکاشی که دانشمندان اروپائی دراین موضوع نموده اند خبردار سازد و ازبهره ای که خود از آن برده آنانرا نیز بهره‌ور نماید وحق آن است که نباید دانشمندان عربی زبان از تصانیف و نگارش خاورشناسان و مستشرقین بی‌اطلاع بمانند و اگر برای موافقت بانگارشات آنها نباشد لااقل جهت آگهی از کشف و اظهار اشتباهاتی بوده باشد که برای آنان رخ نموده چنانکه مستشرقین هم نتوانسته اند ازکتابهائی که بعربی نوشته شده چشم پوشی و صرف نظر نمایند .

بدینجهت من که اصولا شخصی باختری و اروپائی هستم ولیکن ارتباطی باشرق پیدا نموده وجستجو و تحقیقاتی زیادکرده - ازاین راه که مدیر دارالاثارعربی میباشم با خوشی و نشاطی بهم آمیخته و مخلوط خواهان آنم بخوانندگان مصری معرفی این تألیف جدید را که دکتر زکی نموده تقدیم دارم .

در واقع گراورها و تصاویر نسخه‌های خطی این کتاب از نفیس‌ترین نسخ و زیباترین کتب ادوار فنون اسلامی است که بیشتر ازهمه چیز میتوان از آن بهره‌مند و کامیاب گردید . دکترزکی حسن دراثر مزایا و محسناتی که ما باو سراغ داریم این موضوع را بانظری دقیق وروشن بما نمایش داده بطوری که برمامعلوم میدارد استاد مذکور این موضوع رابی‌اندازه دوستدار وطالب است و جای‌تردید نیست که ذوق بی‌اندازه و شیفتگی و عشق وعلاقه او باین صور وکثرت تاثر و شگفت او باین کار برای وی راه کنجکاوی و تعمق را سهل و ساده و طریق بحث وکنکاش را جهت او مستقیم و هموار نموده .

خوانندگان خواهند دید که دکتر زکی کتاب خود را در آغاز بمقدمه لازم تاریخی شروع نموده و در آن مقدمه تاریخ ایران را بنحو اختصار بمورد و نگارش آورده وپس از طرح مقدمه وارد بحث وتحقیق پیدایش و ظهور فن نقاشی اسلامی و [illegible] راکه این فن در کشور ایران پیدا نموده و مراتبی راکه

قرنها پیموده یا عواملی که در آن تأثیر کرده . در این کتاب شرح و بسط داده . مؤلف موفق شده که هنرستانهای مختلفه را طبقه بندی نموده سپس بیان و تشریح نماید و خصایص ومشخصات هردوره را بموردبیان وتفصیل بگذارد . ونیزاساتید وهنرورانی راکه در هنر نقاشی و صورت کشی نبوغ یافته و بحد کمال رسیده اند یا هر یك که دارای این عطیه الهی و مواهب یزدانی بوده معرفی و توصیف نماید بویژه ازسر آمد هنروران وزعیم وپیشوای ایشان استاد بهزاد وبخشایشی که ازفیض خدای آفریدگار باو شده تعریف نموده وقلمفرسائی نماید .

اینك بالاترین آرزوی من این است که خوانندگان مصری در خواندن این مؤلفه جدید همان چیزی‌را درك نموده وبدست بیاورندکه من ازخواندن آن استفاده نموده وبهره مندگردیدم .

جاستون وایت – قاهره در فوریه ۱۹۳۶

مقدمه ایکه بخامه دکترعبدالوهاب عزام براین کتاب نگاشته شده :

۱ـ ازآنجاکه‌اسلام اساساً کشیدن‌صورت‌ذی‌روح را بواسطه خاتمه‌دادن بعمل بت‌پرستی درتمام مظاهر ونمایش آن حرام فرموده وازاینجهت مسلمانان صدر اسلام درصدد کشیدن صورت انسان وحیوان که دارای روح وجانند بر نیامده وبنقاشی آن توجه نداشتند ولی‌موقعی که تمدن آنهاکمال یافت‌وتمایل‌خودرا بجانب نقاشی‌و نوشتن خط وکشیدن‌صورت‌نباتات وجماد آشکار نمودند این هنررا‌باعلی درجه‌کمال زیبائی و بها رسانیدند .

علاوه براین‌مسلمین بمرور زمان درکشیدن صور موجودات ذی روح وساختن مجسمه یا هیاکل‌سایه دار بخود اجازه داده ـ مخصوصاً در دوره های اخیر قرن هفتم هجری وبعدازآن باین کار اقدامی شگفت نمودند .

در کاخ «عمرا»که بقایای آثاری آن اخیراً در سرزمین شام پیدا شده وگمان میرود که بانی‌آن یکی از امرا وسران اموی بوده صور ونقوش بسیاری از حیوان و نبات دیده میشود .

بنی‌امیه تنها بکشیدن صور نبات وجماد اکتفا نکرده بلکه آثارجمیله وبدیعه ونقش و نگار زیبای‌آن زمان درکاشیها و موزائیك یاسنگهای رنگین‌دیده میشود که دیوارهای جامع بزرگ اموی دمشق بآنان زینت‌شده وهنوز باقی است .

چنانکه گفته اند منصور خلیفه عباسی وقتی‌که بغداد را بنا نمود امرداد بریکی ازگنبدهای آنجا هیکل سواری قرار دادند که بوزش باد حرکت مینمود وازاین‌قبیل آثاردرسامرا واثرهائی دیگر ازخلفاء فاطمیین در مصر کشف شده‌که صور بسیاری از حیوانات درآنان مشاهده‌میشود ونیز درابنیه وآثاراندلس واسپانیا ازاین‌قبیل‌صوری بسیارنمودارو موجود است .

کتب خطی مصور اسلامی زیباترین نمونه ونیکوترین آثار را ازفنون جمیله و صنایع مستظرفه درخط ونقش وتذهیب وتزیین ورنك‌کاری بما نشان میدهد وصفحات آنان فراخترین میدان‌ووسیعترین‌فضا برای کشیدن‌صور موجودات روان‌دار بوده‌که روزگاری دراز مسلمین از آن دوری مینمودند .

قرن هفتم هجری مردم عراق (بین النهرین) در نقش ونگار کتب جهت نمایش بعضی از قصص و روایات باافسانه و حکایات حریص ترین مردم بودند و در پیشرفت این هنر کوششی بسزا مینمودند وبهترین نمونه دراین خصوص نسخه مقامات حریری است .

صورتگران بکشیدن صور ونقوش کتاب « نوادر ابوزید سروجی» اقدام نموده و ازجامه و پوشش گوناگون آن زمان ورسوم وعادات مردم آن دوره صورتهائی زیاد کشیدند وهم اکنون درکتابخانه ملی پاریس نسخهٔ ازمقامات حریری وجود داردکه درصفحات آن بالغ بصدتصویر کشیده شده ونقاشی این نسخه درنیمه قرن هفتم هجری انجام گرفته .

درمصروشام هم درآن دوره اهتمامی زیاد بنقاشی کتب شده سپس این فن در ایران جلوه و خود نمائی کرده و نقاشهای ایرانی در حدودی معین نایستاده بلکه از پیامبران وصحابه هم صورتها کشیدند وبرای هنر نقاشی درایران دوره هائی متداوله وپیاپی بواسطه تأثیرفن چینی بوده وهنروران بمرور زمان درترقی وپیشرفت این هنر اهتمام نموده اند .

سلاطینی که سلطنت ایشان درکشورایران امتداد ودوام یافته آنها نیزهر کدام بنوبت خود در پیشرفت این هنر رعایت اهتمام را بجا آورده وازآنجمله : ایلخانیان تیموریان وصفویه بوده‌اند وتقریباً بقایای آثار تمام این ازمنه وادوارچگونگی اهتمام مردم را دراین باب نموده وگویای آن بوده ونیز درجه رغبت وتمایل ایشان را بتزیین وآرایش کتب وتصویر صورآن نشان میدهد .

سمرقند و هرات در زمان تیمور و شاهرخ و بایسنقر و سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیرعلیشیر نوائی مجمع نویسندگان بلند پایه وکانون هنر و مرکز هنروران و نقاشان زبردست و سرآمد بوده و این دوره بنام نقاش عالی مقام و استاد مشهور «بهزاد» تمام میشود .

در دوره صفویه فن نقاشی رونق وشکوهی تمام یافته وگلهای رنگارنگ وزیبای آن شکفتن گرفت زیراکه شاهان این خانواده ودودمان نسبت باین هنر توجهی بخصوص

نموده‌ودرپیشرفت‌وترویج آن کوشش ومساعی‌زیاد بخرج‌دادند مخصوصاً «شاه‌طهماسب اول» (۹۳۰ـ۹۸٤) و «شاه عباس کبیر» (۹۸۵ ـ ۱۰۳۸) بیشتر از دیگران باین عمل اهتمام داشته و از دارندگان پیشه وهنر تشویق وقدردانی مینمودند .

در زمان شاه عباس عمارات سلطنتی اصفهان و کاخهای بلند پایه آن بآیات و علاماتی‌ازنقوش وتصاویرزینت گرفته بود که من‌نمونه وبقایای‌آنرا درکاخ چهل‌ستون وسایرعمارات و ابنیه وکاخهای باشکوه اصفهان مشاهده نموده ام لیکن دراین دوره وزمان بود که دربرابرنقاشی ایران نقاشی دیگری خودنمائی نمود وآن‌نمونه نقاشی اروپائی‌بود که‌بین‌کاراستادان‌ایرانی آشکاروعیان‌گردیده‌ودرکاخ‌چهل‌ستون‌هم‌اکنون صور ونقش ونگاری‌دیده میشود که سفرا وایلچیان اروپا درموقع تشرف بحضورشاه عباس‌ونیزمیدان‌جنك‌وهنگامه‌های جنگی‌درآن‌بنانقاشی‌شده‌وگویاکه‌آن‌به‌بینندگان تصاویر ونقوش‌کاخ ورسایل فرانسه را نشان میدهد .

این عصردرخشان ودوره‌طلائی دلفریب‌وروح بخش‌نقاشی‌رادست وقلم توانای رضای عباسی نقاشی وهنرنمائی نموده و بعد ازاین استاد برای نقاشی ایرانی تحولات وتغییراتی‌عجیب دست داده‌که متدرجاً آنرا بجانب انحطاط وپستی گرائیده ودچار ضعف و سستی نموده است .

پس‌ازآن‌دربرابرنقاشی‌ایرانی نقاشی‌دوره‌وعصراسلامی‌هند وغیره آن‌قرارگرفته که هر کدام درمورد خود شایسته و درخور تحقیقات و بازرسی کامل خواهند بود .

۲ ـ اروپائیان در باره تحقیق و رسیدگی نقاشی عصراسلامی و ابنیه وعمارات ایندوره توجهی زیاد نموده کتب‌خطی مصور و نقاشی شده وبرخی ازنقوش وتصاویر فردی را گردآورده و آنرا با تاریخ برابری و تطبیق داده اند و برای این رشته از هنر وفن ادوار اسلامی تاریخی مرتب وروشن نگاشته و تنظیم نموده اند ازآنجمله « ارنولد» وهمکار اوکتابی مخصوص راجع‌به فن‌کتاب‌شناسی و تشخیص‌آن نگاشته وآنرا به « کتاب اسلامی» نام نهاده اند .

۳ ـ مسلمین هم در این زمان برای بررسی وتحقیق فنون اسلامی از اروپائیها پیروی و تقلید نموده و باینکار اهتمــام مینمایند از جمله وزارت فرهنك مصر جوان

دانش‌جوئی را برای بررسی بفنون اسلامی برگزیده که شایسته ترین شاگرد فارغ ـ التحصیل از دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی مصر بوده و او را بپاریس فرستاده این جوان مجدداً در آنجا بتحصیل کمال پرداخته تا بدرجه (دکترا) و اجتهاد رسیده سپس رشته تحقیق ومطالعات خودرا در موزه های آلمان و دیگرجا تکمیل نموده و بمصر مراجعت کرده و با موفقیتی که یافته در صدد برآمده زبان عربی را بآنچه که از کتب فنی اسلامی نیازمند است کمك و دستیاری کند ، این دانش‌جوی جوان همکار محترم ما (دکتر زکی محمد حسن) است .

مشارالیه ابتدا بنام «الفن الاسلامی فی‌مصر) کتابی نوشته که جزء اول آن انتشار یافته سپس این کتاب را که ما تقدیم وپیشکش بخوانندگان خود میکنیم بنام(کتاب ـ التصویر فی‌الاسلام عندالفرس) یا این کتاب نگاشته .

ما بهمت بلند دکترزکی محمد حسن ونبوغ واستعداد کامل او امیدواری‌زیاد داریم وآرزومندیم که مشارالیه مساعی خودرا دربهره مندی خوانندگان عربی زبان هر اوقات که در این موضوع بنوبت خود بحث میکنند مبذول دارد و خدا برای او هردشواری را سهل‌وآسان فرموده و موفقیت ویرا در هرکاری که خواهان آن است فراهم سازد .

عبدالوهاب عزام ـ بغداد ۲۸ شوال ۱۳۵٤ ژانویه ۱۹۳٦

مقدمه تاریخی

فلات ایران ازطرف غرب برود دجله وفرات ارتباط یافته وازطرف شرق برود سند محدود میشود وازجنوب بخلیج فارس ودریای عربستان وازشمال بدریای قزوین (بحرخزر)ورود جیحون پیوسته وبااین وصف ایران شامل کشورکنونی آن وافغانستان وبلوچستان وجنوب ترکستان روس خواهد شد .

برای اینکه دوخانواده کیانی و آکمنید - (هخامنشی‌ها) وساسانی بزرگترین خاندان سلطنتی که دراین کشورسلطنت نموده ودرقسمت فارس و جنوب غربی ایران نشوونما داشته‌اند . این نام برتمام ایران غلبه یافته ونزد یونان وروم وعرب و اروپا بنام پرس یا (فارس) معروف گردیده بود (۱)

لفظ (ایران) ازکلمه (آری) جدا شده ایران کشور ایرانیانی است که آنها قسمتی ازنژادآرین میباشند واین نژاد ازمراکز آسیا بجانب میهن نوین خود مهاجرت نموده در آنجا سکنی گرفته اند .

درتمدن مللی که اززمان خیلی قدیم درایران سکنی داشته‌اند ابداً هیچگونه محل تردید نیست.وهنوز آثارتمدن این ملت دربسیاری ازنقاط نموداراست .

« سراوریل شتاین » و « پروفسور هرتسفلد » قطعاتی از ظروف سفالی ظریف که سازشی محکم واستواردارد یافته‌وبدست آورده‌اندکه آنان‌بنقوش ورسومی زیبا ازخطوط واشکال هندسی زینت شده بود وعلمای آثاری درتعیین زمانی که این‌ظروف در آن ساخته شده اختلاف دارند و شاید بهترین عقیده وآراء ایشان آن باشد که چیزهای نامبرده درهزارسوم یا چهارم پیش ازمیلاد مسیح درست شده .

---

۱ - بموجب اعلامیه دولت شاهنشاهی واژه پرس بایران تبدیل یافته و بتمام کشور های جهان این نام رسمی اخطار واعلام گردید . (مترجم)

کاوش کاران (حفاران) علاوه براین بنوع دیگری ازظروف آگاهی یافته‌اند که بیشتر درحدود نهاوند (۲) بدست آمده برای این ظروف ظرافت و زیبائی نوع سابق وخوبی ساخت آن نبوده و بسیاری ازعلمای فنی باستان شناس آنرا باواخرهزارسوم پیش ازمیلاد نسبت میدهند .

کنگره صنایع ایران در لندن سال ۱۹۳۱ باعث شهرت چیزهائی از ظروف و اسلحه وزینت آلات وغیره برنزی گردید که در لرستان پیدا شده وباستان شناسان در تاریخ آن اختلاف زیاد نموده‌اند ولی باوجود این بیشتراز آنها راجع بهزارسال قبل ازمیلاد است .

بااینکه تاریخ ایران قبل ازقیام کورس (Cyrus) یکرشته افسانه های بهم‌پیچیده و غامض است معذلك آنچه راکه ما میدانیم این است ، در قرن ششم پیش از میلاد درجانب غربی ایران دودسته ازنژاد آرین : میدی‌ها درشمال ـ پارتها درجنوب جاو مکان داشته‌اند .

اما میدیها پیش از این درزمانی دور و دراز باین مرز وبوم مهاجرت نموده و آمیزش آنان با آشوریان و بابلیها که ساکنین قسمت جزیره وعراق بودند عاملی بزرك وقوی در ترقی و پیشرفت ایشان شده وازاینراه نوشتن آموخته و ازدانش ومدنیت بمقامی بلند وجایگاهی ارجمند رسیدند وطولی نکشید که بواسطه نیرو واهمیت خود فارس را مطیع خویش کرده وآنرا بدادن باج وخراج مجبورو ملزم نمودند .

اگرچه دوره سکونت فارسیها درایران وجاگزیدن آنان دراین حدود تازه‌تر ازدیگران بوده ولی باوجود این سستی و ضعف ایشان چندان ادامه ودوام پیدا ننمود زیرا کورس نامبرده توانست که بآنها وحدت کامه داده وبین ایشان طرح یگانگی و اتحاد ریزد سپس اوبا مردم شمال ایران نبرد و کارزار نموده ـ میدی را شکست داد وبرپای تخت آنکه اکماتان (همدان) بود مستولی شده آن دوکشوررا یکی گردانید وبدینواسطه توانست که در ۵۵۰ قبل ازمیلاد دولت کیانی را تأسیس نماید .

---

۲ ـ این ظروف مربوط بحفاری است که در تپه ژیان (گیان) توسط گریشمان بعمل آمده وگیان یکی ازآبادی های مهم نهاوند است . (مترجم)

دولت کیان
(۵۵۹ ـ ۳۳۱ ق‌م)

کورس سلطنت خود را ازطرف مشرق تا رود سند امتداد داده بعد ازشکست لیدی ودستگیری (کروسس پادشاه ایشان) آسیای صغیررا بکشور خود ضمیمه نمود پس از آن برکلدانیان غلبه یافت و بابل را فتح نمود (۵۳۹ ق‌م) بعد از آن جانشینان وی هم مانند اورفتار نمودند .

کامبیز پسر کورس در۵۳۰ قبل ازمیلاد مصرراگرفته و بعد از آن ایران ویونان را بهم‌پیوست سپس بین ایران و یونان زد و خورد های معروف وفتح وشکست های چندی روی داده وحملات ایران بر کشور یونان‌مکرر گردیدوایران برای‌یونان دیگر مستعمراتی باقی نگذاشت (۵۰۰ تا ۴۷۹ ق‌م) .

دولت کیان همواره بر قرار وپایدار بود تا اینکه اسکندر مقدونی پیدا شده بدولت وپادشاهی این دودمان خاتمه داد (۳۳۴ ـ ۳۳۱ ق‌م) .

آرین‌ها در ادوار پیشین تجلیات ومظاهر طبیعت را پرستش مینمودند وبوجود نزاع وکشمکش بین قوای مختلفه طبیعت عقیده داشتند تا اینکه درهزار اول قبل از میلاد «زردشت» پیدا شده ونیروی‌خیررا بخدائی یگانه بنام «اهورامزدا» نسبت‌داد و ازارواح پلید وشریروحدتی قرارداد که‌آن «اهریمن» است ومیگفت‌که این دو قوه پیوسته بایکدیگردرکشمکش ونزاع‌اند آفرینش خوب و با فایده از اهورامزدا وپیدایش بدی‌ها وگزند از اهریمن است ـ انسان بایدکه روح خیر را کمك و یاری کرده ازروح شرپرهیزنماید واز آن‌دوری‌کند ونیزبایدکه بروزجزا وپاداش بازپسین عقیده‌مند باشد .

زردشت در آموزش مذهبی خود احترام و ستایشی را که آرین ها از آتش نموده‌وآنرا مقدس میشمردند تأیید نمود اوآتش را نکته و رمزی ازخوبی وروشنی دانست و افروختن آتش را در کانونها هنگام سوگواری از بزرگترین مظاهر مهمه دیانت خود قرارداد .

اسکندر و جانشینان او

۵۴۸ - ۳۳۰

اسکندردولت‌ایران را بهم زده وفتوحات اوراهی‌وسیع‌برای نشرتمدن یونانی در شرق نزدیك وشمال هندوستان باز نمود وبزرگترین چیزی‌راکه او درنظرداشت توحید سلطنت و گماشتن مستشاران دولت بیگانه در شرق و غرب بوده تا اینکه امپراطوری گیتی را تحت قدرت ونفوذ خود درآورده باشد .

اسکندر پس از فتح ایران دختر دارای سوم را ازدواج نمود ، سرداران اوهم از وی پیروی کرده بسیاری ازایشان با بانوان ایرانی زناشوئی نمودند لیکن چیزی نگذشت‌که اجل دست بگریبان او شده و بعد از وی کشور پهناورش ببخشهائی تقسیم‌گردید که امور آنرا سرداران اسکندر اداره مینمودند و یکی از ایشان که سلوکوس نام (Seleucus) داشت‌چیزی‌که قابل ذکرباشد نرسید ولی طولی‌نکشید‌که بین جانشینان اسکندر نزاع درگرفت وسلوکوس بخش‌خودرابانتیوکوس پیوسته از اینراه بر بابل استیلا یافت .

بعد ازآن انتیوکوس خواست‌که تنهـا وارث اسکندر شود ولیکن سلوکوس بر او غالب شده و سلطنت خودرا بربیشتر قسمت آسیا که از خانواده مقدونی باقی مانده بود امتداد داد وتمدن یونان در دورهٔ حکومت او و جانشینانش درتمام قلمرو خاور میانه وشرق نزدیك منتشر گردید .

پارتها(Les Parthes)

(۲۵۰ ق‌م ۲۲۶ م)

درنیمه قرن سوم قبل از میلاد دستهٔ از آرین‌ها درخراسان سکنی داشتند‌که به پارت‌یا پارتیامعروف‌بودند وآنها ازمراکز آسیا بآنجا رویآورده وجایگاه‌گزیدند پادشاه ایشان ارشاکس Arsakes یا ارشاك توانست‌که کشور خود را استقلال دهد .

پارتهاهمواره باجانشینان سلوکوس در نزاع بوده تااینکه قسمت غربی ایران وحدود شرقی بلادجزیره را از آنها انتزاع نمودندسپس با رم داخل جنك ونبردشده ارمنستان وقسمت غربی بلاد جزیره را گرفتند ودر دوره مهردادکبیر (۱۷٤-۱۳٦) امپراطوری پارتها بدورترین مرزوحدودخودرسیدەوبااینکه آنچه تصورمیرودپارتها ایرانی بوده‌اند معذلك تمدن ایرانی درتمام دورهٔ ایشان جز درطبقات توده ملت کار فرما نبوده وبین درباریها و بزرگان و رجال دولت تمدن یونان چیرگی داشته وانتساب پارتها بکیانیان و الحاق این انتساب آنان دارای اثری زیاد نبوده وآنها را برنك تمدن قوی و مهم یونان که اسکندر وجانشینان آن بایران آورده بودند رنگین بود .

ساسانیان (Les Sassanides)
(۲۲٦ - ٦٤۱)

ساسانیان منتسب بساسان اندکه مردی پیشگو بوده و او را ازکاهنان استخر تصور نموده‌اند واین خاندان علاوه براین نسب خودرا بکیانیان میرسانند .

(در اوایل قرن سوم قبل از میلاد) در ایران چندین خانواده های کوچك حکومت مینمودندکه آنها در برابر پارتها تسلیم بوده و اظهار فروتنی مینمودند ، عرب این دوره را بدوره ملوك‌الطوایفی (فئودالیته) نام نهاده است .

سرسلسله این خانواده های کوچك « بابك » نامی بود که در حدود فارس حکومت داشته سپس پیشرفت کرده ودست اندازی بکشور همسایگان خود نمود و نواده او(اردشیر) توانست که اردوان اشکانی آخرین پادشاه اشکانیان در ایران را شکست داده و بزور و نیرو تخت و تاج اورا گرفته و سلطنت خانواده ساسانیان را تشکیل دهد وآنهاوارث چیزهائی شوندکه ازپارتها بارث ویادگار مانده‌بود وآن نزاع وکشمکش بین ایران و روم و بیزانطین بوده .

اردشیرباروم درباره ارمنستان داخل جنگ شده وهمیشه این جنك وجدال بین دودولت امپراطوری بزرك ایران وروم تا دوره انقراض دولت ساسانیان بر قرار بود و گاهگاه فترت هائی کم وکوتاه دراین میانه رخ می‌نمود .

پوشیده نیست که بزرگی وشوکت ایران باستان دردوره ساسانیان تجدید شده وکشورایران راهی راکه آنزمان درتمدن جدید وعظمت خود پیمود تنها دردوره این خانواده بوده وشاهان این دودمان قهرمانانی بودندکه از ایران و تمدن آن در برابر روم ویونان در مغرب زمین دفاع مینمودند وبرضد قبایل هیاطله (مغول ـ ترك ها) درشرق بودند.

مابین شاهان ساسانی ازهمه مشهورتر (شاپوراول) است که باسوریه وشام جنك نموده وبا رومیها ۲۶۰ بارنبرد کرد ونیروی روم‌را شکستی سخت داد شاپوروالرین امپراطور روم را اسیر نموده بایران آورد و ایرانیان یادگار این حادثه شگفت را با خطوطی برجسته وخوانا روی تخته سنگها برای یادگاری همیشگی و دوام رسم نموده اند.

هم ازایشان « بهرام پنجم » است که بدستیاری « نعمان » پادشاه حیره بتخت ایران قدم‌نهاده ودرصید وشکاراورا مهارتی‌زیادبود واورا بهرام‌گورلقب داده‌اند(لفظ گورفارسی ومعنی‌آن خروحشی است)بزرگترین سعی وکوشش بهرام‌گورجلوگیری ازقبایلی بودکه بحدود شمال وشرق دولت امپراطوری وی حمله آورده وکشور اورا درآنحدود دچار تهاجم مینمودند.

در ۵۳۱ «انوشیروان عادل» که درستایش ونیایش اوشعرای‌عرب شعرهاسروده‌اند به‌تخت‌شاهی ایران‌نشسته : قوانین کشوری‌را اصلاح‌ـمالیات را منظم‌ـامنیت رابرقرار نمود ولشکروی درحدود شرق وغرب فاتح شده سوریه را مطیع‌وفرمانبردار نمودند و اودایره سلطنت خودرا تاکشور یمن وسعت داد.

پرویز دوم سوریه را تا شام ومصروآسیای صغیرمطیع نموده و نیز توانست که تقریباً برقسطنطنیه استیلا یابد ولی هرقل امپراطور روم بجلوگیری آن قیام نموده و نیروی‌ایران دربلاد جزیره شکستی بزرك خورد، در نتیجه آنچه راکه پرویز گرفته بود مسترد گردانید.

از آنجاکه امپراطوری ساسانیان مولود نهضتی میهنی وکشوری و مذهبی بود در دورهٔ سلطنت این خانواده حکومتی ملی و ایرانی در این کشور برقرار گردید و در آن دوره دیانت مقامی اعلی پیدا نمود سلاطین این خاندان توانستند آئین و

ونظامات اداری را که داریوش دردورهٔ کیانیان ترتیب داده بود دوباره بکار برده و اجرا نمایند و اهمیت و احترامات حکومت مرکزی را در نفوس حکام وفرمانروایان اقالیم وشهرها جای داده و انتشار دهند ودین زردشت با پایه استوار باین جنبش پاك ونهضت مقدس ارتباط یافته ومذهب رسمی دولت گردیده ضمناً نفوذ رجال مذهبی زیاد شد و این کثرت نفوذ تقریباً اسباب خطر انتظامات کشور گردید لذا شاهان ساسانی در قرن چهارم میلادی درصدد بر آمدند که این قوه را جلوگیری کنند ولی بعضی از ایشان فدای راه این مساعی شده وجان خودرا درسر اینکار دادند اردشیر ثانی (۳۷۶-۳۸۳) نیز ازسلطنت خلع گردید .

شاپورسوم (۳۸۳-۳۸۸) ویزدگرد اول(۳۹۹-۴۲۰) وهرمزاول (۲۷۲-۲۷۳) مذهب مانی راکه مذهبی بهم آمیخته ومخلوط از دیانت زردشت و مسیحی بود قبول نمود واساس آن مذهب این بود که دنیا ازدو اصل : نور وظلمت پیدا شده بدین تفصیل که از نور هر چیز خوب بوجود آمده و از ظلمت هر امر شری پدید گردیده ولیکن آمیزش خیر و شر در این دنیا شری است که بایستی هر کس از آن رهائی جسته و رستگاری پیدا کند .

مانویت مردم را بزهد و بی میلی بدنیا خوانده ازدواج وزن گرفتن را شتاب زدگی بجانب فنا میدانست لذا آنرا حرام گردانید، مانویها به پیامبری عیسی وزردشت اعتراف نموده ، عقیده داشتند باینکه مانی پیغمبری است که عیسی بآمدن او مژده داده ولیکن تعلیمات مانویها در ایران پیشرفتی زیاد ننمود و آنان موفقیتی تمام در کیش و آئین خود نیافتند وقتی که هرمز وفات یافت بهرام اول جانشین اوشد (۲۷۳-۲۷۶) مانی نیز کشته شده پیروان او نیزازهم پاشیده و پراکنده گردیدند .

آخرین تن که ازشاهان ایران بکیش زردشت درآمد قباد اول (۴۸۸- ۵۳۱) بود که او آئین مزدك را پیروی نمودواو مردی ثنوی مذهب بوده وبوجود خیروشر اعتقاد داشت لیکن مزدك دراثر تعلیمات اشتراکی واباحه اموال وزنان ازکیش زردشت جدا شده بود وقباد برای کم کردن نفوذ اشراف ورجال مذهبی ومؤبدها وبرای از بین بردن قدرت ونفوذ ایشان خودرا باین عقیده نسبت داد ولی باوجود این مغلوب شده

واورا ازتخت وتاج بر کنار نمودند . قباد پس از چندی ازروش وطریقه مزدك دست کشیده و دیگربار بر اورنك شاهی برقرارگردید .

تعجب در این است با وجود اینکه در رأس دولت ساسانی خانوادهٔ ای قرار گرفته بودند که مورد تقدیس و تکریم ملت بود و مردم آنان را مانند خدایان پرستش مینمودند و ازپرتووجود ایشان طبقه اشراف بنفوذ و قدرتی تمام بهره ور و متنعم شده بودند وآنها برسراسر کشور تسلط داشته و مأمورین شایسته کشوری و سرداران بزرك لشگری تربیت نموده و بیرون میدادند رجال مذهبی هم به تبلیغات و تعلیمات زردشت وترویج آن مواظبت داشته آئین وکیش زردشت را نگهبان وحافظ بودند ودرنظرایشان چیزی جز دفع و رفع موانع عموم نهضت اصلاحی نبود معذلك مقدمات ووسائل زوال وانقراض ایندولت فراهم آمد .

ازجمله موجبات زوال دولت ساسانیان نزاعی بودکه چند قرن بین ایران وروم ادامه داشته ونتیجه آن ضعیف شدن دولت ساسانی درموقع پیدایش وظهوردین مبین اسلام وشروع دعوت اسلامی گردید ، سستی وضعف دولت ساسانیان نیروی ایرانرا از ایستادگی وپافشاری دربرابر نیروی اسلام بازداشته و طوری شد هنگامی که مسلمین شروع بفتوحات مهمه نمودند پی درپی آنهاضعف وناپایداری خودراآشکارکرده وشکست هاخوردند وطولی نکشیدکه نفوذ مسلمین برتمام کشورایران امتدادیافت ورشته دولت با عظمت ساسانی بکلی از هم گسیخته ومنقرض گردید .

فتوحات اسلامی

قوه ایمانی مسلمین و تعصب اسلامی و رغبت آنها دربسط ونشراین دیانت و اعتقاد ایشان بقضاء وقدرومعرفت آنان ازنعمت و راحت وزیادی ثروت ایران و مصر وشام خلاصه موجبات مذکوروغیرآن بزرگترین عامل پیشرفت وبهترین مشوق مسلمین درفتوحات مهمه ووسیع آن حدود شده چنانکه ضعف ملل عظیمه هم آنهارا درآنوقت برای پیشرفت کار کمك مینمود .

ایران درشرق وروم درشمال ـ کشورایران بدست اعراب سقوط نموده واساساً جزومتصرفات وپیرو اوامر خلفا گردید ، خلفا برای امور کشوری آن از طرف خود ولات وحکامی روانه مینمودند واین ترتیب تااوایل قرن سوم (نهم میلادی) برقراربود .

سیاست بنی امیه وکارهای برجسته ایشان بالا بردن شأن عرب ومقام دولت اسلامی بوده ودر دوره آنها دولت اسلام ازتمام جهات صبغه و رنك عربی بخود گرفت و ایران درزمان بنی امیه دورمهمی بازی ننموده وکاری ازپیش نبرد .

پس از آن بنی عباس آمده وردوره ایشان متدرجاً سلطنت بدست ایرانیان افتاد و و از میان آنها خانواده های جدیدی قیام نمودندولی طولی نکشید که عصر طلائی دولت بنی عباس اعلان انقراض وافول خود را داده و آثار تجزیه در ارکان و عناصر دولت اسلامی روی نمود ـ حکام هرجاطمع باستقلال خودبرده ودم ازخودسری زدند وقدیمتر از همه آنها طاهریان واولاد صفاربودند که برای خود حکومتی نیمه مستقل تشکیل دادند

دو دولت	طاهریان ۲۰۵ـ ۲۵۹ هجری (۸۲۰م ـ ۸۷۲م)
	صفاریان ۲۵٤ـ ۲۹۰ » (۸٦۷م ـ ۹۰۳م)

طاهریان منسوب بطاهر بن حسین مشهور بذو الیمینین اند که یکی از سرداران بزرك مأمون بوده واورا برای ایالت خراسان برگزیده بود، حکومت دردودمان طاهر زیاده ازپنجاه سال دوام یافت تا پسران صفاربکارایشان خاتمه دادند ونخستین کار آنها این بودکه سرسلسله ایشان یعقوب بن لیث صفار که کاراو روی گری بود عهده دار حکومت سیستان شده وسلطنت او درهرات وفارس امتداد یافت سپس طاهریان را شکست داده ، برخراسان نیز مسلط گردید وخواست تابغداد را بگیرد ـ موفق برادر خلیفه اورا منهزم نموده و یعقوب در٢٦٥ وفات یافت ـ پس از یعقوب برادرش عمرو لیث جانشین او شد . ولیکن طولی نکشید که ساسانیان دولت صفاری را بهمزده و منقرض نمودند .

دولت سامانی

(۹۹۹-۸۷۴)-۳۸۹-۲۶۱

سامان مردی ایرانی وازاشراف وبزرگان بلخ بودکه درزمان دولت بنی‌عباس قبول اسلام نموده و چهار نفر از نوادگان اودر خدمت مأمون پیدا شده اظهار لیاقت کردند • خلیفه آنها را والی ماوراءالنهر فرمود و بهرکدام حکومتی را واگذار کرد •

یکی ازایشان حاکم فراغنه وسمرقند وکاشغرشده ، پسرش توانست که بعد از اواز حدود هند تانزدیکی بغداد را تحت قلمرو خوددرآورد وقدرت خودرا درآنجا بسط وتوسعه دهد .

بخارا دردوره حکومت این خانواده بعلمای بزرك و اساتید متتبع و هوشمند اشتهارزیادیافته وسامانیان برای زنده نمودن ادبیات ایرانی وترویج آداب ورسوم آن بذل مساعی نمودند .

آنها نسب خود را بپهلوان ایرانی « بهرام چوبینه» پیوسته و در زمان ایشان جنبش ملی برای پیشرفت زبان فارسی شروع شد :

رودکی رکن شعرای اولیه ایران درآنزمان ظهوریافت - دقیقی نیز برای امیرنوح پسر نصر سامانی منظومهٔ مفصلی ساخته که درآن گزارش وحوادث ایران رادرزمان یکی ازپادشاهان بطور افسانه حکایت مینمود .

فردوسی این منظومه را درشاهنامه خود داخل نموده واین شاعر بزرك باافتخار زندگانی ادبی خودرا درخدمت شاهان سامانی شروع نمود .

پسران بویه

(۱۰۵۶-۹۳۳)-۴۴۸-۳۲۰

موقعی که سامانیان درخاور ایران حکومت داشتند درقسمت باختراین کشور

پسران بویه پیدا شدند که مدعی بودند آنها ازنسل و خانواده ساسانیانند .

بویه رئیس قبیله بزرگی بودکه درحدود بحرخزرسکنی‌داشته و تابع سامانیان بودند .

علی پسر بویه ابتدا برای مرداویج که از آل زیار بود خراج‌گذ رشده وطولی نکشید، که او ازدیلم سپاهی بدور خود جمع نمود ونفوذ خویش‌را بکمك ودستیاری برادران خویش درجنوب ایران برقرار داشت و طوری شدکه خلیفه ناچارگردید ، در ولایاتیکه آنها گرفته بودند حکومت ایشان را تصدیق واعتراف نماید و بدین ترتیب سلطنت آل‌بویه درجنوب ایران برقرارشد سپس نفوذ ایشان توسعه پیدا نموده تا بغداد امتداد یافت ودر٣٢٤(٩٤٧) آنها داخل بغداد شدند ، خلیفه بیکی ازایشان لقب امیرالامرائی داده و برای آل بویه درامورد ولت و در بارخلافت جایگاه و مقامی عالی فراهم آمد

مشهورتر ازهمگی آل‌بویه «عضدالدوله» است (٣٣٨ر٣٧٢) که دائره تجارت را توسعه داده و بپاسداری و توجه علوم و فنون معروف گردیده و دانش و هنر را تعمیم نمود .

دولت غزنویها

(٣٥١-٥٨٣)-٩٦٢ ١١٨٦

در این بین ترکها در امپراطوری بزرك اسلامی دست بکارزده و دور مهمی را بازی‌نمودند نفوذ ترکها از زمانی شروع شدکه خلفای بنی عباس و سلاطین خاندان ایرانی غلامان ترك را در دربار خود بخدمت‌گماشته و از ایشان سپاهیان مزدور و جیره خوارگرفتند ونیز سقوط دولت سامانی در اواخر قرن چهارم هجری اجازه داد که سیادت وفرمانروائی‌کشور ایران ازایرانیان بترکهای آسیای مرکزی انتقال یابد و ایران تا قرن دهم حکومت خود را از ترکها یا مغول قرار دهد ولی با وجود این عناصرترك بین‌ایرانیان مستهلك شده رنك ایرانی بخودگرفت بطوریکه‌آنها خود را بصبغهٔ ایرانی جلوه میدادند تابجائی‌که میتوان‌گفت خانواده‌هائیکه پی‌درپی برتخت

سلطنت ایران قرار گرفته‌اند (ازقرن دهم تا قرن بیستم) حکومت ملی ایرانی بوده وآنها را بهمین واسطه جزء دول ایرانی بشمار آورده‌اند و با این وصف اعم اینکه اصل ایشان از ترك یا ایرانی بوده باشد آنها بسلاطین ایران اشتهار یافته اند .

اولین دولت ترك که درایران حکومت نموده غزنویانند وعلت پیدایش حکومت آنها این بود که غلامی ترك موسوم بالبتکین در خدمت عبدالملك سامانی ترقی و پیشرفت نموده وبعد از وفات او بکوههای افغانستان پناه برده از سلطنت سامانیان سرپیچید و طولی نکشید که غزنویها حکومت کوچکی در غزنین افغانستان تشکیل دادند ولیکن مؤسس حقیقی خانواده غزنوی داماد وی سبکتکین است که خلیفه حکومت اورا تصدیق نمود و او بعنوان جهاد به پنجاب رفته بنای جهاد گذارد ، پسرش محمود بعد از او فرصت یافته دولت سامانی را منحل نمود و خراسان را ضمیمه متصرفات خود کرده ، عراق عجم و گرگان را نیز ازآل بویه انتزاع نمود و سپاهیان او در پنجاب پیشرفتی زیاد کردند ودین اسلام را بهند بردو کشوراو ازطرفی تا حدود لاهور کشیده شده وازجهت دیگر ازسمرقند تا اصفهان را نیز بتصرف خود در آورد .

سلطان محمود اگرچه سنی متعصب بوده و جماعت معتزله را اذیت و آزار مینمود ومؤلفات علمای معتزله را میسوزانید ولی باوجود این دولت ایران در دوره سلطنت او باوج عزت رسیده و در باروی همواره جایگاه شعرای فارسی زبان بود . « فردوسی » کتاب شاهنامه بزرگترین تاریخ افسانه ایران را برای سلطان محمود برشته نظم در آورده وتقدیم او نمود .

سلاجقه

(۴۲۹ – ۷۰۰ھ) – (۱۰۳۷ – ۱۳۰۰)

گفته شد که دولت خلفای عباسی از آغاز قرن دهم میلادی چگونه رو بضعف نهاده و طوری بود که نفوذ ایشان از حدود عراق تجاوز نمینمود و چگونه غلامان جیره‌خوار ترك درخدمت خلفا فزونی یافته وبتدریج قدرت سیاسی را از آنها گرفته و نفوذ ملی ترکها درتمام حدود ونواحی سلطنت امپراطوری اسلامی زیاد گردید .

سلاجقه که باین اسم شناخته شده‌اند نسب ایشان بسلجوق میرسد که زعیم و

قائداین طایفه ورئیس قبیله ترکمان حدود ماوراءالنهر بوده واوتوانسته‌که نفوذ خود را برخراسان برقرار دارد و بعد از وی قوه سلاجقه زیاد گردیدتا اینکه طغرل بیك نواده سلجوق بر ولایات غزنویان استیلا یافته سپس بجانب بغداد شتافت و در ٤٤٧ (۱۰۵۵م) ببغدادورود نموده وبحکومت شیعی آل بویه خاتمه داد .

خلیفه وقت هم رشته امور سیاسی وکشور داری رابعهده او واگذاشته وبدین طریق سلاجقه نفوذ خود را زیاد نموده دارای حکومت ایران و عراق و آسیای صغیر وشام گردیدند .

در دورهٔ سلطنت الب ارسلان که جانشین طغرل بیك بود سلاجقه در ملاذگرد بدولت بیزانطین شکستی سخت داده (٤٦٤)-(۱۰۷۱) ارمنستان را بتصرف خود در آوردند وجلوایشان برای حمله بردن بآسیای صغیر وتهدید قسطنطنیه بازگردید .

دولت سلاجقه در زمان ملکشاه و وزیر او نظام‌الملك که آندو اهتمامی زیاد برعیت پروری و دادگستری و احترام و مهربانی بعلما و شعرا داشتند باوج عزت و کمال رسید ودردوره این شاه ووزیرمدارس ودانشگاهها و مؤسسات دانشی متعددی پیدا شده و نظام‌الملك از اینگونه بنگاهها درچندین جا بنا وتأسیس نمود .

وقتی که ملکشاه وفات یافت (٤٨٥-۱۰۹۲) دولت او ضعیف شده و متصرفات وی مابین پسران وخویشان اوکه مشاغل حکومتی داشته وعنوان اتابیکان بر ایشان اطلاق میشد تقسیم گردید .

با این وصف جای تردید نیست تمام مدتی راکه سلاجقه ازآغاز دخول‌ایشان ببغداد تا زمان‌وفات سلطان سنجر(۵۵۲ هـ - (۱۰۵۷ م) درایران حکومت نموده‌اند ازخجسته ترین زمانها وبرجسته ترین دوره وعصرترقی فنون و هنرایرانی بوده و از اشخاص نامی وبرگزیده دورهٔ سلاجقه :

امام محمد غزالی- حکیم عمرخیام- دونفرحکیم مشهور وفیلسوف دانشمندان معروف میباشند .

دولت خوارزمشاهیان

(۴۷۰-۶۱۷) - ۱۰۷۷-۱۲۲۰)

در آغاز کار این خانواده - انوشتکین که ازطرف ملکشاه سلجوقی عامل خوارزم بود وفات نمود و پسرش جانشین او گردید او خواست که با سلاجقه بمخالفت قیام کند .

سلطان سنجر اورا از خوارزم رانده ومتواری نمود ولیکن دیگربارکه بایران بازگشت کرد اووجانشینان وی نفوذ خودرا درایران فرونی داده سپس بمذهب شیعه در آمد و آنان قصد داشتندکه بخلافت بنی عباس خاتمه دهند ولی چنگیزخان با سپاهیان مغول مزاحم احوال ایشان شده نگذاشتندکه حکومت خودرا ادامه بدهند .

در دوره حکومت این خانواده نیز بسیاری از ادبای فارسی زبان و شعرای ایرانی مانند نظامی وشیخ عطار ودیگران بظهور رسیدند .

مغول ها

(۶۵۶ - ۷۴۶ ﻫ (۱۲۵۸ - ۱۳۳۶ م)

دستهٔ ازمغول بامر وفرمان چنگیزخان قسمت ماوراء النهر و بلاد شرقی ایران را در۶۱۸هجری (۱۲۲۱م) بتصرف خوددرآورده ومغولهابه هر نقطهٔ از نقاط که میرسیدند آنجارا خراب وویران مینمودند وفتنه مغول بزرگترین بلای ناگهانی است که درتاریخ ایران بروز نموده واین کشوررا کاملا بجانب خرابی وویرانی کشانید .

ما بین مغول کسی که قدم ایشان را درکشور ایران استوار نمود هلاکو خان بوده که درنیمه قرن ۷هجری (۱۳میلادی) ازطرف برادر بزرگتر خود در این کشور حکمرانی مینمود و در۶۵۶ ببغداد استیلا یافته مستعصم خلیفه عباسی را بقتل رسانید و دراین کشور پهناور تشکیل خانواده‌ای دادکه تا سال ۷۳۶ حکومت مینمودند و آن خانواده ایلخانی ومغول است .

اصطکاك مغول باافراد ملت ایرانی سبب تهذیب اخلاق ایشان شده ووضع اداری وآمیزش آنها بعداز هلاکوخان دارای یك سلسله متانت ورشد وپیشرفت گردید وطولی نکشید که مغول دین اسلام را قبول نموده و زیاد حریص بودند که خودرا بعموزاده های خود مغولهای بودائی چین اتصال و ارتباط دهند و بدین جهت دوره حکومت این خانواده درایران نسبت بفنون وهنروزندگانی اجتماعی وتربیتی ازدیگر دوره ها امتیاز یافته .

موفقیت وپیشرفت اصول ملوك الطوایفی درایران موجب انقراض دولت جانشینان هلاکو شد و دولت مغول پس از پنجاه سال حکومت و فرمانروائی سقوط نموده و بدولتهای کوچك محلی چندی تقسیم گردید مانند :

دولت آل مظفر درفارس وکرمان (۷۱۳-۷۹۵)-(۱۳۱۳-۱۳۹۳) ودولت کرت درهرات ودولت جلایردرعراق وغیره ازدولی است که تا ظهورتیمورلنك دوام نموده و فتوحات امیرتیمور درآخر قرن هشتم هجری (۱٤ میلادی) بتمامی آنان خاتمه داد .

تیمورلنك و جانشینان او

۷۷۱-۹۰۶(۱۳۶۹-۱۵۰۰)

تیمورلنك در بلاد ماوراءالنهرسال(۷۳۶-۱۳۳۵)متولدشده واوازخانواده اصیل ترك وازبزرك زادگان ترکستان است .

تیمورموقعی که نفوذ خودرا درمیهن خویش برقرارو پایدارنمود ازآنجا بجانب ایران حرکت کرده حکامی راکه دراین کشور بطرز ملوك الطوایفی حکومت مینمودند بهم زده وهمه را تحت یك سلطنت درآورد سپس بجانب روسیه رهسپارشده تامسکو پیشرفت نمود پس ازآن بهند حمله کرده وفتوحات خودرا درآنجا ادامه داد تا اینکه دهلی را در۸۰۱ هجری (۱۳۹۸) بتصرف خود درآورد وطولی نکشید که در حدود آنقره (آنکارا) هم بایزید سلطان عثمانی شکستی فاحش داد (۸۰٤هجری-۱٤۰۲)

تیمورلنك درفتوحات خود خرابی‌ها زده و در بیرحمی و وحشیگری خودرا بمنتهی درجه رسانیده بود ولیکن اگر که شیراز ودهلی ودمشق وبغدادرا خراب نمود

این عمل او برای آن بود که بپایتخت خود جلوه و شکوه و عظمت وجلال داده باشد چنانکه امروزه مقبره و آرامگاه او که یکی ازعجایب فنی معماری دوره اسلامی است درسمرقند برپا است ومورد توجه عموم مردم دنیا میباشد .

بعد از وفات تیمور در ۸۰۷-۱۴۰۵ بین ورثه اونزاع درگرفته و در آخر کار چهارمین پسر او (شاهرخ) توانست که خویشان ونزدیکان خود را وادار کنند تاحکومت ویرا تصدیق نمایند واو بدین طریق بتخت ایران برقرار گردید سپس بلاد ماوراء النهر را نیز بتصرف خود درآورده ، هرات را پای تخت خویش قرار داد و عده زیادی از شعرا وهنروران را بهرات کشانیده ادب وهنر دردوره اووجانشینانش رونق وشکوهی تمام یافت .

دولت صفویه

(۹۰۷-۱۱۴۸-۱۵۰۲ ۱۷۳۶)

سلاطین صفویه به « شیخ صفی الدین »منسوب اندکه یکی ازاولیاء و مرشدان اردبیل بوده وشاه اسمعیل نواده او بعدها دارای قدرت و نیروشده خانواده ترکمان راکه درمغرب ایران حکومت داشتند «آق قوینلو وقراقوینلو» شکست داده ومنقرض گردانید ودرسال (۹۰۷ (۱۵۰۲) خانواده ایرا تأسیس نمود که از آن تاریخ تا۱۱۴۸ هجری (۱۷۳۶ م) درایران حکومت وسلطنت داشتند .

نسب صفویه بحضرت علی بن ابیطالب علیه السلام پیوسته ومذهب شیعی درزمان سلطنت ودوره حکومت این خانواده مذهب رسمی کشور پهناور ایران گردید .

عثمانیان که پهلوانان ترك نژاد بوده و پیروی از مذهب تسنن مینمودند نمی گذاشتند که کلمهٔ آنان یکی شده و نفوذشان زیاد گردد لذا از آن ببعد اختلاف و کشمکشی طولانی وشدید بین این دو فرقه پدیدار گردید .

سلطان سلیم در ۹۲۰ (۱۵۱٤) بانیروی زیاد خود بجانب تبریز پایتخت شاه اسمعیل آمده سپاه ایرانرا شکستی سخت داد ودراثر آن قوای عثمانی بقسمت غربی دولت امپراطوری صفویه مسلط گردیدند - بدتر ازهمه آنکه قبایل ترکمان نیزهمواره

در سمت شرقی ایران بجنگ وجدال و دست اندازی بآنحدود مشغول بودند شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸٤ هجری) در دوره سلطنت خود همواره با ایندو خطر بزرگ مواجه بود.

عصر طلائی خاندان صفویه دوره سلطنت (شاه عباس کبیر) است (۹۹۵-۱۰۳۸ه) زمانی که شاه عباس بتخت سلطنت نشست ایران از هر طرف دچار مخاطرات شده بود چنانکه ترکمانان و ازبك حدود شرقی شمالی را تهدید نموده و ترکها بآذربایجان استیلا یافته بودند شاه عباس توانست که دوباره کشور از دست رفته را بخود برگرداند لذا فتوحات خویش را ادامه داد و ترکها را هم از بغداد رانده آنجا را تصرف نمود (۱۰۳۲-۱٦۲۳) سپس بواسطه ایجاد روابط حسنه بین خود و دول اروپا ترکها را دچار مضیقه گردانیده، در اثر این ارتباط نظاماتی جدید در امور کشوری و لشکری برقرار نمود.

ازمهمترین حوادث سلطنت شاه عباس انتقال پایتخت او باصفهان بود که دراثر آن شهر مزبور را زیب و شکوه داده ابنیه عالی و مساجد و معابد وکاخهای دلگشا در آنجا بنانمود وراه آمدوشد را بجانب این شهر زیبا از هرطرف وهرجا بازگردانیده اروپائیان از دول و ملل مختلفه باصفهان آمدند عظمت و جلال پایتخت وکشور شاهنشاهی را دیده وگزارش آنرا بمورد نگارش آوردندوازآن شرح ووصف نمودند

جانشینان شاه عباس بااینکه روش خودسری راگزیده وبخوشی و نشاط سرگرم گردیدند معذلك سیاست شاه را پیروی نمودند آنها گرچه نتوانستند از بغداد نگهداری کنند ودولت عثمانی آنرا بخود برگردانید : ولی شهرهای دیگر این کشور رانگاهداری نمودند وازشاه عباس درطرفداری ازارباب هنر وتشویق کارگران وترویج پیشه وهنر تقلید نموده ودرطرح روابط حسنه بادول اروپا اهتمام زیاد بخرج دادند.

دراواخر عوامل ضعف بدولت صفویه راه یافته وموجبات انقراض در آن رخنه نمود تا اینکه افاغنه دردوره سلطنت شاه سلطان حسین بمرز ایران تاخت وتاز آوردند (۱۱۳۵-۱۱۰۵)

افاغنه درآنوقت تابع ایران بودند شکست سپاهیان شاه سلطان حسین ازایشان (۱۱۳۵-۱۷۲۲) واستیلاء آنها براصفهان سقوط دولت صفویه و انقراض آنرا اعلام

نمود - اگرچه بعضی ازافراد این‌خانواده در مازندران وقزوین وغیرآن تا چند سال دیگرحکومت مینمودند معذلك دیگر دولت ایشان نضج و دوامی نیافته و مضمحل گردیدند .

نادرشاه

جنك افاغنه با ایران ومداخله آنان پیوسته ببروز وظهور یکنوع هرج و مرج وخودسری دراین‌کشورگردیده در اثر آن یگانه‌سردارتواناوقائد نیرومند افشارنادرقلی (نادرشاه) عزم خودرا برطرد و دفع افاغنه واخراج آنان واستقرار تخت وتاج صفویه آشکارساخته ولیکن طولی نکشید که او آخرین شاه صفوی را از سلطنت انداخته و تخت و تاج اورا بتصرف خود درآورد (۱۱۴۸-۱۷۳۶) سپس شخصاً در رأس سپاه خویش قرارگرفته افغانها را مطیع وفرمانبردار نمود پس از آن بهند لشکرکشیده تا دهلی رفت وبآنجا مسلط شد وجواهر بسیاری ازهند بعنوان‌غنیمت‌جنگی بایران آورد ولی حکومت اوچندان دوام نیاورده وخاتمه پیدا نمود واین‌کشور بعد ازقتل او در (۱۱۶۰-۱۷۴۷) دوباره دچارفتنه وآشوب وانقلاب و خودسری عجیب گردید .

زندیه

(۱۱۶۳-۱۲۰۹) (۱۷۵۰-۱۷۹۴)

ایران دردوره جانشینان نادرشاه بدولت های‌کوچك چندی قسمت شده ولی طولی نکشید که «کریمخان زند» سلطنت خود را بر تمام نواحی ایران جز ایالت خراسان بسط داد ودرآنجاآخرین جانشین نادرشاه (نادر میرزا) حکومت مینمود .

قاجاریه

(۱۱۹۳-۱۳۴۵)(۱۷۷۹-۱۹۲۶)

بعدازوفات‌کریمخان وکیل اختلاف زیادی ، بین‌جانشینان او وآقا محمد خان که از قبائل ترك قاجار بود روی نمود - آقا محمد خان توانست که سلسله جدیدی تشکیل داده و تهران را پایتخت خود قرار دهد .

در دوره سلطنت این خانواده روسها ایران را تهدید نموده وقسمتی از نواحی

دوردست وسرحدی آنرا بزور گرفتند وبعدها دول دیگر اروپائی درصدد بر آمدند که این کشوررا بمناطق نفوذ خود تقسیم کنند ولیکن دراین بین جنك بین المللی پیش آمد نمود ودرایران مانند دیگرجا این جنك عالمگیر مشکلاتی را بوجود آورد و نتیجه بحران منتهی بظهور قائدی توانا برای آرامش و توحید این کشور و جنبش جدید آن گردید.

اعلیحضرت رضا شاه پهلوی

۱۹۳۹-۱۳۴۵

شاهنشاه فقید ایران که اصلش ازخوانین مازندران است برای نجات این کشور قیام نموده ومجلس شورای ایران سلطنت او و خانواده‌اش را تصویب کرد در دوره سلطنت وزمامداری این شاهنشاه برای کشورایران نهضتی بزرك پیش آمد نمود و این کشوردا خل نظ مات سیاستی جدید گردیده و دانشجویانی زیاد باروپا فرستاد ایران درجامعه ملل داخل واین کشوردارای بسیاری ازمؤسسات وبنگاههای علمی وصنعتی وکارخانه‌های زیاد شده ولوازم بسیاری ازتمدن جدید درآن پدیدار گردید، بودجه درآمد وهزینه او باعلی مدارج کمال رسیده روابط خارجی وانتظامات و آرامش داخلی آن خاطرتمام جهانیان را بخویشتن متوجه گردانید.

فصل اول

پیدایش نقاشی ایرانی

برای نقوش وصور ایرانی نوعی زیبائی و فریبندگی است که بمحض دیدن در
ویدای دل جاگزیده وشخص را از آن شگفت وحیرتی زیاد فراهم میشود وهر گاه
ه گوشهٔ ازاین هنر را گرفته ونمونهٔ ازاین فن را با شاهکارهای فنی سرآمدان هنر غرب
آنان که بطریق ایشان رفته و بروش آنها کار نموده‌اند برابری دهند ونواقصی را که
مزایا دربردارد ملاحظه کنند ممکن است بآسانی ارزش وبهای صورتگری ونقاشی
رانی دربرابر هنروفن اروپائیان بواسطه آشکارشدن بعضی ازعیوب یا نقص قسمتی
مزایا وامتیاز ظاهر گردد ولیکن این مغالطه و اختلاط چندان مورد نظر نبوده و
اعی انتقاد نخواهد داشت .

هم دراین فن پارهٔ ازاوصاف است که نبایستی آنان را درنظر گرفت و درباره آن
قیق شد زیرا با لحاظ اوصاف مذکور ممکن است که چنین فنی راه فنا وزوال را پیموده
ازمیانه بدرود نماید ولی تنها چیزی که انکار آنرا نمیتوان نمود این است که چهره کشی
نقاشی ایرانی درمورد خود منفرد ویگانه بوده وبیننده را نوعی تأثرات روحی والهام
خوشی وشادمانی قلبی میبخشد که چنین وحی و تأثیر وجلب توجه برای غیر آن از
ون هنروران دیگر نیست .

تصاویر ایرانی نخستین بارخسته کننده بنظر آمده و دیده از دیدن رنگهای تند
زننده الوان وتابان ودرخشان آن زده وخسته خواهد شد و گاهی هم این صورونقوش
شابهت زیادی را بیکدیگر نشان داده یا مکررات است و این ترتیب نظر بتقلیدات
صبغه ایست که اهل فن وهنر در هردوره بآن احترام گذاشته و درپیروی وتعقیب آن
شتراك نموده‌اند ولی در حقیقت کمال هنر ایشان در بکاربردن این اوصاف است .

اوصاف ملحوظ ازقبیل نداشتن سایه وکشیدن چهره و سیمای اشخاص بوضع

واشکال بی‌تناسب است و گاهی این‌صور روح وحرکت ونکات ودقایق بیان وتعبیررا ناقص گذاشته ومطابقه‌نمودن آن‌باحقیقت وواقع دورازقاعده بوده ومشکل است واین اختلاف وعدم تناسب بواسطه‌اندك‌تفاوتی‌است که‌بین‌البسه‌وپوشش‌دوجنس‌حاصل‌میشود ولیکن‌اوصاف وخصایص مذکورازجمله خواص ومزایائی است که دردنیای هنروفنون خود را مستقل و اصلی خاص معرفی نموده و هیچ مدعی و منازعی را مجال نزاع و اختلاف در آن نخواهد بود .

دانش ومعلومات ما راجع بنقاشی و صورت‌کشی ایرانی پیش از اسلام همیشه مجهول بوده واگراخیراً هیئت‌آثاری : آلمانی- انگلیسی وفرانسوی درایران و آسیای مرکزی و افغانستان و شمال هندوستان هم بقسمتی ازاین فنون اطلاع یافته و تاحدی ازآن بهره و نتیجه گرفته اند باوجود این باز معلومات ما ناتمام و ناقص مانده است .

مانی نقاش

مدارك تاریخی و ادبی بما نشان میدهد مانی نقاش ایرانی‌که در حدود قرن سوم میلادی زندگانی مینموده ومؤسس مذهبی است‌که باو نسبت میدهند این مرد نقاشی زبردست وتوانا بوده ودستورات اواشاره بزینت وآرایش‌کتب مذهبی بصوری کوچك مینموده وآنانرا از بهترین وسائل جهت معجزه وامر پیغمبری و نشر دعوت خود میدانسته .

صدق وصحت این معلومات بواسطه اکتشاف دونفرآلمانی :

فون لوکوك (Von le Coq) وگرینویدل(Grünwedel)وصور نقاشی های ترفان (صحرای‌گبی از نواحی ترکستان چین) که مابین سنوات ۱۴۲ و ۲۲٦ هجری (۷٦۰ـ۸٤۰)کشیده شده ثابت‌خواهدشدکه آنجا مقرحکومت نژادترك مانوی‌مذهب ومرکزامپراطوری ایغور (Uigur) بوده (۱)

مهمترین چیزی‌که این دو استاد درموقع کاوش آنجا بدست‌آورده‌اند اکنون درموزه آثاربین‌المللی برلن موجود است واکتشافات ایشان شامل تصاویری‌است که

---

۱ — مراجعه شود به Arnold : Painting in Islam, ص ٦۱ — ٦۲ و Vonle Coq:Auf Hellas Spuren in Ostturkestan

بردیوارها بوده ونقوش وصورایرانی است که تردیدی درصحت آن نمیرود و دربعضی ازآنان نقشه ها و رسومی بشکل شاخه‌های درخت کشیده شده وآرایش و تزییناتی است که بدوره مغول ارتباط دارد .

و نیزدرآنجا صفحاتی دیده میشود که این دواستاد در قزیل (Qizil) نزدیکی کوتشا کشف نموده اند و برآنها صور اشخاصی ترسیم شده که از آنان ارتباطی تمام بین این صنعت و بین آنچه که درایران بعد ازاسلام بوجود آمده آشکار میشود(۱) ونیزدرموزه مذکورنتیجه اکتشافات هیئت آثاری افغانستان است که برمعلومات ما در اینباب‌میافزایدودرنقوشیکه برتخته‌سنگهای بامیان (Bamiyan)ترسیم شده‌وآثاری که **استاد گدار** (A. Godard)وخانم همسراو بدان آگاهی یافته ووارسی نموده‌اند عناصر هندی ویونانی قدیم دیده میشود ولیکن درآنها نیزآثار عناصر دوره ساسانی وصور بعضی ازسلاطین آشکاراونمودار است وما ازدیدن همه آنان معلوم میداریم که تمدن ایرانی نفوذ خودرا تا اواسط خاك آسیا برده و باآنحدود کشانیده بود و اثرآن در مرز وبوم مذکور تاچندین قرن بعدازانقراض ساسانیان هنوزهویدا وآشکار است .

اسلام

فتوحات مسلمین پی‌درپی‌دنباله یافته وایران نیز جزئی ازاجزاء دولت باعظمت امپراطوری‌اسلامی‌شدودین‌اسلام‌درآن‌انتشاورواج یافته، مسلمین زبان‌عربی رازبان علم‌وادب ولسان‌مذهبی ودیانتی‌این کشور نمودند ولی‌چیزی که بودایرانیان‌مانند ملل دیگری که مسلمین برآن‌غلبه یافته دروجود فاتحین‌خود تأثیرنمودند وآنهابزرگترین دستیاروکمك کارایشان درپیدایش‌هنروفنون اسلامی شدندکه اسلام آنرا دردین‌خود نقش زده و شخصیت آشکار و هویدای ایشان بدان جلوه و ظهور یافته و این فنون وهنربنام آنها تمام شد و درحقیقت اساس وپایه این‌تمدن بزرك همان مدنیت ایران و روم وکلده وآشور ومصر بوده .

این موضوع مسلم است که بیشتراعراب در دوره جاهلیت بیابان نشین بودند و

۱- مراجعه به Waldschmidt:Gandhara, kutscha, Turfan, Eine Einführnug in die frühmittelalterliche Kunst Zentralasients ص ۷۸ ومابعد آن

مابین ایشان تمدنی وجود نداشته و بدویت بالطبع دائره وسیع و نعمت و راحت زیادی را دارا نبوده تا در آن هنر و فنونی بروز و ظهور نماید. ولی با تمام این احوال نمیتوان انکار نمود که عربها در دوره جاهلیت صوری کشیده و مجسمه هائی ساخته و هیاکلی ازچوب میتراشیدند تا آنهارا خدایان خود قرار دهند پس از آنکه حضرت ختمی مرتبت (ص) درمیان ایشان به پیغمبری برانگیخته و مبعوث شد آن حضرت اعراب را از تراشیدن هیاکل و کشیدن تصاویر جلوگیری و نهی فرموده و میخواست بدین وسیله تمایل آنان را از اسباب و وسایلی که مردم را بجانب بت پرستی میکشانید انحراف دهد و ایشان را از هرچیز که بپرستش بتها نزدیك میکند دور نموده باشد (۱)

خاورشناسان (مستشرقین) مطالب زیادی درباره حرمت نقاشی و چهره کشی در اسلام نگاشته و بعضی از ایشان چنین اندیشیده اند که قرآن مجید کشیدن صور و ساختن مجسمه را حرام فرموده و این خیالی باطل است و اساسی نداردزیرا که تصریحی در قرآن براین موضوع نشده .

دیگران گویند که حدیث و خبر آنرا حرام نموده و این قولی درست و صحیح است و هم گویند که شیعه حدیث حرمت تصویر را تثبیت نمیکند و از اینرا جلوه و ظهور صنعت نقاشی را درایران دلیل آورده اند که دراین سرزمین مذهب تشیع رایج و شایع است (۲) درصورتیکه این موضوع دچار مغالطه و اشتباه شده : زیرا که مجسمه سازی و صورت کشی همانطور که نزد علمای اهل سنت مکروه است بدینگونه هم این عمل نزد علمای شیعه کراهت دارد اگرچه فرق شیعه بکتب خبری که نزد اهل سنت است اعتراف نمی نمایند زیرا که آنها خود دارای کتبی مخصوص اند که شامل اعتقاد و تصدیق شیعه بوده و از احادیث صحیحه نبوی علیه الصلواة والسلام میباشد و درکتب مزبوره حدیث و اخباری درباره نهی صورت کشی و نقاشی و بیم دادن صورتگران وجود دارد که بزودی در روز جزا و هنگام پاداش اعمال آنهارا وادار مینمایند که در صورتهای

---

۱ ــ مراجعه شود بکتاب الفن الاسلامی فی مصر دکتر زکی محمد حسن ج ۱ ص ۱۱ و ما بعد آن و کتاب الاسلام والحضارة العربیه استاد محمد کردعلی از ص ۱۰۵ تا ۱۱۰

۲ ــ مراجعه شود به E. Kühnel : Islamische Kleinkunst ص ٤

ساخته خود جان بدهند درصورتی که دمیدن جان ازعهده ایشان بر نیاید . (۱)

جای تردید نیست جدائی و اختلاف بین مسلمین در آنجاکه از مجسمه سازی و صورت کشی وجود دارد مربوط باین است که کشور ایران چنانچه دانسته شده بزرگترین محل وفراخترین میدان جهت فن تصویر اسلامی بوده ونیز چنین شناخته شده که دولت ایران دولتی شیعی مذهب است ولیکن خاورشناسانی که گمان نموده‌اند شیعه صورت کشی ونقاشی را منع نمیکند درعین حال این نکته را فراموش مینمایند که مذهب شیعه جز از اوایل قرن شانزدهم میلادی بعد مذهب رسمی ایران نبوده وآن وقتی است که سلسله صفویه صاحب تخت وتاج شدند و هم آنها فراموش میکنند صورت کشی راکه اسلام مکروه دانسته عربها در آن زحمت ومشقت زیادی نکشیده اند زیراکه آنها استاد این کار واهل این هنر نبودند بالعکس ایرانیان که میل وذوق این هنررا از نیاکان وگذشتگان خود بارث برده وقریحه استعداد این هنر بمانند دیگر نژادسامی جزءطبیعت وقریحه ذاتی ایرانیان بوده لذا صرف نظر از این کراهت ونهی بایستی که ایرانیان را درداشتن این هنر بدیگران سبقت داد معذالك صورت کشان ونقاشان درنزد علما و رجال مذهبی در ایران ناپسند آمده وعمل ایشان را جایز نمی‌شمارند .

علاوه براین درتاریخ هنروفنون اسلامی سلاطین وامرائی وجود داشته که از بزرگترین طرفداران ومروجین فن نقاشی وکمك کاران آن شمرده شده‌اند درصورتیکه ایشان پیرو مذهب شیعه نبوده وکاری باین مذهب نداشته‌اند .

خلیفه اموی که کاخ کوچك عمرارا در بیابان شام بنا نموده دیوار های کاخ را زینت کرده وسقف آنرا بانقوش وتصاویری زیباودلکش منقش (۲) ساخته وخلفای عباسی که کاخهای خودرادرسامرا (سرمن رای) بنقش ونگارهای رنگارنك آرایش نموده‌اند (۳) وشاهان ایران از خانواده امیر تیمورکورکان که فن نقاشی در دوره ایشان رونق و شکوهی تمام پیدا نموده و در تحت سرپرستی و رعایت ایشان « بهزاد » بزرگترین

۱ــ مراجعه شود به فصل اول Arnold: Painting in Islam که آن بهترین چیزی است که در این موضوع نوشته شده

۲ــ مراجعه شود بفصلی که استاد کریزول Creswell برای سخن رانی درباره این قصر در کتاب خودش Early Muslim Architecture ترتیب داده

۳ــ مراجعه شود به Herzfeld : Die Malereien von Samarra

نقاش ایران بوجود آمده و نیز سلاطین مغول درهندوستان و آل‌عثمان در ترکیه‌تمامی آنان پیرو مذهب تسنن بوده اند .

نهایت گفتار آنکه مسلمانان ازشیعه وسنی بر کراهت مجسمه سازی و کشیدن صور جان‌دار (ذی روح) اجماع و اتفاق دارند بواسطه آنکه در اینده تقلید ازکار خدای آفریدگار عزوجل میباشد وهم برای آنچه که از حدیث رسیده :

« ان الملائکة لایدخلون بیتاً فیه کلب ولاتصاویر » فرشته داخل‌خانه ایکه در آن سك وتصاویر است نمیشوند .

« ان اشدالناس عذاباً عندالله یوم القیمة المصورون » (بتحقیق کسانیکه عذاب ایشان ازهر کس نزد خدا در روز قیامت سخت‌تر است صورت کشان میباشند)

« ان الذین یصنعون هذه الصور یعذبون یوم‌القیمة و یقال لهم احیوا ما خلقتم » (بتحقیق کسانیکه این صورتها را میکشند در روزقیامت عذاب میشوند وبآنها گفته میشود زنده کنید آنچه راکه آفریده‌اید .)

بدینجهت مسلمانان درآغاز کار بایجاد و ابداع کشیدن رسمهای زیبا و دلربا میل نموده وازآن پیروی کردند وصورجان دار درآنها وجودنداشت وهم ازاشکال نباتی وهندسی که بعضی دردیگری مداخله مینمود درست کرده وفن آرایش وتزیین ازمشخصات ومزایای‌فنون اسلامی گردید وطولی نکشید که خط عربی برای مسلمین در مورد تحریر وآرایش‌کاری ونگارش بارسم بنای همسری ورقابت وزورآزمائی را گذاشت .

علی رغم‌همه اینها مسلمین بهنرصورت‌کشی ذی روح پی‌برده ودرآن رشته کار کردند تااینکه ادواری رسید که هنروفن تصویر درآنها جلوه وشکوه ورنك ورونق زیادیافته وپیشرفتی‌تمام نمود وبزرگترین اثری که‌اکنون بنظرمارسیده بقایای صوری است که درصدراسلام عمل آن انجام‌گرفته وکارآنزمان است .

اثر مذکور نقاشی کاخ کوچك عمرا است که موزیل (Musil) دانشمند

اطریشی درسال ۱۸۹۸ آنراکشف نموده و این آثار درطرف شمال شرقی بحرالمیت قرارگرفته و بیشتر اندیشه برآن میرودکه خلیفه اموی این‌مکان را در اوایل قرن هشتم میلادی برای آسایشگاه یا جهت محل سرگرمی و خوشی و عیش ونوش خود ساخته است .

بنای این کاخ ازحجرالجیر (سنگهای گچی) بالا رفته و شامل ایوانی درازو طولانی بوده‌که در آن چند تالار بر پا شده بود و برسقوف این ابنیه نقش و نگارها قرار داده و بین آنان یکی از شاهان ششگانه جهان را نشان میدادکه خلفای اموی آنهاراشکست داده بودند .

وهم درآنجا صوردیگری است‌که شامل سازنده ها و نوازندگان و اشخاصی برهنه وعریان بوده وجمعی دیگرکه‌پارهٔ ازکارهای بدنی و ورزش مبادرت نموده‌اند سپس مناظری ازشکارگاه حیوانات بیابانی را نشان میدهد و درتالارعالی آن صورت امیری است‌که شاید این‌کاخ ازبرای او بنا شده - علاوه براین فن‌کشیدن تمـام این تصاویر ونقوش ازجمله فنون وهنری است‌که تقریباً جزء فنون وهنر بیزانطی ورومی بوده و تا حدی بفن زمان ساسانیان تاثر یافته و رنك‌آن هنررا بخود گرفته .

برای ما نقوش و تصاویرکاخ کوچك عمرا تفاوت زیادی با مشاهدات و مناظر بعد ازآن نسبت بنقوش دیگر ادوار اسلامی دارد چنـانکه این تفاوت در آنچه‌که دواستادمعروف‌زاره(سار)و(هرتسفلد)درسامرا(سرمن‌رای)برآن آگاهی‌یافته‌اندبخوبی نمودار است و اثر مزبور در کاخی است‌که معتصم خلیفه عباسی در۸۳۸ میلادی در شمال عراق بنانموده و آنرا پایتخت و مرکز خلافت خود قرارداده و این محل را خلیفه برای فرارو گریز ازصدمه وتزاحم سپاهیان ترك خود اختیار نموده وبساکنین این مکان پناه آورده شهر جدید در دوره جانشینان معتصم وسعت و آبادی زیادی پیدا نموده تااینکه معتمد خلیفه در۲۷۰ ه(۸۸۳م) آنجارا واگذاشته ودوباره مرکز خلافت خود را ببغداد انتقال داد .

کاوش‌ها وحفاری آثار قدیمه و خرابه های سامرا باعث اکتشافات زیادی شده وهیئت آثاری آلمانی که در رأس ایشان دواستاد دانشمند نامبرده بودند باینکاراقدام نموده و مسجد جامع متوکل راکه پوشیده ومستور بوده بامناره آن که معروف بملویه ونمونه ای ازمناره مسجد طولون مصر میباشد معلوم داشته‌اند ونیز آثار خرابه های زیادی راکشف نموده‌اندکه بردیوارآنان نقش ونگارهای هندسی ونباتی است یا از اشکال کنده کاری است که در گچ بعمل آمده . (۱)

ولیکن چیزی که اکنون مارا بیشتر باندیشه زیاد وامیدواردوازجمله آثاری است که علمای حفاری بر آن علم واطلاع یافته‌اند آنها نقوش رنگینی است که ازحیث موضوع وطرح بنقش و نگار قصر کوچك عمرا شباهت دارد چنانکه در بعضی از آن بدنهای برهنه وبرخی زنهای رامشگروشکارگاه و صورحیوانانی دیده میشود وبا اینکه ما از مصادر ومنابع تاریخی وازامضاهائیکه بدست آمده میشناسیم که هنروران فنی مسیحی درکار این نقوش همدستی وشرکت نموده‌اند معذلك طرزکار ووضع صنعت آن جدا شده وپدیدآمده ازدوره ساسانی است حتی اینکه استاد هر تسفلد آنهارا آخرین مثال ونمونه نقاشی دراین فن میشمارد .

شاید نزدیکترین نقوش اسلامی بآثارنقش ونگارسامرا نقش وصوری باشدکه دارالاثار العربیه مصردرزمستان سال ۱۹۳۲ درجبهه ابی السعود درجنوب قاهره بدست آورده و بدان آگاهی یافته آثار مزبور مربوط بدوره و زمان دولت خلفای فاطمی میگردد و از صوری درست شده که بردیوارها بوده و در صنعت نقاشی آن تاثیر فن نقاشی ایرانی نمودار و آشکاراست وما دربرخی ازآن مناظری را می بینیم که یکرشته از دانهای سفید برزمینه سیاه قرارگرفته و دربعضی از آن صورت وچهره های کسانی دیده میشودکه یکی ازآنان جامی بدست راست خود دارد وطرزنقاشی آن همانطور

---

(۱) مراجعه شودبه Herzfeld:der Wendschmuck der Bauten von Samarra und selne Ornamentik و کتاب الفن الاسلامی فی مصر دکتر زکی محمد حسن ج ۱ ص ۲٤ و ما بعد آن

است که ما در بسیاری از نقش و نگار ظروف و اوانی سفالی دورهٔ ساسانی دیدیم و در دیگری رسم وصورت دو پرنده برابر یکدیگر است که روی دو شاخه گیاه سرخ رنگی نشسته‌اند ودراطراف آن رشته های سیاهی‌است که آنها را لکه های سفیدی‌فرا گرفته ودردومین نقش‌سرجوانی‌است که بطرف چپ نگاه میکند درشکل‌سوم صورت‌بانوئی است که‌ایچاك‌سر خودرا بطرف راست آویخته دارالاثارالعربیه مصراین اکتشاف خودرا برای نخستین بار در نمایشگاه صنایع ایرانی درسرای تجران پاشا دردوماه ژانویه و ‌فوریه ۱۹۳۵ نمایش داده . (۱)

اما دربارهٔ آرایش وتزیین کتابها بصور کوچك این‌تنها میدانی‌است که ایرانیان گوی سبقت را درآن ربوده اند ـ ما میدانیم که صنعت کاغذ سازی را مردم سمرقند رنیمه‌قرن‌دوم(۸میلادی) ازچینیها فراگرفته‌اند وبعداز آن طولی‌نکشید که‌این‌عمل‌از ردنیای اسلامی در اواخر قرن سیم هجری (۹ م) شیوع یافته و درتمام قلمرو کشور سلامی معمول گردید .

ایدقدیمی‌ترین صور کوچك یا نقاشی‌خرده‌کاری مینیاتورسازی‌استادان‌اسلامی که بما سیده آن باشدکه در (فیوم) و(اشمونین) بآن اطلاع یافته‌اند واکنون صور مزبور ـ وین پایتخت اطریش بایگانی شده و محفوظ است و جزء کلکسیون (مجموعه) ‌شیدوك رینرمیباشد ، تاریخ نسخه‌های خطی‌که دارای این‌تصاویراست‌مربوط بقرن ‌وم وچهارم هجری‌است ودرصنعت تصاویرمذکور تأثیرات رومی (بیزانطی) وقبطی حبشی و ساسانی مشاهده میشود . (۲)

ظن غالب این است که صنعت اینگونه نقاشی وساختن صورتهای‌کوچك جهت ‌ایش‌کتب ونامه های‌خطی درایران وعراق درقرن‌سوم بمعرض بروز وظهوررسیده ‌گمان‌ما براین‌است که مسلمانان برای‌انجام این‌صنعت درآغاز کاراستادان غیرمسلمان استخدام نموده باشند تا اینکه دوره این عمل بزمان تتبع واقتباس پیروی وتقلید ‌های گردیده .

۱ـ مراجعه شود به G. Wiet : Exposition d' Art Persan ص۷۵ و۷۶ وتابلوی شکل ۱ و۲ درآخراین کتاب

۲ـ مراجعه شود به: Arnold & Grohmann : The Islamic Book ص۲ و ابعد آن و Mohamed Hassan : Les Tulunides Zaky ص ۳۱۳ - ۳۱٤

تابلوی ۱

شکل اول تصویرۀ در دیوار حمام قاهره دارالاثار عربی

ضمیمہ تابلوی ۱
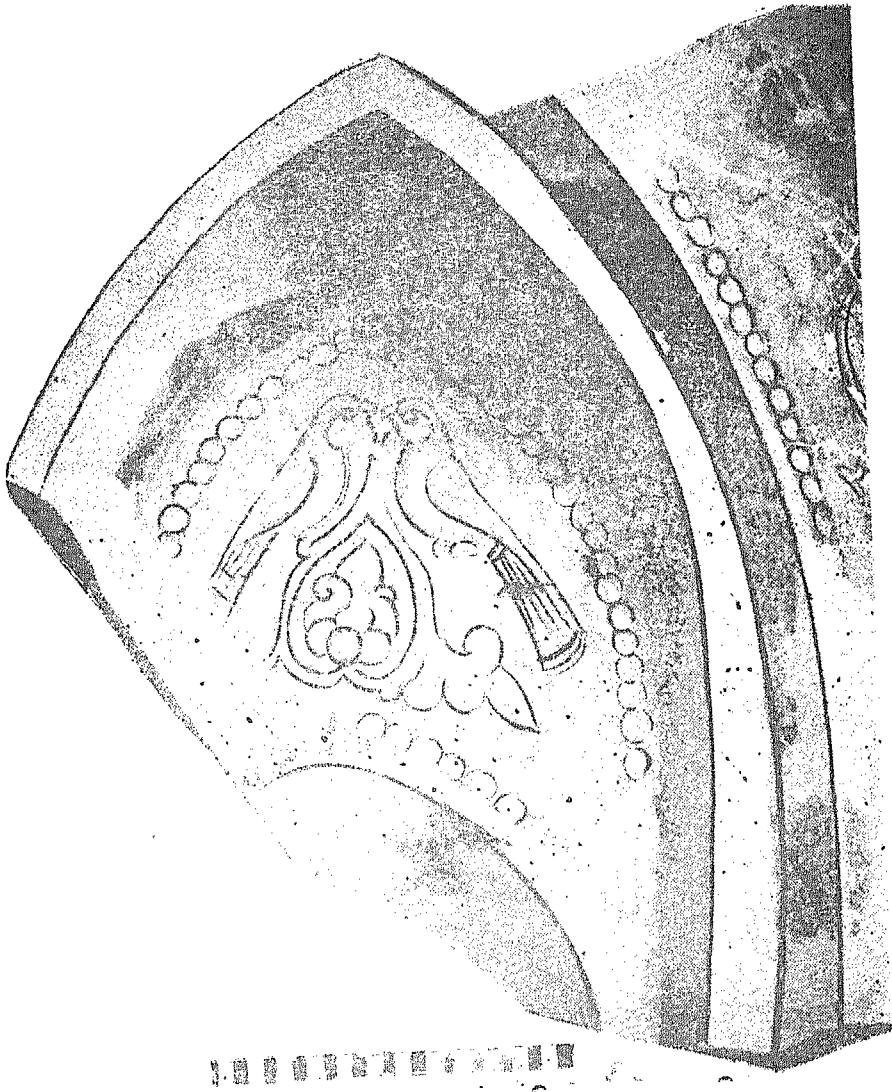
شکل ۲ تصویر در دیوار حمام فاطمی قاهرہ جبہہ ابی السعود قرن ٤ ، ٥ ہجری دار الآثار عربی

مسلمانان توانسته اندکه در عمل خود ممارست نمایند و صوری را که ایشان برای خود سرمشق ونمونه گرفته وازآن تقلید نموده‌اند. نقاشی‌های مانوی ومینیاتور های مسیحیان یعاقبه بوده و بسا هست که مسلمین از نقاشی نساطره (نسطوریها) نیز تقلید نموده و ازهنر ایشان اخذ و اقتباس کرده اند .(۱)

بااین وصف آنچه را که ما از مصادر تاریخی نسبت بوجود نسخه های خطی شناخته و بدان آگاهی یافته‌ایم فقط در میان آنان نقاشی های ریزه کاری و مینیاتور مربوط بدوقرن نه‌وده میلادی‌است و بعدازآن قدیمی‌ترین‌چیزی‌که ازایران وعربستان وشام بنظرما رسیده راجع بدوقرن‌دوازدهم وسیزدهم بوده ومجموعه ایست که‌مورخین فن اسلامی نام مدرسه عراق یاهنرستان بغداد را بآن داده اند .

---

۱ ــ مراجعه شود به Kühnel : Miniaturmalerei im islamischen Orient ص ۱٦ و ما بعد آن و Arnold : Painting in Islam ص۲۵ و ما بعد آن

فصل دوم

هنرستان بغداد یا مدرسه عراق

قرن هفتم هجری (۱۳ م)

مسلمانان ازایران وروم در زدن سکه ایکه برآن نقش وصور ترسیم شده بود تقلید نمودند چگونگی این موضوع درکتاب الخطط مقریزی در قسمت سکه ونقود اسلامی مفصلا مسطور است وهم درتعیین موضوع کتب ادبی وتاریخی وغیره از آنان پیروی کرده نقش‌ونگارپارچه‌ها ومنسوجات وآرایشگری وتزیین ظروف شیشه وغیره ازاثاثیه ولوازم خانه را هم بتقلید ایشان ترتیب میدادند - گرمابه ها وحمام مهمترین خانه و ابنیه بودکه مسلمانان در نقش ونگار دیوارهای آن توجهی زیاد مینمودند و طولی‌نکشیدکه فن نقاشی در اسلام ازتصاویر اسباب خانه ونقش‌ونگار ابنیه‌وعمارات بنامه ها و کتب منتقل گردیده وکتابهای خطی را بکشیدن چهره ها و صور آرایش دادند وبدین روش تنوع فنی‌وهنر گوناگون و آموزشگاه وهنرستانهاکه ما ضمن‌این فصل بزودی در باره آن سخن میگوئیم بوجود آمد .

در اینجا شایسته و سزاوار است پیش از همه یادآوری کنیم که در نقاشی و صورت‌کشی ایرانی موضوعاتی زیاد مکرر گردیده و اساتید هنر یك طرح را مکرر ریخته و یك صورت را چندین جاکشیده اند علتش آن است اساتید و صورتگران‌که جهت آرایش وزینت دواوین شعرا وکتب افسانه و حکایات وتصویر بعضی‌کتب ادبی و تاریخی‌کار مینمودند خلف هریك از آنان این موضوعات را بروش و اسلوب سلف درطرح ریزی ووضع نگارش تصویراختیار وتقلید نموده وبکار برده اند .

قدیمی ترین‌کتب خطی اسلامی‌که تصاویری زیاد را داراست‌کتابهائی است‌که رجمه شده و در طب و علوم وفنون میکانیکی تالیف‌گردیده و مشهورتر ازهمه‌آنها
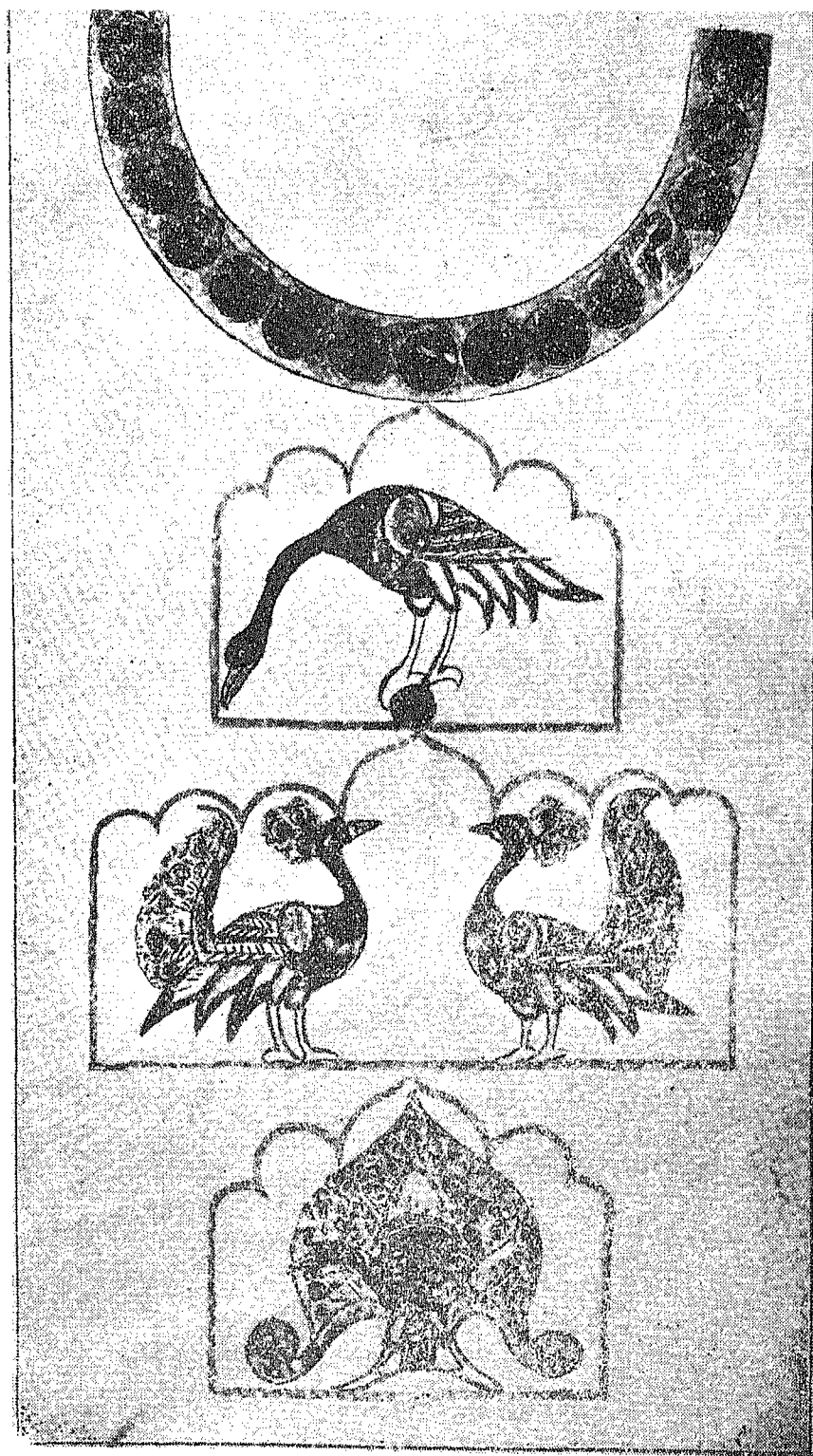
شکل ۳ــ ساعت طاوسی- هنرستان عراق قرن ۷ هجری از کتاب الحیل المیکانیکیه جزری

موزه لوور

کتاب «**الحیل الجامع بین العلم و العمل**» جزری ، پس از آن کتاب **عجایب المخلوقات** قزوینی است و بعضی از کتب ادبی دیده شده که در آنها رعایت بی اندازه و توجه زیادی در این خصوص بکار رفته مخصوصاً در هریك از دو کتاب «**کلیله و دمنه**» و «**مقامات حریری**» صورتهائی برای روشن شدن گزارش متن و شرح کشیده شده و نقاشی نموده‌اند . انجام این عمل بدست استادان مسیحی شرقی و مردان کلیسا یا بعضی از مسلمین بود که به اسلوب فنی ایشان زیاده متاثر بودند و این بعداز آن شد که مسلمین فنون و هنرخودرا ازملل و مردمی گرفتند که کشور آنها بدست ایشان فتح شده بود .

اما ایرانیان بیشتر توجه ایشان بتصویر کتب تاریخی و شرح حال یا تراجمی بوده که در آنها نام شاهان و تصاویر ایشان برای همیشگی و دوام بیادگار بماند پس از آن دواوین شعرا وحکایات ایشان است که بوستان سعدی و گلستان او مخصوصاً از آن جمله است ـ سپس دیوان حافظ و منظومات خمسهٔ نظامی خواهد بود لیکن کتاب شاهنامه فردوسی دراینجا دربالاترین پایه قرارگرفته و اول مقام را احراز نموده زیرا که آن کتب در هر دوره ازنقاشی و شاهکار اساتید ایرانی آرایش و زینت گردیده .

ما درآخرفصل پیش اشاره نمودیم که اول هنرستان نقاشی و صورت کشی در اسلام مدرسه بغداد یا هنرستان عراق بوده و اساتید فنی صورتهائی کوچك‌را درنسخه های خطی کتب اسلامی که دورهٔ آن پیوسته بروزگارخلافت خاندان بنی‌عباس است باین هنرستان نسبت میدهند .

هنرستان مزبورباوجود داشتن این نام هنرستان عربی‌خالص نبوده‌چنانکه‌ایرانی‌خالص بودن آن‌هم بعیدخواهدبود اگرچه کشورایران یگانه‌سرزمینی بود که‌این‌هنروفن‌درآن بروز وظهورنموده‌سپس پیشرفت‌وارتقا یافته وراه‌رابرای هنرستانهای‌دیگرباز کرده و نقاشی درآنجا باوج عظمت و کمال رسیده باوجود این نمیتوان آنرا ایرانی خالص شمرد . جای تردید نیست که بیشترکار کارکنان و هنرآموزان برای تاسیس بنیاد هنرستان بغداد از اهل معابد و پرستش گاههای شرقی از طوایف مختلفه بوده

این هنررا از آنها اخذ نموده اند چنانکه مابین ایشان هنروران و قهرمانان نهضت
لمی جهت نقل وترجمه کتب قدیمه بزبان عربی پیدا شده و نیز دربین آنان بهترین
نرپیشه‌گان درجه اول وجود داشته که هریك بعربها عمل معماری و هنرموزائیك و
ناتم‌کاری و کاشی‌سازی وغیره را یاد داده‌اند .

بااین ترتیب‌طولی نکشید که مسلمین ازاین پیشه‌وهنربه‌بهره ونصیبی که ذکر
ن بعد ازاین خواهد شد بهره‌ورگردیدند و اول کسی که این‌کار را نموده ایرانیان
ودند که بیشتراستادان هنردرمیان ایشان پیدا شده وهمین کشور ایران‌بود که بعداز
هاجم مغول توانست مواهب و عطایای خدادادی فرزندان خود را نشو و نما داده و
ن هنررا بحدکمال برساند ونیزازهنرمردم شرق اقصی وآسیای مرکزی متاثر شده
اینکه ازفنونی که ماآنرا نتیجه هنروری‌دوقرن نهم ودهم هجری (۱۵و۱٦میلادی)
یشناسیم بهره‌مندگردد .

چون موضوعات فنی و طرح نقاشی درهنرستان بغداد همواره بدون تغییراتی
ساسی تکرار میبافت لذا آنچه که بدست ما رسیده و از جمله نقاشی قرون اولیه
سلامی شمرده میشود باملاحظه قدمتی که درآن میرود وشامل نسخ خطی قدیمه
نواهد شد باوجود این‌مربوط بماقبل نیمه قرن ششم هجری نگردیده وراجع ببعداز
ن خواهد بود .

از جمله چیزی که رعایت آن لازم است این است که نقاشی های کتب خطی
نرستان بغداد همیشه جزئی از متن کتاب بوده و از این عمل شروع وبیان موضوع
تن کتاب‌را منظور مینمودند ازاینجهت میدان جلوه ونمایش این مواهب فنی دراین
نرستان عربی بزرگتر وپهناورتراز عرصه وفضای میدان فارسی آن است .

اشخاصی که در این تصاویر بچهره و سیمای نژاد سامی نشان داده میشوند
کشیده بینی بوده وصورت ایشان ازریشی سیاه پوشیده شده و درچهره ورخسارآنها
لامت وآثار نشاط و هوش ودقت تعبیر موجود بوده و در صورت مذکور ظرافت و
یبائی و نازك کاریهائیکه ما در هنر ایرانی میشناسیم مشاهده میشود .
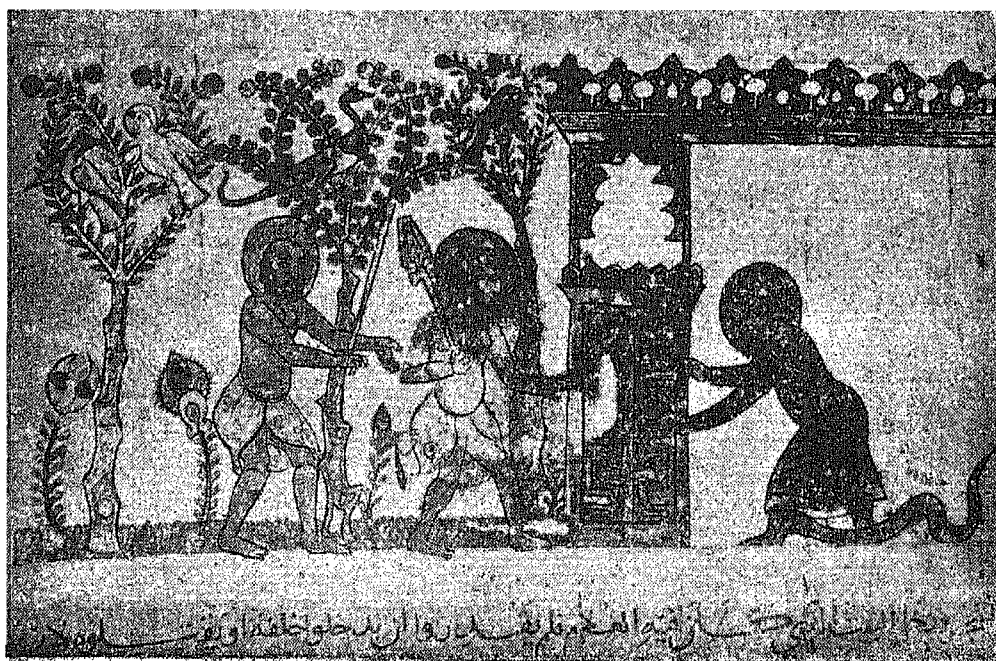
شکل ٥— از ترجمه کتاب جالینوس کتابخانهٔ ملی وین (قرن ۷ هجری) مرد مار گزیده که استغاثه میکند

تابلوی ۳

شکل ٤ جوانی که مار اورا گزیده و پزشک برای معالجه اومیآید
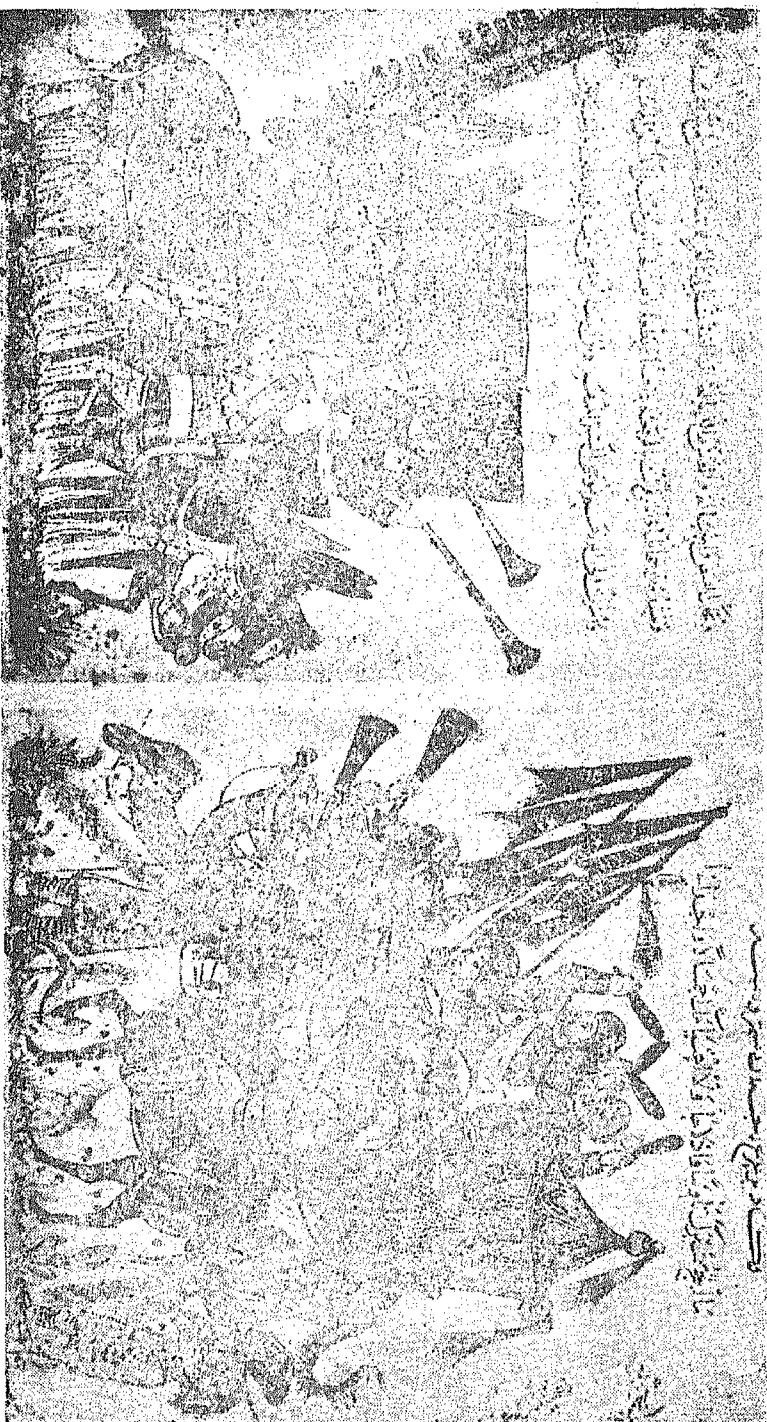
تابلوی ٤

شکل ٦ و ٧ــ میدان جنگ از مقامات حریری ــ هنر ستان عراق سال ٦٣٤ هجری نسخه خطی شیفر کتابخانه ملی پاریس ــ مارتن

شاید از زیباترین تصاویری که در هنرستان بغداد صورت گرفته و کشیده اند تصاویری باشد که ما آنانرا در نسخه مقامات حریری میبینیم و بیشتر این صور دلالت بر توانائی وقدرت اساتید آنها داشته ، مهارت و زبردستی ایشانرا درکشیدن تصاویر جمعی وحرکات مختلفه آنان بخوبی میرساند ومعلوم میدارد که آنهادقتی بی‌اندازه در کشیدن صورحیوانات وغیره داشته واوقاتی زیادبرای انجام آن مصروف نموده‌اند .(۱)

گذشته ازاین گاهی شباهت مابین بعضی ازتصاویراین هنرستان وبین صوریکه بدست مسیحیان کنیسه و پرستش گاههای شرقی کشیده شده بدرجهٔ میرسد که ما بعید نمیشماریم، این نقوش وصور اسلامی جزءکارخودمسیحیان باشد مخصوصاً نسبت بپنج قرن که از آغاز ظهور اسلام تا تاریخ پیدایش این هنرستانیکه ما درصدد وصف آنیم میگذردچنین شباهت پدیداراست چنانکه تاجهای نورودوائری که اطراف سراشخاص را احاطه نموده‌وازکشیدگی بینی بخطی واضح ازرنك وروش معمولی ساده که‌زینت اشجار وپوشش زربفت‌اشخاص وآرایش گلها وشکوفه درآن انجام‌گرفته وشاخه‌های درختان وملائکه و فرشتگانی که دارای بالهای‌گشوده میباشند ما تمام این دقایق و نکات راباوجهی مشترك بین‌تصاویرمسیحیان معابد شرقی وبین صوری مشاهده مینمائیم که هنرپیشه‌گان هنرستان‌بغداد آنها را طراحی‌نموده و کشیده اند(۲) وشاید که این شباهت وارتباط مربوط بتأثیر دوفن رومی واسلامی بفن دوره ساسانی شود چنانکه ظهورآن بخوبی درصنعت نسجی وپارچه بافی‌های آنزمان مشاهده میشود .

مشهورتر ازتمامی نقاشان وکارکنان این هنرستان «عبدالله بن فضل» بوده که در ۶۱۹ه(۱۲۲۲م)کتاب مینوشته وآنرانقاشی مینموده و نسخه خطی‌ازکتاب خواص عقاقیر(گیاهها) از اثر اوست که ازآن صوری چند در کلکسین (مجموعه) دکتر سار (Sarre) در برلن ودکتر مارتن (Martin) دراستوکهلم وجود دارد (۳)

تأثیرفن بیزنطی (رومی) در صور اشخاص این تصاویر بلباسهای گشاد وآرایش

---

۱ — مراجعه بتابلوی ٤ شکل ٦ و ٧

۲— مراجعه بدوتابلوی ۷و۸ از Arnold:Painting in Islam بین دوصفحه ٦٤ و ٦٥

۳ — مراجعه شود به Migean : Manuel d' Art Musulman ص ۱۲٦

گل و بوته نباتی آن پدیدار است که این صور بفروع نباتی و شاخه ها پوشیده شده و اوراق کهنه وغبار آلود این کتب خطی هم اکنون درموزه های دنیا و کلکسیونهای فنی اروپا وامریکا موجود است چنانکه از آنها یکی درموزه متروپولیتان نیویورك وجود دارد ودر آن صورت طبیبی راکشیده که دوا برای رفع سرفه بیماری تهیه نموده ودر تصاویر مزبور رنگهای ششگانه سبز-کبود - سرخ - زرد وغیره بکاررفته وتاولاوچین لباس در آن مرتب ودور ازطبیعت است بطوریکه این کیفیت درحدود خود نوعی از موضوع آرایش وزینت گردیده (۱) وازاین نسخه خطی صورت دیگری است که در موزه (لوور) موجود است و در آن نیز طبیبی را نشان میدهدکه تهیه دوا مینماید .

یحیی بن محمود بن یحیی بن حسن واسطی درسال۶۳۴هجری(۱۲۳۷م) نسخه‌ای از مقامات حریری را نگاشته که در آن زیاده ازصد تصویر کشیده شده (۲) و در آن نوادرابی‌زید سروجی وحیل بدیع اورا نشان داده ومثل میزند واین‌نسخه‌هم اکنون درکتابخانه ملی پاریس است که آنرا شیفر (Schefer) مستشرق بکتابخانه مزبور تقدیم و اهدا نموده وتمام این صوراسناد ومدارك قسمتی از زندگانی ونظام اجتماعی این دوره وعصر است (۳)

مابین آنان دوصورت کشیده شده که موکب عروس را درهودج ومحملی بشتر بسته وسوارها آنهارا مشایعت و پیروی مینمایند وآنان پرچم‌هائی بدست گرفته وطبل زده وآلات موسیقی وساز مینوازند(٤) ونیز مابین بسیاری از این صور وتصاویری که موزه ملی مصر درديوار یکی ازگرمابه های دوره خلفای فاطمی کشف نموده شباهت وقرابتی زیاد است و این شباهت و بهمنزدیکی آنان غرابتی نخواهد داشت زیراکه سقوط وانقراض سلطنت فاطمیین در٥٦٧ ه(۱۱۷۱م) اعلام انتقال بسیاری از اساتید هنر وفن مصررا ببلاد جزیره (عربستان) نموده وآن وقتی بود که بغداد مرکز بزرگی برای

۱—مراجعه شود به Dimond: A Hendbook of Mohamme dan Decorative Arts ص ۱۹

۲ — مراجعه شود به Stchoukine : Les Miniatures Persanes ص ۲۰

۳ مراجعه شود بتابلوهای ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ از Blnchet:Les enluminures des manuscrits

٤ — مراجعه شود بالواح شکل ٤و٦-۷
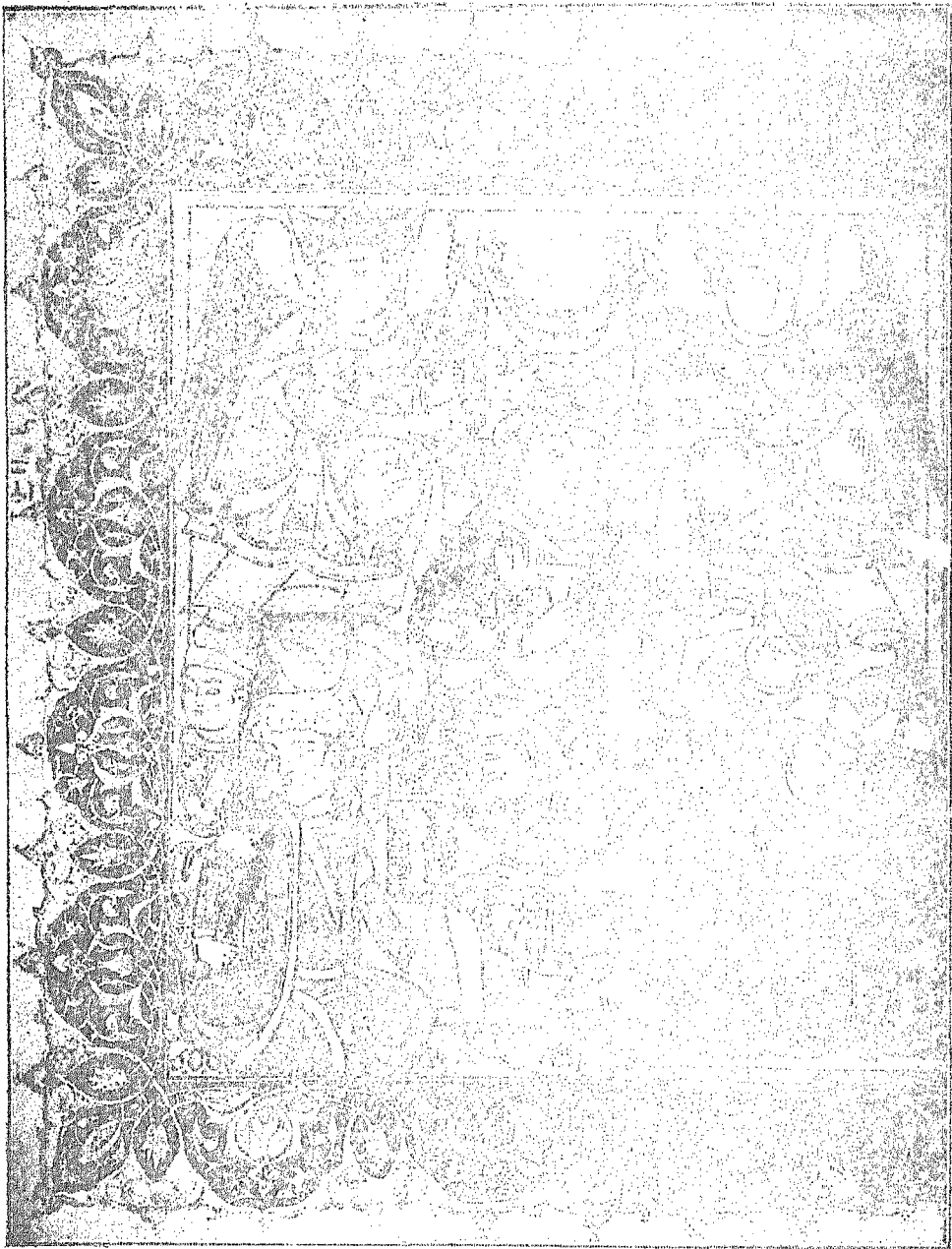
شکل ۸ — امیرعلی بر تخت با نوازندگان هنرستان عراق سال ۷۳۴ هجری از نسخهٔ خطی مقامات حریری کتابخانهٔ ملی وین

هنر و کتابت گردیده بود ودر آنجا نسخه‌های دیگری از مقامات حریری است که تاریخ آن ازسال۷۲۳هجری(۱۳۲۳م) است و آنرا برای عامل‌خراج دمشق نوشته‌اند و بعضی ازصور اشخاص دراین نسخه ناتمام و رنك آمیزی آنان هم بتمامی انجام نگرفته و از جمله تصاویری است که برای ماطریقه ایرا نشان میدهد که اساتید فنی درطرح ریزی وتحدید واندازه گیری صور آن قبل ازعمل رنك کاری پیروی مینمودند .

در کتابخانه وین نسخه خطی دیگری ازمقامات‌حریری وجود دارد که جدیدتر از نسخه قبلی است وبر آن امضای (ابوالفضل بن اسحق) دیده میشود تاریخ انجام نگارش آن سال۷۳۳ ه (۱۳٤٤ م) میباشد وصنعتی در آن شروع شده که سادگی اولیه را از آن برکنار نموده و آندو طریقه تعقید را سیر نموده و میپوید و از بدیعترین صوراین کتاب خطی دوصورت است : اول آن صورتی است که تصویر امیری‌را بروی تخت کشیده ودردست اوجامی برسم شاهان ساسانی دیده میشود ودراطراف اورجال حواشی واطرافیان گرد آمده ودوفرشته اورا با بالهای طلائی پاسبانی‌میکنند ودرجلو تخت امیر دستهٔ ازسازنده ها و پهلوانان اند که امیررا بشوق و طرب و نشاط و شعف میآورند ، صورت دوم شخصی را نشان میدهد که بدیدن دوست خود آمده و کسالت مزاج اورا ببستر انداخته ولباس وپوشش دیدارکنندگان و اهل خانه و تخت خواب مریض بفروع نباتی‌وشاخه‌ها و گل‌و بوته وخطوط هندسی آرایش(۱)یافته ودراین‌نسخه مخطوط نمونه‌ای ازهنروفنون نقاشی آسیای‌مرکزی تاثیر نموده دانشمندان هنرشناس چنین میاندیشند برخی‌ازاین‌تصاویر که‌نسبت آنرا بهنرستان‌بغدادمیدهند درافغانستان کشیده‌شده و درتحت توجه و عنایت دولت غزنوی بوده که فردوسی شاهنامه خودرا برای آندولت بنظم درآورده و این تصاویر درآنجا نقاشی شده و درغرفه‌ایکه صور ونقوش آنرا زینت مینمود بعمل آمده ولیکن حقیقت امر آنستکه دراین مورد دلیلی مثبت دیده نمیشود که آنزمان درافغانستان یابخارا یاخیوه وری صوریکه باطرزوروش فنی که بهنرستان بغداد نسبت‌میدهندساخته شده باشد زیراکه اثرفن‌ایرانی درآنموقع در قسمت شرقی دولت شاهنشاهی ایران رواج بوده وهم در وسط و مرکزاین‌کشور این‌فن را معمول میداشتند علاوه براین ظروف سفالی که بمدرسه ری نسبت میدهند

۱ ــ مراجعه بصورت ۱۸ از Kühnel : Miniatu–malerei

دارای نقوشی است که درطرز ساختمان ووضع رنك آمیزی شباهتی زیادرا دارا میباشد بطوریکه در این فصل بیان شد صوری درمجموعه (آلبوم) کتابخانه اسلامبول موجود است که آنرا استاد ساکسیان درکتاب خود ازنقاشی ایرانی نشرداده وتاریخ آنرا به نیمه دوم ازقرن ششم هجری (نصف ۲ ازقرن ۲م) مراجعه داده ومدعی است که نقاشی نامبرده از جمله صنایع فنی این هنرستان است که در مشرق ایران ظهور یافته (۱) ولیکن این ادعا باعقیده ورأی بسیاری ازمورخین فنی اسلامی مخالف است ودرحقیقت ممکن نیست که این تصاویررا بدوره قبل ازعصر مغول مراجعه داد(۲)

اثر فنی هنرستان بغداد در بقیه اجزاء کشور پهناور امپراطوری اسلامی مانند سوریه ومصرهم امتداد یافته ودرآنجا اوراقی ازنسخه کتاب **الحیل المیکانیکیه جزری** است که آنرا درسال ۷۵۵ه‍(۱۳۵٤م) **محمدبن محمد بن احمد بن ناصر الدین محمد** نوشته که در خدمت **ملك صالح صلاح الدین** ازممالیك ممتاز شایسته ومشهور مصر بوده وتمامی آن مابین موزه‌ها وکلکسیون آثاری اروپا وامریکا توزیع شده ودرموزه لوور پاریس هم یکی از آنان موجود است که ساعت آبی را نشان میدهد وصورت ساعت را بشکل نیم دایره کشیده و آنرا روی دستگاهی جا داده که در آن جامها و طاوس ها دیده میشود (۳)

خلاصه آنکه تمام مشخصات هنرستان بغداد درتصویر اشیاء روی اسلوبی قرار گرفته که ساده وبدون تحمیل یاتکلیف است وبیشتر چیزی که تاثیرفن مسیحی شرق را درصنعت وکارآنان نشان میدهد طریقه تصویر اشخاص است که آنرا درباره صورت کشی کشیشها و روحانیین وفلاسفه یونان استعمال مینمودند و هم درآنچه که راجع بتمثال اشخاص وچین وتای لباس ملی آنها است این اسلوب بکاررفته لیکن تاثیرایرانی درطرز آرایش آن آشکاربوده ودرمورد نسبت بین اجزاء مختلفه بدن درتصویراشخاص هم معلوم است .

---

۱ مراجعه شود به A. Sakisian : La Miniature Persane ص ٤ و ما بعد آن و تابلوی ۹ شکل ۱۳

۲ — مراجعه شود به B. Cray : Persian : Painting ص ۳٦

۳ — مراجعه به تابلوی ۲ وشکل ۳ ومطابق با Stchoukine:Les Miniatures Persanes ص ۳۰تا۳۲

فصل سوم

هنرستان ایرانی و تاتار (مغول)

در فصل گذشته ما از هنرستان بغداد سخن رانده و گفتیم که آن هنرستانی عربی وایرانی بوده که از نقاشی مسیحیان شرق وفن دوره ساسانی متاثر شده بود هم اکنون دراینجا ازهنرستان ایرانی وتاتار شرح میدهیم که هنرستان مزبور بهترین هنرستانهای سه گانه بوده واین سه دوره برجسته درتاریخ ایران ازقرن هفتم تا۱۲ه (۱۳ م-۱۸م) امتیاز یافته و آن دوره مغول وعصرتیمور وجانشینان او وزمان خاندان صفویه است .

ما میدانیم که دراوایل قرن ۱۳میلادی مغول بایران و بلاد جزیره تاخت وتاز آورده و جنگهای طولانی زیاد نموده وفتوحات دور و دراز وبسیار خودرا باستیلای بغداد منتهی گردانید ٦٥٦ هجری (۱۲۵۸م)

مغولها آسایشگاه خانواده خودرا زمستان در بغداد و تابستان در تبریز قرار داده و درعراق عجم شهری بنام « سلطانیه» درحدود آب پخش کن بین دوشهر زنجان وابهر بنانهادند و این سه شهرعمده مراکزفن وکانون هنرنقاشی دردوره مغول بوده .

ازمشخصات مهمه انواع فنون دراین زمان اثر واضحی ازتعلیمات خاور دور و تقلیداتی است که ازنوع کار وهنرمردم آنحدود شده واین نکته پوشیده نیست که از آغاز قرن اول هجری (۷میلادی) روابط تجارتی بین کشورپهناور چین وامپراطوری اسلامی وجود یافته و از فنون ظریفه و صنایع بدیعه چینی درکشور وسیع اسلامی پیروی و تقلید زیادی بعمل آمده بطوریکه آنها بمهارت چینی‌ها و برتری ایشان درپیشه وهنر مثلها میزدند .

دراینجا تعجبی نیست که بگوئیم جنك مغولها برای تشکیل حکومت امپراطوری باعث ازدیاد عناصر واجزاء هنرچینی درنقاشی فارسی وایرانی شده و روابط محکمی

هم از قدیمترین اوقات بین کشور پهناور پسر آسمان (چین) و مابین میهن مغول در ترکستان وجود داشته و موقعیکه این مردم کشور ایران را در قرن هفتم هجری (۱۳ میلادی) گرفتند هموطنان ایشانهم زمام امور و مقالید حکومت چین را بدست آورده ایران هم جزئی از دولت با عظمت امپراطوری مغول گردید و قلمرو دولت مغولها تا آخرین نقطه آسیا امتداد یافت .

باوجود این عوامل روابط سیاسی مغول چندان قوی نبوده و طولی نکشید که دولت ایشان رو بزوال نهاد و موجبات انقراض آن فراهم گردید ولی اثر تجارت و دادوستد و روابط ادبی ایشان بیشتر دوام یافته مغولها در کشور جدید خود مترجمین و کارگران و اهل هنر وصنعت واساتید فنی وحرفت ازمردم چین آورده واثر هنر و پیشه خاوردور در این کشور مباشرت یافته ورواج پیدا نمود .

اثر فنی چین درباره نقاشی وصورتگری ایرانی نه تنها منحصر بچیزهائی است که ایرانیان ازصنایع وفنون چینی بقرض وعاریت گرفته اند بلکه علاوه براین باعث شناسائی آنها بچیزهائی شده که بعدها بواسطه آن توانستند دراین هنر ترقی وپیشرفت نمایند در واقع مینیاتورهای ایرانی (صورتکشی های ریز و کوچك یاظریف کاری) بعد ازسقوط بغداد ٦٥٦ هجری (١٢٥٨ م) مابین ایرانیان ریشه دوانیده چنانکه پیش ازاین تاریخ هم این عمل بین آنها وجود داشته علاوه براین صوریکه بهنرستان ایرانی و تاتار نسبت داده شده چندان زیاد نیست زیرا که زمان مغول (٦٥٦ـ٧٣٥) (١٢٥٨ـ١٣٣٥) تمامی آن ازیك سلسله حوادث جنك و جهانگیری بوده ، نهایت آنکه در اوایل قرن هشتم هجری (١٤ م) کتب خطی تاریخی را با تصاویر و نقشه میدان جنك و مجالس بزم و شراب ومناظر صید وشکار آرایش مینمودند .

از جمله چیز هائی که نباید فراموش نمود آنست که فتوحات مغول بهنرستان ایران خاتمه نداده واین هنرستان بعداز آنهم باقی بود باین دلیل که ما ازصنایع فنی این هنرستان که آمیخته وممزوج با بعضی ازتقلید های چینی ونقاشی ایرانی است در آن زمان ازآنها کسب وتقلید نموده واین دوصنعت پهلو بپهلوی یکدیگر ظاهر و آشکار

میشود ، گاهی تنها دریك نسخه خطی تصاویری وجوددارد که طرز صنعت آن قسمتی بغدادی وقسمتی دیگرایرانی تاتاری است .

درکتابخانه (مرگان) نیویورك نسخه خطی ازکتاب (منافع الحیوان) ابن بختیشوع وجود دارد که بفارسی ترجمه شده و دارای ۹٤ صورت است و این نسخه بامر و دستور امیرمغول (غازان خان) (٦٩٥ـ٧٠٤ـ١٢٩٥ـ١٣٠٤) صورت عمل بخودگرفته و بین سالهای (٦٩٥ ـ ٧٠٠هـ - ١٢٩٥ـ١٣٠٠م) انجام یافته بعضی از تصاویر آن با نمونه های چینی نقل شده و یا برقم هنروران و اساتید چینی است و بیشتر چیزی که این صنعت را نشان داده وآشکار میکند تصویرحیوانات وشکوفه ها و نباتات آن است . (۱)

مسلمانان ازخاور دور تقلید طبیعت وطرز دقت را فراگرفته و در ترسیم اشیاء بطوری که بااصل طبیعت موافقت داشته عمل میکردند وصورنباتاتی راکه آنها ترسیم مینمودند و بفن چینی تاثر یافته یکنوع تقلیدی شده که تمیز و تشخیص آن خیلی مشکل است بلکه مابین این صور و بین طبیعت نزدیکی زیادی بوجود آمده و درختان را بطوری جلوه داده اند که گویا با یاد مداعبه وشوخی مینمایند (۲) .

علاوه براین صنعت نقاشی در دوره مغول بطورکلی بهمان عنایت و توجهی که در دربار خلفای بنی عباس پیدا نموده بود برخورد کرده و با آنچه که بعدها هم در دوره تیموریان و دربار صفویه بآن تلاقی یافته در این عصر نیز بآنها برخورد نمود و مقصود ما در اینجا روگردانیدن از این صنعت یا مهمل گذاردن آن نیست بلکه در صنعت مذکور آثار عجله و شتابزدگی یا سرهم بندی را می بینیم که این صنعت در بیشتر ازتصاویر ایرانی تاتاری وجود دارد و علتش این بوده جنگهای زیادی که این دوره بآنها امتیاز پیدا نموده برای امراوبزرگان وقت ورجال دولت مجال نمیگذاشت

---

۱ ــ مراجعه شود به Dimand : A Hand Book ص ۲۰ و ۲۱

۲ ــ مراجعه بمراجع عدیده که در آنها اشاره های زیادی بتاثیر خاور دور در فنون اسلامی شده و استاد گاستون ویت G . wiet در ترجمه آنکه از کتاب البلدان یعقوبی نموده اشاره بتصریحی کرده که استاد پلیو P.Pelliot نشر داده و نیز چیزی راکه دلالت دارد براینکه مولفی چینی که پیش ازسال ۷٦۲ میلادی زندگانی مینموده گوید که صنعت های نساجی ونقاشی و صورت کشی واشیاء طلا ونقره کاری را صنعت گران چینی بمسلمانان درشهر کوفه یاددادهاند. ومطابق با P. Pelliot:Artisans chinois, Toung Pao, XXVI, p. 110-111.

که اندیشه خود را مصروف کار های دقیق و ریزه کاریها بنمایند و یا خیال خود را بجزئیات هر کاری متوجه کنند که وقت زیادی بگیرد و کاری بدقت انجام پذیرد.

بنا براین از تصاویر هنرستان ایرانی تاتار چیزی که مورخین فنی اسلامی را بیشتر متوجه نموده و بشگفت میآورد همان طرزاسلوب وروش واستحکام قلم وغرابت اشکال آن است و اعجاب اینها بیشتردر دقت صناعت یا توجهی است که درباره کشیدن تصاویر بکار رفته.

وزیر کبیر ومورخ مشهور «رشیدالدین» (٦٤٥_٧١٨_١٢٤٧_١٣١٨) درتبریز بنگاه دانشی وهنری ساخته و ترتیب داد که آنرا بنام خود نامیده ودر آنجا بسیاری ازخوشنویسها و نقاشان و اساتید پیشه وهنر را برای تدوین مؤلفات تاریخی وطبیعی خود ونقاشی تصویرآنمؤلفات استخدام نمود.

مهمترین چیزی که ازتصاویر بما رسیده وجزع نقاشی منسوب بهنرستان ایرانی وتاتارا ست. صورتهای نسخه خطی کتاب «جامع التواریخ» وزیررشیدالدین است(١) که تاریخ آن مربوط بسال٧١٤هجری (١٣١٤) میشود وجزئی از آن اکنون درکتابخانه انجمن آسیائی دولتی لندن بایگانی شده وجزء دیگرش درکتابخانه دانشگاه «ادنبرا» میباشد و تصاویر این نسخه مانند صوری است که ما در سایر نسخه های خطی جامع التواریخ رشید الدین می بینیم که تمثالها و صور حوادث و اتفاقات انجیل و زندگانی بودا و سیرت نبوی(ص) وتاریخ چین وامپراطوری اسلامی را نشان میدهد وظاهراً چیزی که اسباب تمیز وتشخیص این صور است اثر روشن چینی آن است که در ترسیم مناظر طبیعی دیده میشود و شکل و قیافه مغولی است که در رسم بیشتر اشخاص نمودار است و این نسخه اهمیتی زیاد دارد زیراکه ما در بسیاری ازتصاویر آن عوامل اجنبی و نمونه های صنعتی بیگانگان را مشاهده میکنیم که فن ایرانی آنرا ازخاوردور گرفته و ازآنهائی است که بعدها هم آنرا هضم ننموده(٢) و اثر آن

١- مراجعه شود به Introduction à l'Histoite des Mongols des Fadl Allah Rashid Ed-Din par E. Blochet و T. Arnold : Painting in Islam ص ٦٤-٧٥

٢- مراجعه شود به Binyon, Wilkinson & Gray : Parsian Miniature Painting ص ٣٤ و ٤٤ و ٤٦ و تابلو های از ١٨ تا ٢٣

مابین آثار فنی وهنر ایرانی نمودار است(۱)

یکی از صور این نسخه خطی تصویر مبارك حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام و صورت حضرت حمزه عموی پیغمبرص است که سواره برای جهاد بامشرکین و کفار میروند وبیشتر پیشروی وتقلید از فن هنرستان بغداد در این صور غلبه یافته چنانکه قیافه و سیمای اشخاص آن عربی واسبهای ایشان لاغرکشیده شده و با اسبهای مغول وسواران آن تفاوتی زیاد دارد .(۱)

در واقع صفحات صور مزبوره بمنزله میدانی است که در آن تقلید خاور دور وهنرستان بغداد وفنون و هنر دیگری که در آنها مؤثر گردیده جمع آوری شده .

در کتابخانه ملی پاریس نسخه خطی دیگری از جامع التواریخ رشیدی موجود است که بیشتر گمان میرود کتاب مزبور را در تبریز بین سالیان (۷۱۰ـ۷۱۵) (۱۳۱۰-۱۳۱۵) نوشته و نقاشی نموده‌اند ومابین تصاویر آن صورتی است که تصویر جمعی مغولها را در آن کشیده و در رأس ایشان هلاکو قرار گـرفته که بغداد را محاصره میکند و در دیگری صورت مستعصم آخرین خلفای عباسی کشیده شده است که از شط دجله عبور مینماید تا اینکه هلاکو را بعد از سقوط بغداد ملاقات نماید (٦٥٦) سومین صورت چنگیزخان است که بین زنان خود و رجال درباری قرار گرفته وجلو او دو پسرش هستند که خم شده ومراسم تعظیم واحترامات لازمه رابجا میآورند .

درتمامی تصویر این کتاب خطی اثر نقاشی چینی که حاکی از آثار طبیعت است آشکارا ونمودار است و دررسم حیوانات موهوم و خیالی وافسانه های چینی و چهره وقیافه که ایرانیان ازچین بشکل تقلیدی وصنعتی آن نقل نموده‌اند بدون اینکه خودرا در مشاهده قیافه و هیئت و طرز کشیدن صورت و رسم منظره حقیقی آن بزحمت و مشقت انداخته باشند.(۲)

ازجمله چیزی که درصنایع کتب خطی بکتاب جامع التواریخ رشیدالدین شبیه است نسخه شاهنامه ایست که زمان آن راجع به نیمه اول قرن هفتم هجری (۱٤ م)

---

۱ - مراجعه به Künhel MiniaturMalerëi تابلوی ۲٤ از

۲- مراجعه به Migeon : Manuel ج۱ص ۱۳۲ وملاحظه تابلوی ۸ دو شکل ۱۱و۱۲

میشود پیش از این نسخه نامبرده را مسیو دیموت (Mr. Demotte) مالك بوده و پس از آن برگهای این کتاب ازهم پاشیده و پراکنده شده و از آن اوراق هم اکنون درموزه لوور وکلکسیون های آثاری اروپا وامریکا موجود است تصاویر این شاهنامه بحجمی بزرك در صفحاتی بلند کشیده شده و شاید قدیمی ترین اثری باشد که از تصویرکشی و نقاشی این کتاب شناخته میشود و ازجمله مشخصات آن وجود عوامل فارسی وچینی ومغولی است که درکتاب مذکور هرکدام پهلو بپهلوی یکدیگر قرارگرفته .

در موزه لوور پاریس سه قطعه از این صورتها است که اولی تصویر سپاه و نیروی ایرانیان را نشان میدهد که شاه کابل را رانده و شکست داده اند و شاه در رأس قشون شکست خورده خود قرارگرفته و سردار سپاه ایران فرامرز پسر رستم است که خودی ازطلا بسر نهاده ودردستاو حربه ایست که آنرا ببالا برده ومیخواهد بسر شاه کابل بزندکه در جلو بحالت فرار است(۱). در تصویردوم صورت اسکندر کشیده شده که روی تخت نشسته ورجال درباری اطراف اوراگرفته وبدوره سروی دائرهٔ از نور یا هاله احاطه نموده واین طرز تصویر به پاکدامنی و جلالت و تقدیس مقام و مرتبت او دلالت دارد چنانکه تاجهای نور در اطراف سرکشیشها و قدیسین وپیشوایان مذهبی دراعورصورتکشی ونقاشی مسیحی(۲) هم دلیل این نکته است و اینگونه تاجها درفن نقاشی اسلامی برای ابراز اهمیت اشخاص و عظمت مقام ایشان بوده و فقط برای اظهار این مقصود بکار میرود .(۳)

تصویر سوم نمایندهٔ صورت اسکندر است که در جلو درختی ایستاده و با پرندگان حرف میزند و در پشت سر وی جلودار اوست که لگام اسب و استر را بدست گرفته(٤)

ما دراین تصاویر نمونههائی را هیبینیم که ایرانیان ازچین در هرصورتکشی و نقاشی اخذ و اقتباس نموده اند و طرز لباس اشخاص خود های مغولی که در سر دارند بخوبی درآنها مشاهده میشود .

---

۱ — تابلوی ۷ شکل ۱۰

۲ — تابلوی ٦ شکل ۹

۳ — مراجعه شود به: Kühnel : Islamische Kleinkuns ص ٤

٤ — مراجعه شود به Stchoukine : Les Miniatures Persanes

شکل ۹ــ اسکندر برتخت ، هنرستان ایرانی وتاتار، اوایل قرن هشتم هجری نسخه ازشاهنامه اورور

تابلوی ۷

شکل ۱۰ جنگ فرامرز باشاه کابل ـ هنرستان ایران و تاتار اوایل قرن۸ هجری شاهنامه لوور

شکل ۱۱ غازان‌خان بابانوان اوائل قرن ۸ هجری

شکل ۱۲ او کتاقآن با فرزندان خود اوایل قرن ۸ هجری نسخه خطی تاریخ رشیدالدین — کتابخانه ملی پاریس — ساکسیان
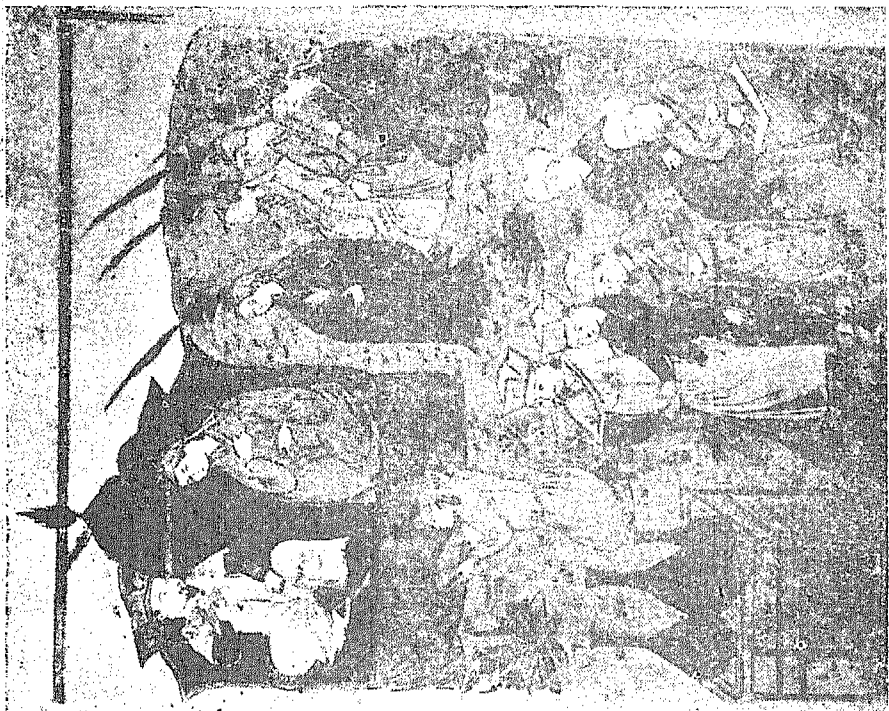
شکل ۱۳ — از کلیله ودمنه . در بالا سگی است که طعمه خود را ازدست داده تاآنرا
از صورت خود که درآب است بگیرد — در زیر شیری است که گاورا میدراند
در کتابخانه «یلدوز» استانبول قرن هشتم هجری ـ ازصا کسیان

در کتابخانه ملی پاریس نسخه خطی ازتاریخ مغول علاء الدین جوینی موجود است که در سال ۶۸۹ (۱۲۹۰) نوشته شده و بر آن فقط یك صفحه تصویر کشیده که مولف نسخه از کتاب خودرا به «ارغون خان مغول» تقدیم مینماید (۱)

و نیز در آن کتابخانه نسخه های خطی چندی از تاریخ طبری و نسخه از کتاب شاهنامه است که استاد شولتز(Schultz) دارای آن بوده و در تمامی صوری است که صنعت آنان بابسیاری از آنچه که ما دراین فصل از آن سخن‌میرانیم تفاوتی ندارد

خلاصه کلام آنکه مغول علی رغم چیز های که از خرابی و تدمیر و عادت و کشتار و ویرانی و ادبار داشته و رهین آن شده و بآن اوصاف معروف گردیده اند بدین وصف نیز آنها خود را معرفی نموده اند که چگونه از ارباب هنر و صنعتگران قدردانی کرده و به پیشه و هنر ایشان اهمیت میدادند و غرابتی ندارد که ما در مصادر تاریخی میخوانیم چگونه آنها شهرها را خراب نموده واز میان‌مردم آن جز اساتید فنی و ارباب پیشه وهنر کسی‌را باقی نمیگذاشتند هنرپیشه گانی که فنون اسلامی بوجود ایشان مفتخر شده وتاثیری عجیب پیدا نموده مخصوصاً نمونه کارهای ایشان‌ازنقاشی‌و پیشه ظروف سفالی و کاشی کاری است که‌هنوز درسلطان‌آباد (سلطانیه) موجود است جزو مفاخر آن عصرمیباشد .

علاوه براین مصادر و مراجعات تاریخی بما خبر میدهد اول‌چیزی که ایرانیان از کار هنرپیشه گان کشور چین شناخته و بدان پی برده اند در دوره سامانیان بوده و آن موقعی است که « امیرنصر بن احمد » رودکی شاعر مشهور ایرانی را امرفرمود که کتاب کلیله ودمنه باترجمه فارسی بنظم درآورد سپس نقاشانی‌را ازچین خواست تاکتاب نامبرده را برسوم ونقش ونگارهای توضیحی برای آشکارنمودن مطالب متن کتاب آرایش دهند ولی این یك عملی منحصر بفرد بوده وتاثیرفنون نقاشی وآرایش گری خاور دور بطور واضح و آشکار درفنون ایرانی و صورتکشی آن جز دردوره سلطنت مغول جلوه وظهور ننموده (۲)

---

۱ — مراجعه شود به Blochet : Les écoles de peinture en Perse در شماره ژوئیه واوت۱۹۰۵ Revue archéologiqoe ص۱۲۵و۰۰ · Migeon:Manuel ج۱ص۱۳۹

۱ — مراجعه شود به Arnold : Painting in Islam ص ۶۵ — ۶۶

فصل چهارم

عصر تیمور و جانشینان او

دوره تیمور و جانشینانش از برجسته ترین ادوار عصر نقاشی ایران است و آمدن این فاتح ترکستانی و گرفتن او سمرقند را جهت پایتخت خود ازسال (۷۷۲ـ ۱۳۷۰ م) آغاز آرامش نسبی ایران است که بعد ها این امر باعث پیشرفت و ترقی کشور شده و دوره پسر وجانشین او « شاهرخ » بآن شناخته میشود و این آرامش وسکون را مدت زمانی بودکه‌کشور ایران بخود ندیده بود .

تیمور باوجود بیرحمی وسنگدلی‌که داشت معذلك دوستدارهنر و ادب بوده و عشق زیادی بخواندن اشعار حافظ و نظامی داشت ، او باجانشینانش از بزرگترین مشوق اساتید فنی و هنرپیشه‌گان و حکما وادبا بشمار رفته‌اند .

دوره های‌گذشته نیز برای این‌زمان زمینه را حاضرومهیا نموده بود درحقیقت آنها یکنوع مقدمه‌ای بوده‌که درآن مراحل اقتباس وانتخاب و تاثیر زیادی در هنر وفنون بعمل‌آمده وبرای‌دوره تیمور وجانشینان او مقدور شدکه تا پایه وحدی اعلی طراز و روش ایرانی با دوام و استواری را بوجودآورند وآنچه راکه ایران از هنر و صنعت خاور دورکسب نموده بوده بی نیاز شده و اندوخته های پیشین جزء اصلی و اساسی این فن قرارگیرد .

در مصادر تاریخی نگاشته شـده کـه تیمور لنك خواست در سمرقند پایتخت کشور پهناور خود بقدر امکان از اساتید و صنعتگران زبردست و توانا جمع آوری نموده و از وجودآنها استفاده نماید لذا درآنجا صدها نقاش و صورتگر وهنرپیشه‌ها از بغداد وتبریز ودیگرجاها ازشهرستانهای متصرفی خودگردآورده و با این وصف بغداد و تبریزکانون هنر و فنون و مرکز اجتمـاع اساتید فنی و اهل هنر گردید و

صنعت نقاشی و صورت کشی و فنون مربوطه بآن در ایندو جا رواجی تمام گرفته و پیشرفت زیاد نمود .

اگرچه تاریخ برای ما نام نقاش معروف و شهیر بغدادی « عبدالعلی » را ضبط نموده که دردربار سمرقند بوده ولی ظن غالب بر آن است که سمرقند در دوره تیمور بموقعیت ومقام بزرگی که هرات دراوایل قرن ۱۵۰۰ میلادی دردوره شاهرخ وجانشینان او رسید این شهر بآن مرتبه ومقام نرسیده بود .

ممکن است که اکنون نزد ما کتابهای خطی مصور سمرقند مربوط به دوره تیمورلنك وجودنداشته باشد ولیکن درکتابخانه ملی پاریس رساله‌ای خطی وجوددارد که آن را بمدرسه تیمور نسبت میدهند و آن رساله ایست در علم نجوم که در سمرقند نیمه اول قرن ۱۵ برای کتابخانه « اولغ بیك » پسر شاهرخ و حاکم قسمت ماوراء النهر ازسال ۸۱۲-۱٤۰۹ تا۸٤۹-۱٤۸٦ نوشته شده ، این امیرزاده درسمرقند رصدخانه مشهوری ساخته که درآنجا عده‌ای از بزرگان که درعلم نجوم‌مشغول بودند جمع آوری نموده وتمرکز داده بود (۱)

درموزه متروپولیتان نیویورك نسخه خطی نجومی دیگری وجود دارد که به پنجاه صورت از تصاویر بروج و ستارگان مزین شده ومرجحاتی که در پوشش لباس اشخاص و تفاصیل صنعتی دارد آن است که این پنج نسخه نیز در سمرقند زمان الغ بیك نوشته شده (۲)

علاوه براین‌دو نسخه خطی درموزه بریطانیا وجود دارد که زمان آندوراجع بعصرخود تیمور بوده ورشته‌ارتباط بین مدرسه ایرانی وتاتار وبین هنرستان‌تیموریان را بخوبی نشان میدهند : اول این نسخه - دیوان قصائد و اشعار خواجوی کرمانی است که درآن علاقه وعشق ورزی ایرانی را بهمایون دختر امپراطور چین‌شرح داده وصورت آن را کشیده (۳)

---

۱ - مراجعه شود به Blochet : Musulman Painting ج ۱ ص ١٥٦ و از تابلوی ۸۸ تا ۹۳ Migeon Manuel

۲ - مراجعه به Dimand : A HandBook ص ۲۷

مربوط به Sakisian ; Le Miniature Persan ص ۳۲ Migeon : Manuel ص ۱۵۲ ج ۱

این نسخه را استادخوشنویس مشهور ایرانی «میرعلی تبریزی» در بغداد سال ۷۹۹ه (۱۳۹۶ م) نوشته و بریکی از صورتها امضای استاد ایرانی «جنید سلطانی» است که درخدمت « سلطان احمد » ازامرای خانواده جلایر دربغداد بوده (۱)

نسخه دوم ـ راجع بهمان زمان خود تیمور و شامل چندین قصائد است که از آنجمله تاریخ منظومی‌است که احمد تبریزی‌درچندباب راجع بفتوحات‌چنگیزخان نگاشته و درتصاویر این دو نسخه بسیاری از اوصاف آرایشی و تزیینی است که بعداً ازمشخصات‌مدرسه هرات درقرن نهم هجری(۱۵ م) شده ودرضمن آن صورت‌درختان رسا ونظرگاههای طبیعی است که در بین آنان کوهها وتپه‌ها بوده و بشکل اسفنجی (ابر) آنانرا ترسیم نموده و نباتات ریز ریزی است که آرایش و زینت تصویر بآن زیاد شده وبآن روشی خاص و نقشی مخصوص میدهد ودراین تصاویر رنگهای ثابت وتندی بکار رفته‌که تندی وحدت آنرا هیچگونه‌گردش روزگار وتغییرات زمان بهم نمیکشند و تمام اینها مابه‌الامتیاز وماده تفاوت وتفرقه بین تصاویر این دونسخه وبین صوراولیه‌درقرون ۷و۸ هجری است (قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱٤ میلادی) .

بااین‌وصف بهتر آن است‌که ماتصاویراین دونسخه خطی‌را بهیچیك‌ازهنرستان تیموری نسبت ندهیم زیراکه هنرستان تیموری در واقع متمثل بآخرین دوره تطور هنرستان تاتاری‌گردیده وبنابراین دوره مغول تا اوایل قرن ۹هجری (۱۵ م) امتداد مییابد و خانواده جلایر دسته‌ای از مغول بودندکه در عراق عرب حکومت نموده و بغدادرا برای خود پایتخت قرار داده و این شهررا درتمام طول قرن۸هجری (۱٤) و قسمتی‌ازقرن۹ (۱۵)شهری مغولی گردانیدند و این عمل علی‌رغم استیلاء تیمور بر آن شهر در۷۹۵ ه (۱۳۹۳ م) بوده .

مصادرتاریخی‌نشان میدهدکه‌سلطان‌اویس آخرین‌ملوك خاندان جلایرازجمله ملوکی بوده‌که فن نقاشی را اصلاحات زیاد نموده و درآن موفقیتی زیاد پیدا کرده س اشتباهی‌که بین این‌صور وبین‌تصاویرتیموری پیدا شده راجع بآن خواهد شدکه که اولی بدیگری مشابه ومتمثل شده و چنانکه ما قبلا متذکرشدیم واین‌خود حلقه

٤ـ مراجعه شود به‌تابلو های ۱۰ و۱۱ و ۱۲
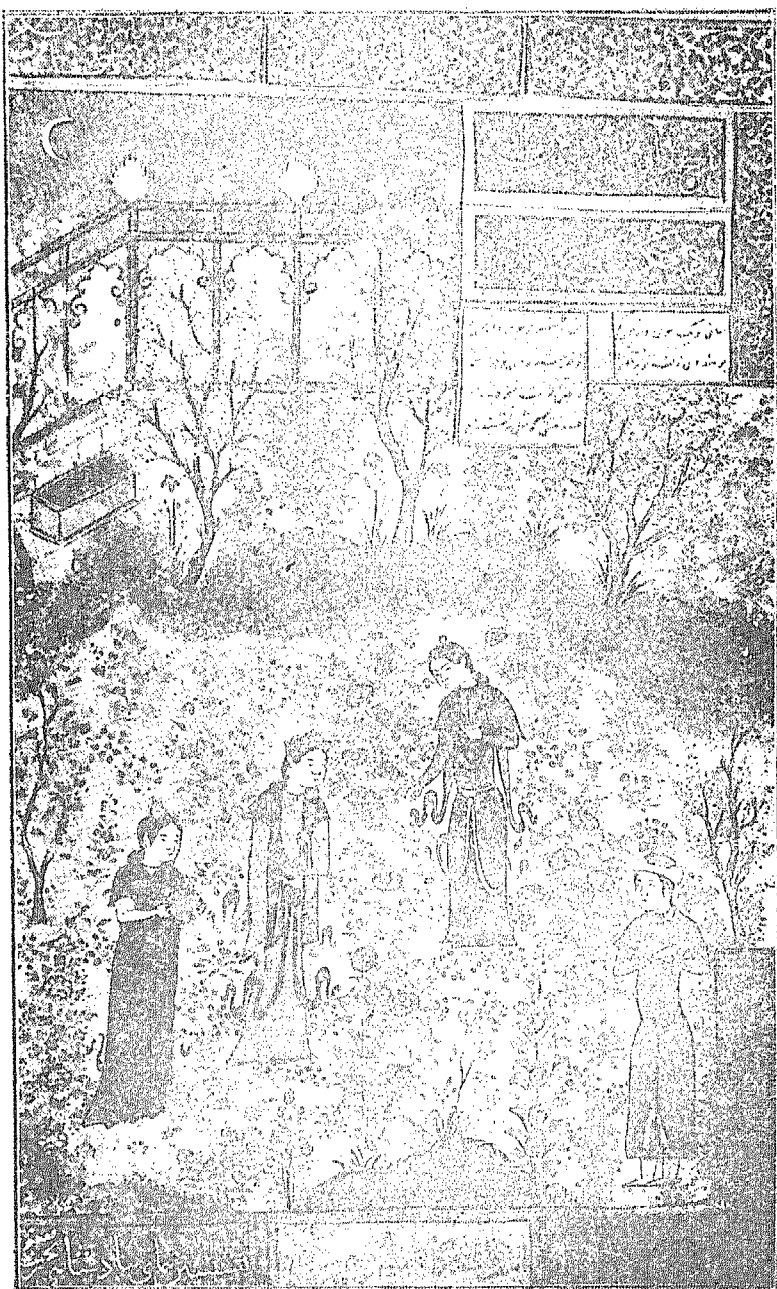
شکل ۱۵ منظره باغ از نسخه خطی منظومه خواجوی کرمانی موزه بریتانیا – مارتن
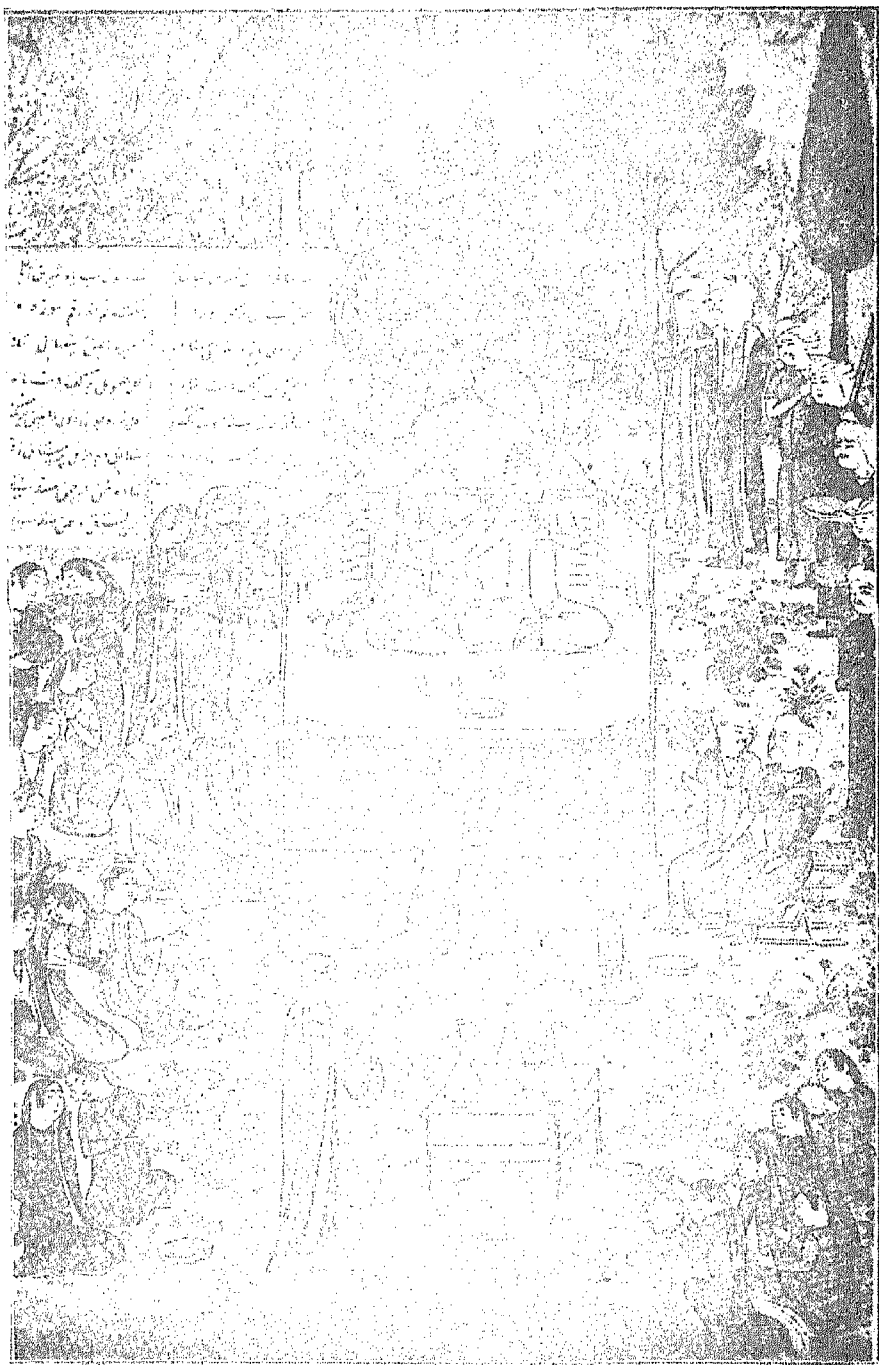
شکل ۵۱ نمایشگاه در باغ

از نسخه خطی منظومات خواجوی کرمانی در موزه بریتانیا مورخ ۷۹۹ هجری [illegible]
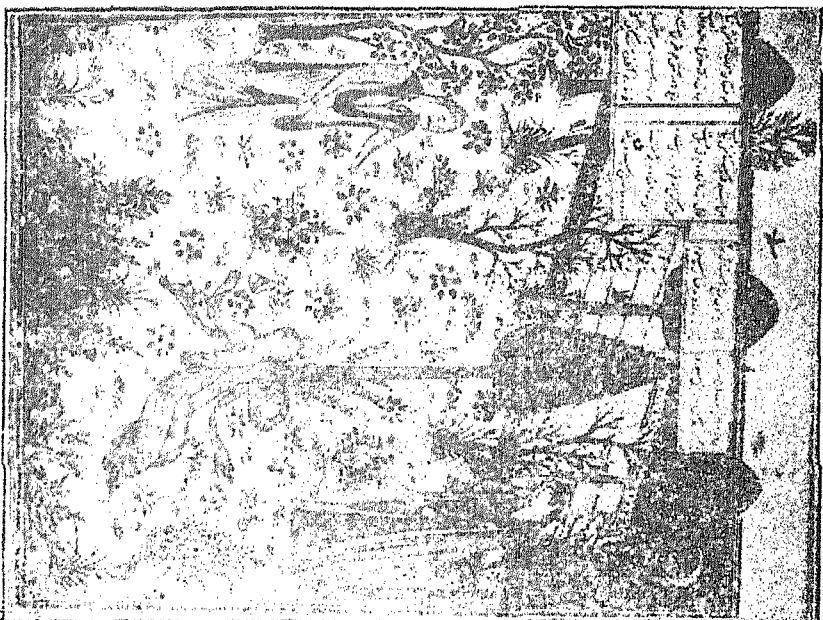
تابلوی ۱۲

شکل ۱۶ــ دوسوار ودو اسب که بایکدیگر میجنگند
از منصور جنید نقاش در بغداد سال ۷۹۹ ه

منظره باغ . از نسخه خطی منظومات خواجوی کرمانی
در موزه بریتانیا
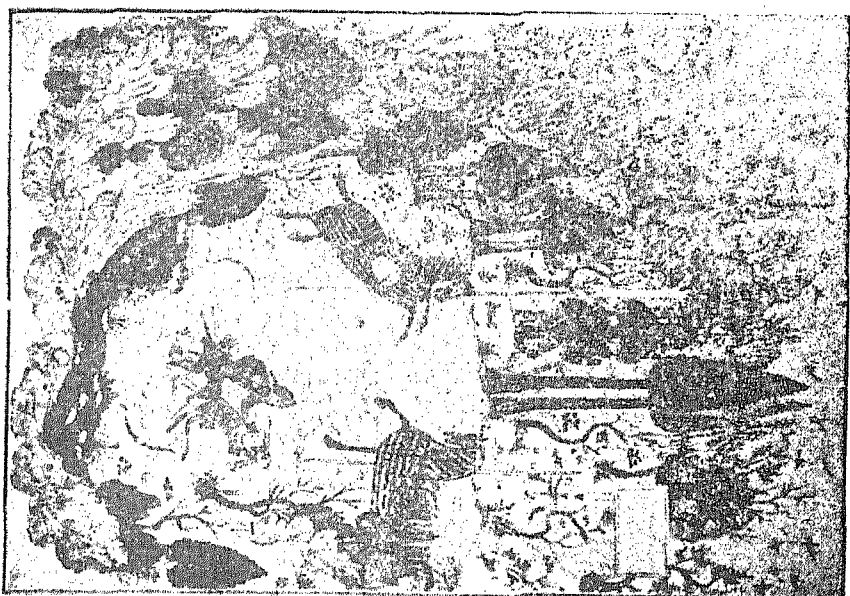
پیوستگی و اتصال بین هنرستان ایرانی تاتاری و بین مدارس تیموری شده و درحقیقت خود تیمور گذشته ازعشق وعلاقه ایکه بفنون جمیله وهنرهای زیبا داشته شخصاً در ایجاد و پیدایش طراز تصویری که مابنام او نسبت میدهیم مباشرت ننموده خلاصه آنکه تیمور چندان عامل قوی دراین هنر نبوده که این دوره بنام او تمام شده و پیشرفت و رشد طبیعی که برای هنر نقاشی در قرن ۸ (١٤) روی داده این فاتح را دستی زیاد در آن نبوده بلکه نامگذاری عادلانه آن رعایت و توجهی عالی بود که شامل احوال خلفاء وجانشینان تیمور میگردد که از نقاشان وصنعت نقاشی بعمل آمده .

درکتابخانه ملی مصر نسخهٔ از شاهنامه فردوسی وجود دارد که آنرا لطف‌الله بن یحیی بن محمد درشیراز سال ۷٦٦ ه (۱۳۹۳ م) نوشته و در آن صفحه‌ای تذهیب شده و رنگین ترتیب داده‌اند که ٦۷صورت کوچك را داراست ودرصنعت وطرز نقاشی مناظر طبیعی وپوششها وشکل وشباهت به نسخه خطی کلیله ودمنه‌ای شبیه و مانند است که اکنون آن نسخه درکتابخانه ملی پاریس موجود است .(۱)

در مجموعه مستر شستر بیتی (ChesterBeatty) شاهنامه دیگری بوده که در سال ۸۰۱ ه درشیراز نوشته شده (۱۳۹۷ م)وحالیه درضمن یك مجلد باجزئی ازنسخه خطی دیگردرموزه بریطانیا مضبوط است و آن‌شامل چندقصیده ونظم بطرز واسلوب وروش کتاب شاهنامه میشود وتصاویر این دونسخه درصنعت و اصول فنی دقیق‌تر از صور موجوده در شاهنامه کتابخانه ملی مصر بوده و تناسب رنگهای آن زیادتر و رسمهای آن تازگی وتنوعی فراوان دارد .

خلاصه کلام آنکه مجموعه نسخه های خطی که در آخر قرن هشتم هجری (دهسال‌های آخرازقرن١٤م) نوشته شده برای آن مشخصاتی است که نباید آنهارا حقیر شمرده و خوار گرفت یابنظر بی اعتنائی بآنان نگاه نمود چونانکه درآنان رنگهائی تابنده ودرخشان دیده میشود که مناظر باغات وگلها وبهاررا نشان میدهد واین مشخصات بعدازآن ازخصایص وممیزات هنروفن ایرانی گردیده واساتیدفنی دراین‌مورد بایجاد تناسبی شایسته رسیده وبنگارش صوری زیبا جهت اشخاص وتوافق وسازشی پسندیدهٔ

۱- مراجعه شود به: Binyon, Wilkinsno&Grey : Persian Miniature Painting ص ٦۲ (٦)

ومطلوب بین موضوع نسخه کتاب و بین صورتهای مینیاتوری وتصاویر کوچك مبادرت نموده‌اند ودربعضی ازاین صور رسوم ونقشه‌هائی است که برای منسوجات (پارچه‌ها) وقالیچه وجانمازها تدارك شده ولیکن ازآنهاچیزی بدست‌مانرسیده است وبزرگترین مزایا وبرتری دراینمورد نسبت بتوجه وپیشرفت نقاشی ایرانی مربوط بامرای‌خانواده چلایر شده و راجع بآنها میگردد .

هنرستان هرات

علاوه براینکه نقاشی ایرانی بعصرطلائی دوره جانشینان تیمور : پسرانش‌شاهرخ ونواده‌های وی : بایسنقر- ابراهیم سلطان واسکندر بن عمرشیخ پیوسته میشود جای تعجب وشگفت نیست‌که در زمان ایشان وحدتی بانیرو و تکاملی قوی بوجود آمده که نقاشی‌روح ایرانیگری بخودگرفته وبطوری خودرا نشان میدهدکه کشف نمونه‌ها وعوامل اجنبی درآن خیلی دشوار ومشکل است !

آئین سیاست دولت امپراطوری تیمورلنك بایجاد وتاسیس هنرستان های فنی چندی اقتضا نمود ودرعین اینکه او درپایتخت دولت امپراطوری خود مشغول باداره نمودن امورکل‌کشورپهناورخویش بوداینگونه هنر وفنون را نیزراج ورونق میداد . در نواحی مختلفه هم امرائی بودندکه حکومت کرده و قلمرو فرمانفرمائی خود را شبیه‌ترین چیز بکشورهای‌متحده مینمودند چنانکه هرامیر از خود درباری‌داشته و دربعضی احوال‌نظام وراثی‌امورحکومتی‌وفرمانفرمائی همانطور بودکه‌درپایتخت کشور پهناور امپراطوری اجرا وپیروی میشد .

مثلا می بینیم که شاهرخ در دوره زندگانی پدرش تیمور لنك حاکم خراسان بوده وچون او وفات یافت پسرش جانشین وی شده اونیز درخراسان اقامت گزیده و هرات را پایتخت کشور خود نمود حکومت نواحی ماوراء النهر که‌سمرقند مرکزآن بود بالغ بیك داده وابراهیم سلطان را حاکم شیراز وحدود فارس نمود .

شاهرخ پادشاهی بزرگوار ورشید وباوقار بوده و کشورایران دردوره شاهی او بآرامش و امنیت گذرانیده و شهرهرات مرکزی مهم از برای پیشه‌وهنر نقاشی گردید واین پادشاه درآنجا کتابخانه مهمی تأسیس نمود .

موقعی که پسرش بایسنقر حکومت عمومی قسمت هرات گردید او هم کتابخانه دیگری باهنرستان و دارالفنون از برای ترویج و تکثیر پیشه وهنر ترتیب داده و در آنجا نقاشان و تذهیب کارها و خوشنویسان وجلدسازهای زبر دست و سرآمدی را جمع آوری نمود واین بنگاه هنری کارهای مهمی را بنوبت خود درعمل نقاشی و کار تذهیب انجام داداساتید مذکور کسانی بودند که ازشیراز وتبریزوسمرقند بهرات آمده و درانجام انتقال و تمرکزپیدا نمودند روابط ایران باکشور های خاور دور ازجهت استوارنمودن بنای دوستی و ارتباط هیچگاه وزمان بآن پایه نرسیده بود که در دوره شاهرخ رسیده زیراکه در این دوره هیئت ها و مأمورین علمی و فنی اعزامی مابین ایران وممالك خاور دور آمد و شد نموده و مبادله میشدند و شاید این امر مربوط بتغییردوخانواده ای باشد که درآندوره حکومت مینمودند .

پس همانطور که حکومت مغول ایراندراواخرقرن هشتم هجری (١٤ م) بانتها و پایان رسید در همین بین حکومت خاندان یوان (Yuan) مغولی خاتمه پذیرفت ١٢٨٠ م -- ١٢٦٧ م وبجای آنها خانزاده منگ (Ming) (١٣٦٨ م -- ١٦٤٦ جانشین ایشان گردید .

ازجمله چیزی که بیشتر جلب‌نظر میکندآن‌است که بایسنقربایکی ازاین هیئت اعزامی علمی که بچین سفرکرده ٧٢٣- (١٤٢٠) نقاشی‌راکه نام او «غیاث‌الدین» بود همراه نموده واورا مکلف ومأمور داشته که هرچه را ازآثار بدیعه درراه وخط سیر خود می‌بیند صورت‌آن راکشیده وچگونگی آنرا شرح ووصف دهد .

غیاث‌الدین این‌مأموریت‌را انجام داده وتوصیف‌عمل اوراکمال‌الدین عبدالرزاق درکتاب « مطلع السعدین » خود که‌آنرا مستشرق معروف کاترمیر « Quatremère» بفرانسه ترجمه نموده ونقل وحکایت کرده ، بعید نیست که غیاث‌الدین موقع برگشتن خود ازآنجا بعضی ازاستادان فنی وسرامدان چینی‌را یابرخی ازکارها ونمونه‌عملیات

و هنر ایشان را باخود بهمراه آورده باشد(۱) در هرصورت نقش و رسم چینی وهنر صورتگری آنان درایران معروفیتی تمام یافته امراء و رجال فنی از آن تقدیرها کرده ودرپی این کوششها مینمودند و در جمع آن اصرار داشتند و برای اینفن تاثیری زیاد بوده که کشف و ایضاح وتمیز و تشخیص آن برای ما بی اندازه مشکل است ولیکن وقتی که ما آنرا دردست گرفته ومشاهده نمودیم ودرباره وجود آن قطع پیدا کردیم خواهیم دید دقت ومراقبتی راکه صنعت تصویر ونقاشی بدان نائل گردیده ودرهنرستان هرات بوده علاوه براین بعضی از صورکه بنظرما رسیده دیده ایم که در آنها عوامل چینی و ایرانی دوش بدوش یکدیگر قرارگرفته ولیکن باهم اختلاط و آمیزش یافته ووحدتی قوی وتمام چنانکه درهنرستان تیموری داشته دراینجا ترتیب نداده است .

واضحتر ازتمام صور صورتی است که در آن شاخه درختی ترسیم شده که بر آن گنجشکها نشسته اند و شخص تصورمیکندکه صورت مذکور از مصنوعات عصری منگ(۱) (Ming) درچین است سپس در زیر آن خسرو وشیرین دو عاشق ومعشوق ایرانی بلباس ایرانی و صورت چینی ترسیم شده وبطوری مبهم است که مورخین فنی ازجزم باینکه استاد سازنده این تصاویر ایرانی است که فن وصنعت چینی را تقلید نموده ویا چینی است که از هنروکار ایرانی تقلید کرده عاجزند .(۲)

ولیکن ظاهرترین چیزی که موجب ومسبب تاثیر فارسی درفن دوره تیموری است عمل جلدسازی آن زمان میباشدکه باتصویرحیوانی که بااسلوب فن چینی زینت شده انجام گرفته و ازجمله مشخصات مینیاتور وصورهای کوچك مدرسه هرات ترسیم و نقش سرهای انسانی وحیوان است که برای آرایش در مینیاتورهای ارمنیه با صور کوچکی که استادان ارامنه کشیده‌اند دیده وشناخته میشوندکه تاریخ آن باواخرقرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری مربوط است (اواخرقرن۱۳ و اوایل قرن۱۴ م)

ازجمله صورمهمه ایکه بهنرستان هرات نسبت داده‌اند صورتیست که در موزه

---

۱ – Binyon, Wilkinson& Gray : Persian Miniature Painting ص۵۶-۵۷
نقاش مینیاتور ایرانی

۲ – مراجعه بتابلوی ۱۶ شکل ۱۲

۳ – مراجعه شود بتابلوی ۱۸ دو شکل ۲٤ و ۲۵

هنرهای زیبای پاریس وجود دارد که صورت مزبور رسیدن امیرهمای را بدربارچین نشان داده و تاریخ آن راجع بسال ۸۳٤ ه است (۱٤۳۰ م و درآن صنعتی مخلوط و متناسب از صنعت لطیف و اسلوب ظریف ایرانی و جمال وزیبائی فن چینی در دوره منگ(Ming) ملاحظه میشود .(۱)

علاوه براین اثرآمیزش اسلوب فنی چینی درزمان منك بتقلید فنی ایرانی در تصاویر نسخه خطی « معراج نامه »که اکنون درکتابخانه ملی پاریس محفوظ است مشکل نبوده وبآسانی واضح خواهد شد .

نسخه مذکوردرسال ۸٤۰ هجری (۱٤۳٦ م) درهرات برای شاهرخ نوشته شده وبیشترتصویرآن دارای وضع مربعی شکل وازمتن نسخه خطی جدا ومستقل میباشد ودیده میشود که حضرت پیمبرصلی‌الله علیه وآله روی براق سوار گردیده وجبرئیل درجلوآن حضرت قرارگرفته و فرشتگان اطراف اورا احاطه‌کرده ودرآسمانها سیر وگردش میکنند و پیغمبران دیگر بآن حضرت روبرو و مقابل میشوند و در صور فرشتگان ملاحظه میشود که صورتهای ایشان گرد و مستدیر و چشمان آنهاکوچك و ریز ومنحرف میباشد وتاثیر شکل وقیافه‌فن چینی را در صورت ازخود نشان میدهد چنانکه تاثیراین فن بفن چینی دراشکال وتقلیدی‌که براین روش ترسیم شده هویدا و ظاهراست بطوریکه ما می‌بینیم درصورت‌حضرت‌رسول ویاران‌اویکنوع طرح زیبائی وظرافت‌کاریست‌که نمونه صنعت عربی و ایرانی را ازخود نشان میدهد .

این صورتها روی همرفته جزء هنرهای زیبا بوده‌که زیاده دلفریب وقشنك‌است ورنگهای فیروزه‌ای وطلائی‌جلاء وبهای‌آنرا بی‌اندازه زیاد نموده ولی‌چیزیکه هست تکرارموضوعات آن تاحدی خالی ازملال نیست(۱)

شبیه باین صورتها در فن نقاشی و کار دوازده صورت کوچکی مینیاتور است که در موزه (متروپولیتان) نیویورك امریکا موجوداست وآنها درضمن‌نسخه شاهنامه ایست‌که میتوان آن را بنیمه اول قرن نهم هجری (۱۵ م) نسبت داد و از بدیعترین

---

۱ - مراجعه بتابلوی ۱٤ شکل ۱۹

۲-مراجعه‌شودبه Migeon : Manuel ج ۱ص ۱۵٦ و E. Blochet;Les Enluminures des Manuscrits Orientaux de la Bibliothèque Nationale ص ۸۳-۸۵ کتابهای خطی شرقی کتابخانه ملی

ناوبر آن صورتی است که نقش رستم را کشیده وعنان اسب خود (رخش) را دردست گرفته ودرطرفین آندو درخت باسلوب فن چینی نقاشی شده و دربالای آن دومرغ آبی بحالت پروازند و درصورت دیگر نقش راکیکاوس کشیده که قصد دارد بوسیله نوکرکس که تخت خودرا بپای آنها بسته بجانب آسمان پرواز کند (۲).

در موزه (متروپولیتان) نیویورك نسخه خطی دیگری از منظومات (خمسه نظامی) وجود دارد که در سال (۸۵۳) نوشته شده (۱۴۴۹) و دارای سی صفحه صورت است که هر کدام آن بواسطه رنگهای زیبا ودرخشان وصورتهای دلربای خود ممتازاست وشاید چیزی که ازاین تصاویر بیشتر جالب توجه ونظر میشود صورت فرهاد معشوقه او شیرین و اسبی که بر آن سوار است بوده باشد . (۳)

باوجود این لازم است ما دراینجا مابین صور مصنوعه هرات و تصاویری که در بر آن از شهرهای ایران کشیده شده مانند شیراز و آنچه بدوره تیمور و جانشینان ر است تفاوتی بخاطر نگذرانیم زیرا بطوریکه گفته شد سیاست حکومت در دوره نها بهترین مشوق برای پیدایش مراکزفنی وبنگاههای هنری درکشورهای مختلفه پراطوری بوده که هریك را افرادی ازخانواده سلطنتی اداره مینمودند و همین امر عث تحول کار وتبادل نظر بزرگان و اساتید فنی بوده وآنها را وادار نموده که در بر وحرکت درآمده مسافرت کنند وبرای تکمیل هنر بهرطرف نقل و انتقال نمایند شاید مشهورتر ازهمه آنها کسی بوده که بیشتر مسافرت مینموده یا در نقل وتقلید ست داشته درصورتیکه بهره و نصیب اساتید فنی وهنروران عادی که در وطن خود زیستند وسفر نمینمودند جنبه دهاتی داشته وبرتری آن فقط دراین سبك و اسلوب ده و ما از این قسمت نمونه هائی در نسخه خطی منظومه خمسه نظامی که اکنون اونیورسیته (ابسال) وجود دارد(۳)مشاهده مینمائیم که تاریخ آن مربوط بسال

۱ – مراجعه شود به Dmiand : A Handbook ص ۲۸

۲ – مراجعه شود به Dimand : A Handbook ص ۲۹

۳ – مراجعه شود به Binyon, Wilkinson & : Gray : Persiatn Miniature Painting ، ۷۳

(٨٤٣هـ) و(١٤٣٩میلادی) است و در قسمت موزه های برلن نیز تصاویری ازمجموعه اشعارفارسی موجود است که آنرادرسال ۸۲۳ هـ(١٤٢٥م) محمودکاتب حسینی درشیراز برای کتابخانه (امیربایسنقر) نوشته وزیباتر ازهمه تصاویرآندو صورت است :

یکی دیگرصورت خسرو است که بالای سر شیرین آمده وازچگونگی احوال او اطلاع می یابد ودیگری تصویرجنگی است که بین سپاه کسری (پرویز) با (بهرام چوبینه) واقع شده(١)

از تصاویری که بدوره تیموری نسبت داده میشود جزعده قلیلی شناخته نشده حتی درنمایشگاه هنرهای زیبای ایرانی در لندن در سال (١٩٣١) که نزد طرفداران ومورخین فنی عده زیادی ازتصاویر وجود داشت وهمچنین ازطرف دولت اعلیحضرت شاهنشاه ایران نفیس ترین چیزی که داشته باین نمایشگاه فرستاده شده بود در میانه آن اشیاء چیزی ازآن تصاویر دیده نمیشد .

و دراینجا چون برای ما مجالی جهت تتبع وتحقیق اینگونه تصاویر نیست لذا بآن اکتفا مینمائیم .

و خواننده را بمؤلفات و مقالاتی حواله میکنیم که در باره نمایشگاه مذکور نوشته شده .

خلاصه گفتار آنکه فن نقاشی در دوره تیمور و جانشینان او ترقی و نشو و نما یافته وباعلی درجه کمال رسید و بعدها درعصر بهزاد و شاگردان او بحد اکمل بالغ گردید ولی بعد از وفات شاهرخ سال ۸۵۱ - (١٤٤٧) م امپراطوری تیموری را که زحمتی بسیاردرراه وحدت واتحادواعلای عظمت وشأن آن کشیده شده بودانحلال بجانب آن راه یافته جانشینان شاهرخ داخل منازعه وکشمکش گردیدند وطولی نکشید که قسمت غربی کشور ایران دردست دشمنان ایشان و قبایل ترکمان معروف بآق-

---

١- مراجعه شود بتابلوی ١٣ شکل ١٨ و مربوط Kühnel : Islamische Kunst در جزء ششم از تابلوی ششم Springer : Handbuch der Kunstgeschichte ومراجعه بمقاله دکتر کونل در Jahrbuch der Preusischen Kunstsammlungen جزء ٢ ٥ ص ١٣٣ و مابعد آن

قویونلو (صاحبان گوسفندان سفید) و قراقویونلو (صاحبان گوسفندان سیاه) افتاد و این عنوان شعارجنگی آن دوطایفه بود.

« سلطان ابوسعید » درسال ۸۷۳ وفات نموده (۱٤٦۸ م) و او قصد داشت که کشورهای اقالیم ازدست رفته‌را مسترد سازدوامپراطوری (اوزبك) هم‌درقسمت ماوراء النهرپیدایش وظهوریافت‌ودراواخرقرن ۱٤م توانست دراین قسمت‌ها ودرنواحی‌شرق ایران بنفوذ تیموریان خاتمه دهد وتنها هرات پایتخت جانشینان تیموربافی‌ماند واین محنت‌ها جز برپیشرفت ودرخشندگی وجلای هنرنقاشی نیفزود:

حکومت «سلطان‌حسین بایقرا» ۸۷۳ ـ ۹۱۲ (۱٤٦۸ ـ ۱۵۰٦) ازدرخشنده‌ترین دوره تیموریان است زیرا که دراین عصررجال ادب و هنر و تاریخ بجانب هرات با همدیگرمسابقه گذاشته وپیشرفت مینمودند و سلطان بدینواسطه توانست که تخت و تاج آبا واجدادی خود را نگاه دارد وبازوی توانا ومددکار عمده وی وزیر و رفیق وفادارزمان کودکی‌او (امیرعلیشیر) بوده که‌اومانندشاه شاعروادب دوست ودانش‌پرور و طرفدار بزرك ادباء ورجال پیشه وهنر بوده.

بهرحال درخدمت سلطان حسین بایقرا ــ ووزیر او ـ امیرعلیشیر ـ بزرگترین نقاش‌ها واساتید فنی ایرانی و مشهورترین رجال هنرور اسلامی‌که « بهزاد » سرآمد همه ایشان است بروز وظهور یافته‌اند.

شکل ۱۸ - خسرو در کشتن بهرام (هنرستان ایران و تاتار ۸۲۳ هجری) نسخه خطی کتابخانه بایسنقر (موزه برلن)
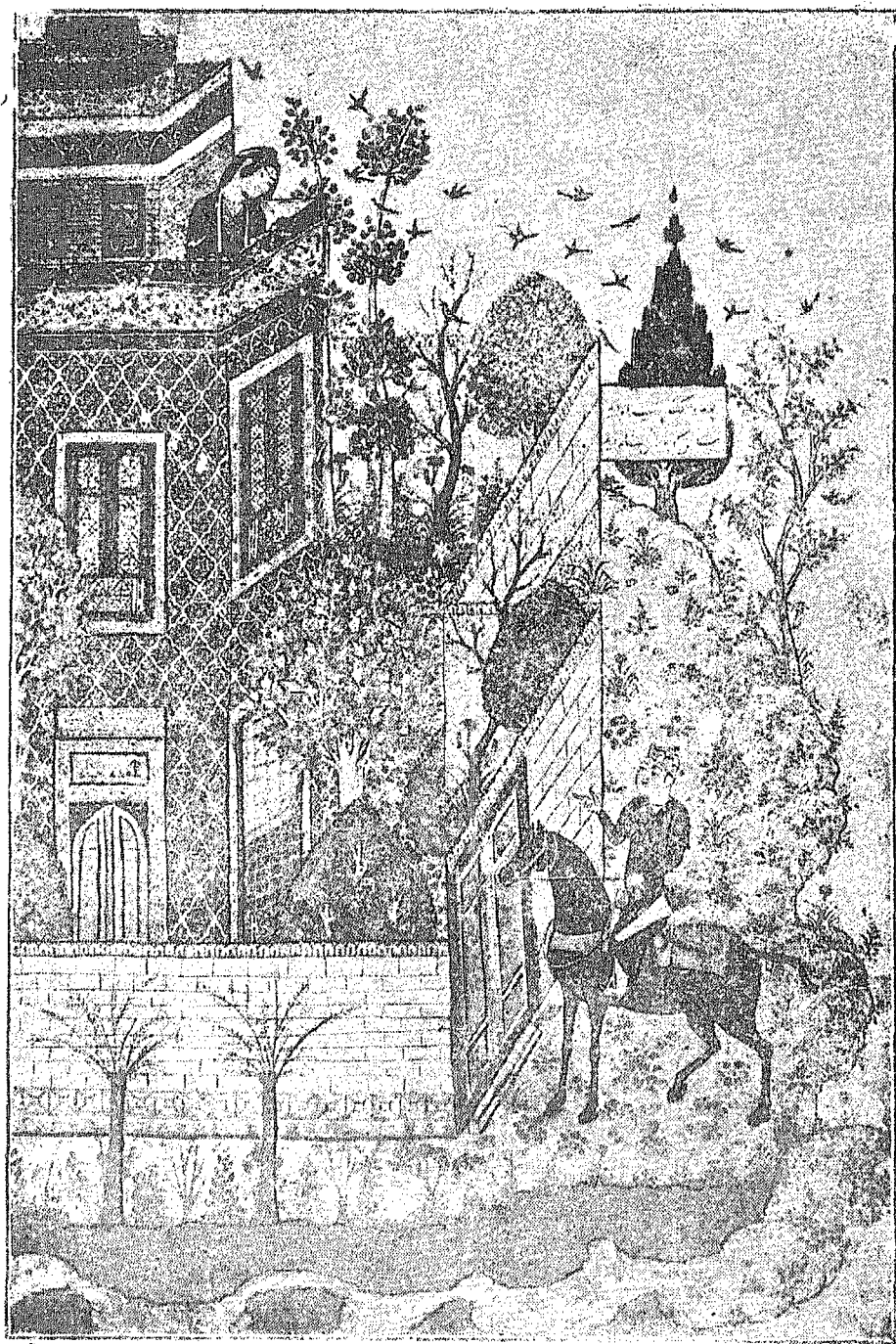
شکل ۹۱ دیدار هما و همایون در باغ قصر هنرستان تیموری ربع اول قرن ۹ هجری

تابلوی ۱۵
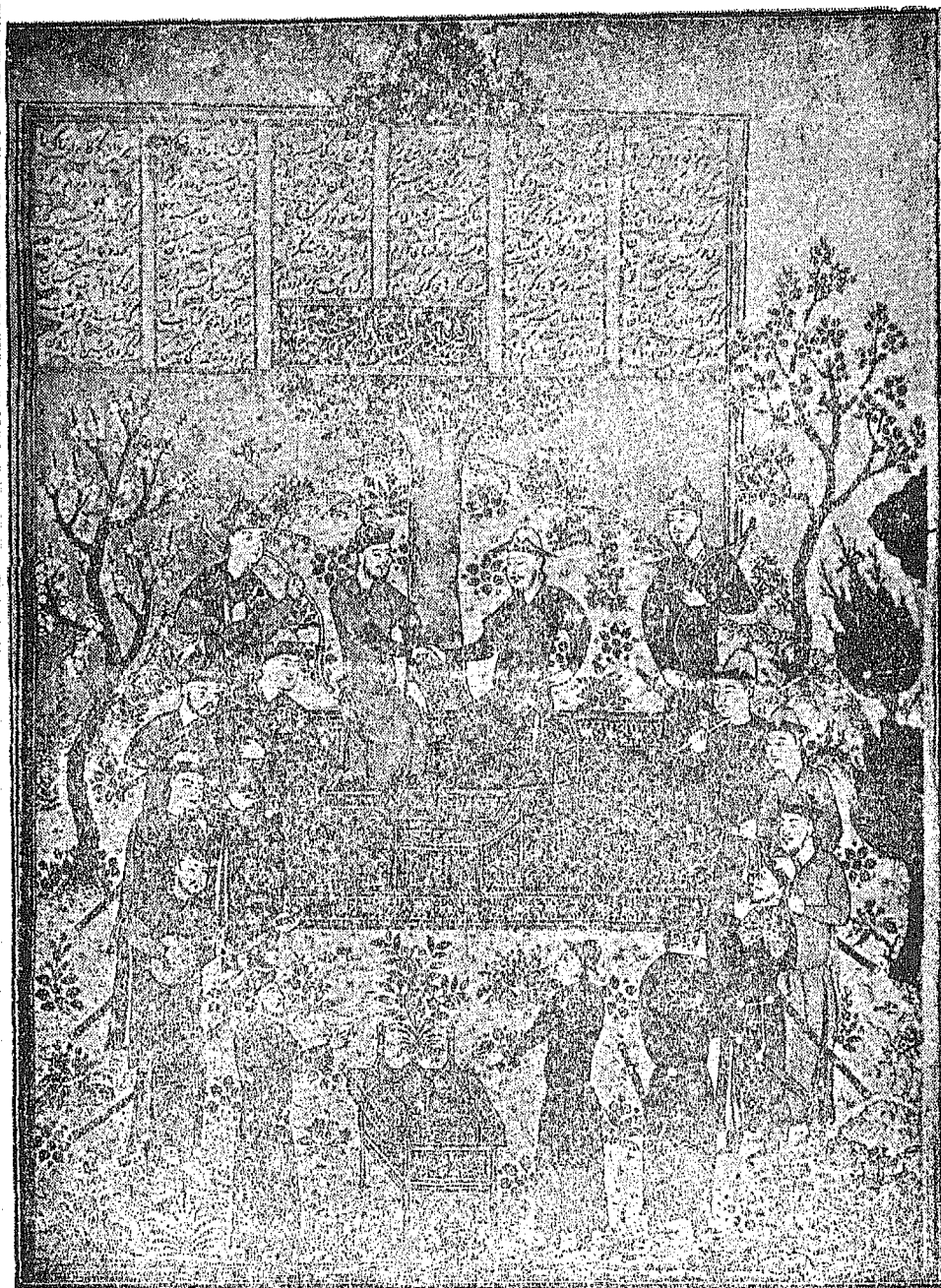
شکل ۲۰- رستم واسفندیار پیش از جنگ (هنرستان تیموری ۸۳۳ هجری) از شاهنامه موزه گلستان تهران

شکل ۲۱ خسرو و شیرین — هنرستان تیموری در اوایل قرن ۹ هجری مجموعه ویور

شکل ۲۲ و ۲۳ نقاشی بطرز چینی — هنرستان هرات درنیمه اول قرن۹هجری استانبول — از ساکسان.
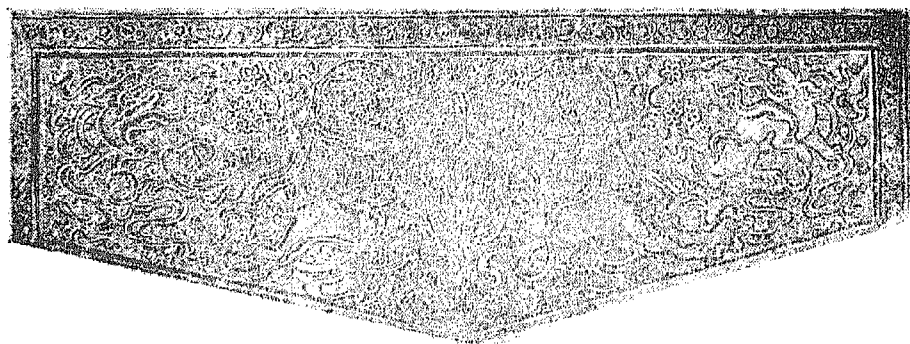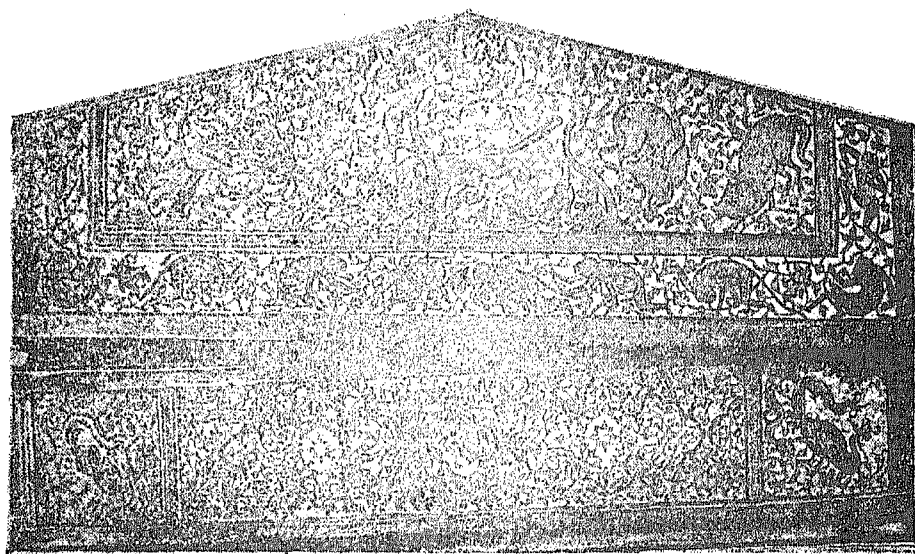
دوشکل ۲۴و۲۵ ـــ زبانه مجلد خطی بنام شاهرخ

هنرستان هرات سال ۸۴۲   کتابخانه سرای باستانی استانبول ساکیبان

شکل ۶۲ پیاده شدن دختران از زورق — هنرستان هرات آخر قرن ۹ هجری مجموعهٔ ساکیسیان
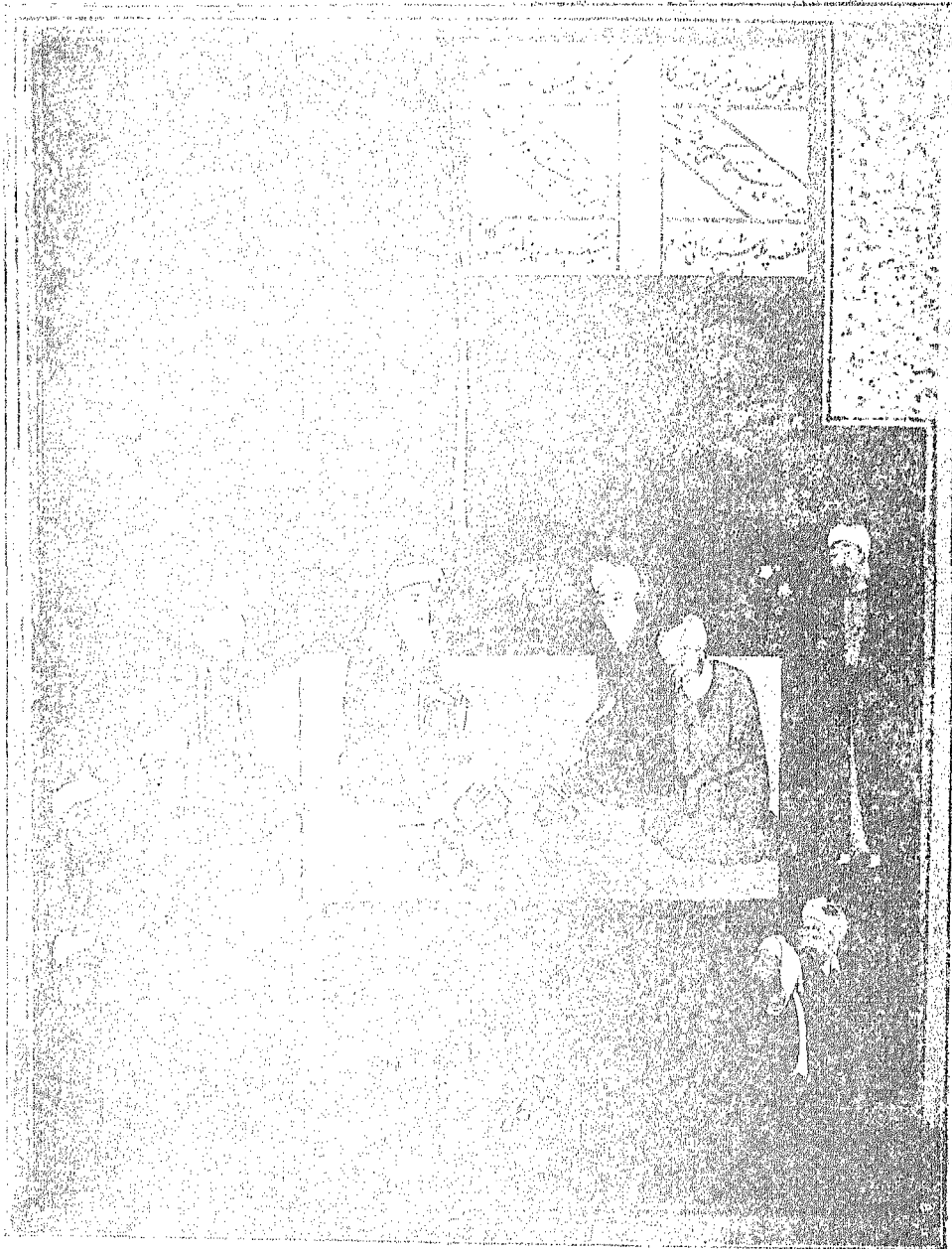
شکل ۲۷ــ جماعتی از صوفیه در باغ از مصور قاسم‌علی سال ۸۹۰ هجری کتابخانه بودلی اکسفرد

فصل پنجم

بهزاد و معاصرین او

هنرستان بخارا

بهزاد در سال ٨٥٤ هجری ـ ١٤٥٠ درهرات تولد یافته و هنر نقاشی را نزد (**پیرسید احمد**) تبریزی فراگرفته ودیگران گویند که بهزاد نقاشی را نزد **میرك** نقاش درهرات آموخته بود درهرصورت اودرتحت توجه ورعایت وقدردانی وتشویق **سلطان حسین بایقرا** و وزیر او امیر **علیشیر** بمقام عالی هنر رسیده و تعلیماتی شایسته یافت .

بهزاد در هرات بود تا اینکه ستاره تیموریان غروب نمود و دولت آنان زوال پذیرفت و انقراض آن دولت بدست **محمد خان شیبانی** که بر پایتخت آیشان استیلا یافت در٩١٣ (١٥٠٧) فراهم آمد .

دراین‌وقت بهزاد جایگاه‌خود راکه درهرات داشت ترك ننموده و بدینگونه بودتا **شاه اسمعیل صفوی** در٩١٦ (١٥١٠) برهرات دست یافته وبهزاد باشاه اسمعیل به تبریز انتقال گزید .

بهزادنزد پادشاه صفوی وجانشین او **شاه طهماسب** اهمیت ومکانتی بسزا یافت و بمقامی نائل گردید که کمتراستادی ازاهل پیشه وهنربدان پایه ومقام رسیده است .

« روایت میکنند : وقتی که بین شاه اسمعیل وترکهای عثمانی جنك در گرفت (٩٢٠ ـ ١٦١٤) شاه ازفرط الفت وعلاقه ایکه ببهزاد داشت بیم ودهشتی که نسبت بوی پیدا نموده بود خواست که اورا باهمکارش **شاه محمود نیشابوری** خوشنویس مشهور برای ترسی که ازاتلاف اندوداشت پنهان کند لذا امرداد آندو را در صندوقی نهادند و موقعی که جنك تمام‌شد اول اندیشه شاه اطمینان برسلامتی آندو استادبود

درسال ۹۳۰ هجری (۱۵۲۲) شاه اسمعیل بهزاد را مدیر کتابخانه سلطنتی و رئیس کل امنای کتابخانه و کتابدارها وخوشنویسان و نقاشان وتذهیب کارها گردانید .

خواند امیر مورخ فرمان انتخاب وتعیین اورا برای ما درتاریخ خود ضبط نموده واین وثیقه واعتبارنامه مهم باترجمه فرانسه آن درجزء ۲٤ ازجمله (العالم الاسلامی ۱) انتشاریافته(۲)Revue du Monde Musulman ونیزاستادارنولد) فرمان مزبوررادر آخر کتاب خود نقاشی بانگلیسی در اسلام) ترجمه نموده .

بهزاد شهرتی زیاد احرازنموده و اشتهاراو ازنقاشان دیگر ازمعاصرین یا اخلاف وی زیادترشده وقیاصره وامپراطوران مغولی هندوستان درگرد آوردن هنرهای یدی این استاد واعجاب یاشگفت بآنها سبقت گرفته و لیکن روی همین بهره ونصیب بود که نقاشان واساتید فنی وادارشدندکه از او تقلید وپیروی نمایند و خوشنویسان و هواخواهان این هنر درصدد برآمدند صوری راکه کاراونبود باونسبت دهند وامضای اورا برای ربح مادی یاافتخار ادبی تقلید کنند لذا بیشترتصاویری را که پرتوی از نورعملیات این استاد بزرگوارمیگرفت مورخین فن اسلامی درصحت آن نسبت باین استاد بشك وتردید افتاده‌اند :

بااین وصف (بهزاد) ازاساتید درجهٔ اول ایران است واومابین اهل پیشه‌وهنر اول کسی است که آنچه را نقاشی کرده بامضای خود رقم نموده ومعروف این است که امضا در فنون و هنر شرقی بآن اهمیت که هنر و فنون غربی بدان رسیده بالغ نشده وشخصیت او اهل پیشه وهنررا رشد وترقی وپیشرفت داده واو بحقوق افتخاری خود نسبت بهنری که بدست خود انجام میداده آگاه شده(۲) این است ، طرفداران بهزاد و مورخینی که داخل دربحث و رسیدگی بتصاویر وکار های نقاشی میشوند عملی را ببهزاد نسبت داده و صحت آنرا تصدیق میکنند که دارای امضاء او است واینگونه عمل و کاررا مورد توجه قرارداده وخواهند داد چنانکه نمایشگاه

---

۱ - تحت عنوان Deux documents indits بقلم Mirza Mohammed Qazwini
rlaatifs à Behzad et L . Bouvat

۲ - مراجعه شود به Kühnel : Miniaturmalerei ص ۱٦ و Arnold:Painting in Islam ص ۷۱

تابلوی ۲۱
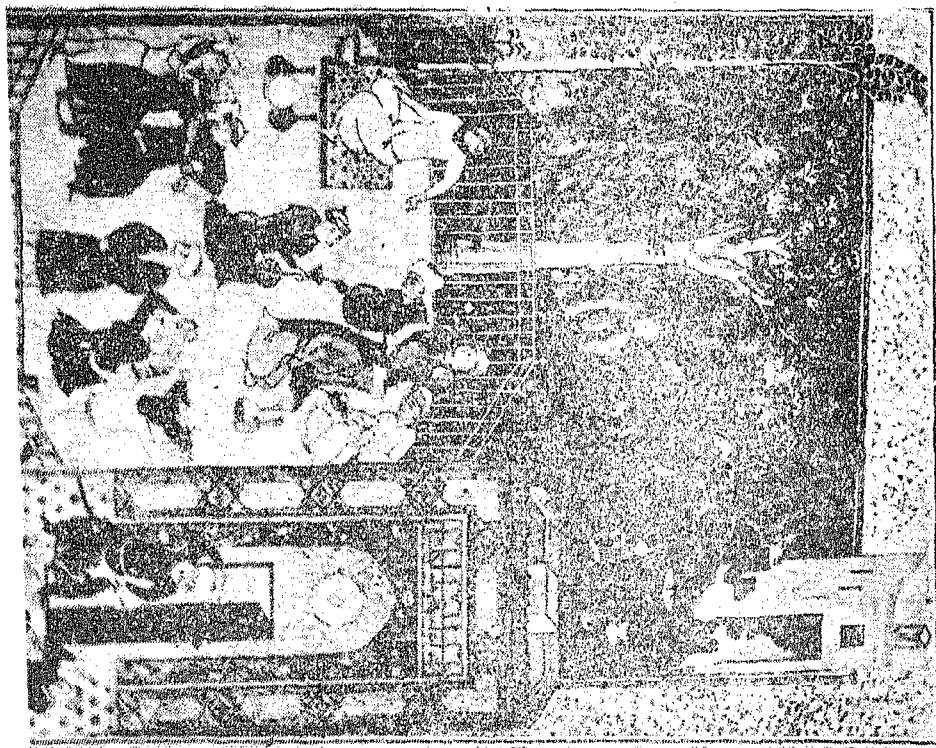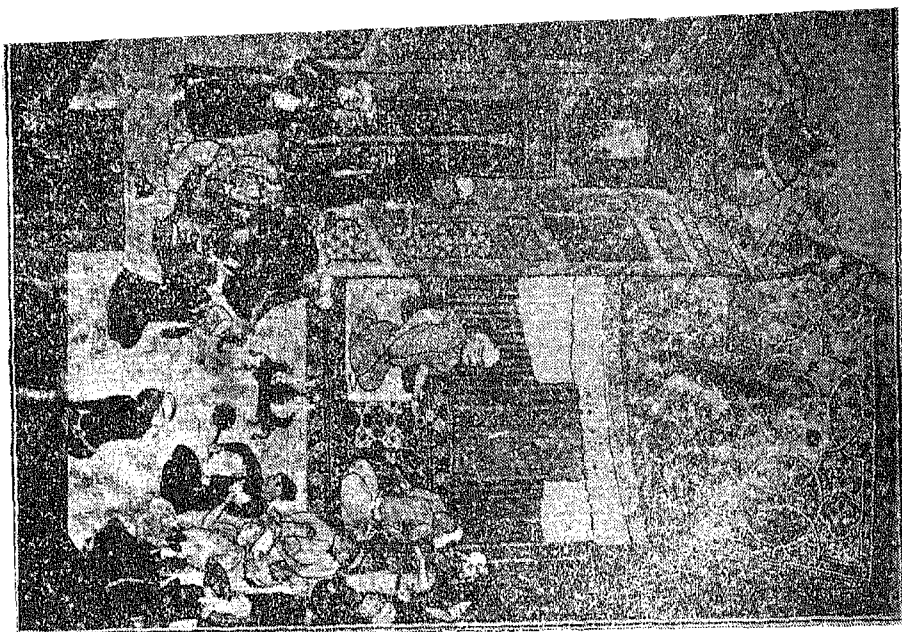
شکل ۲۸ و ۲۹ ، از سلطان حسین میرزا درمہمانی
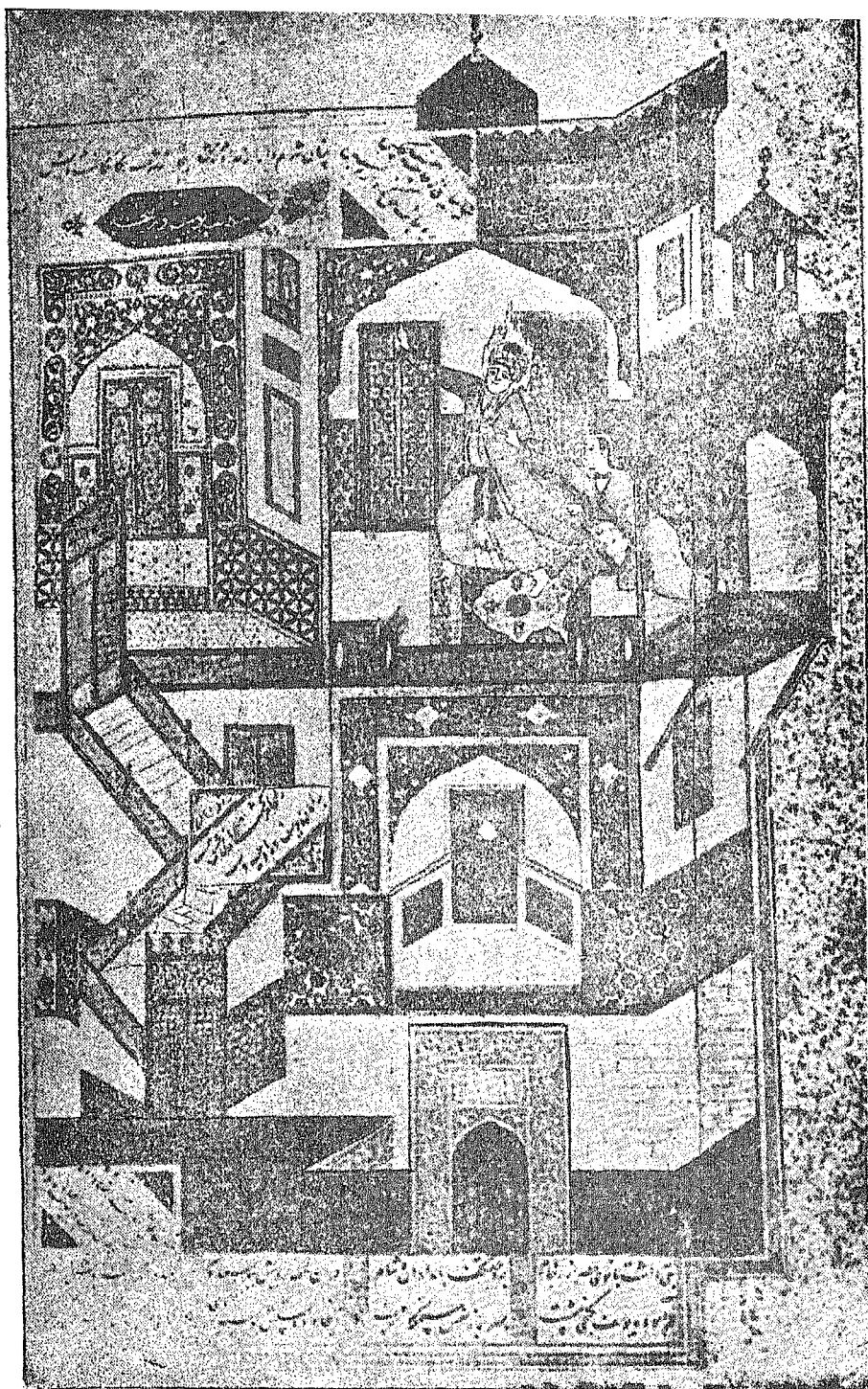
شکل ۳۰ فرار یوسف از زلیخا عمل بهزاد - از نسخه خطی بوستان سعدی کتابخانه مصر مورخ ۸۹۳

شکل ۳۱ شبان ودارا پادشاه ایران از نسخه خطی بوستان سعدی کتابخانه مصر ۸۹۳ هجری

تابلوی ۲٤

شکل ۲۲ ــ منظره‌ها در مسجد از بهزاد نسخه خطی بوستان سعدی کتابخانه مصر مورخه ۸۹۳ هجری

فقہاء در حالت مباحثہ عمل بہزاد از نسخہ خطی بوستان سعدی کتابخانہ مصر مورخ ۸۹۳

تابلوی ۳٦

شکل ۳٤– تصویر درویش بغداد (بهزاد) مجموعه شستریتی

شکل ۳۵ ــ تصویر ایرانی از تابلوی منسوب بژنتیلی بلینی نقاش بندقی قرن ۱۱ هجری
مجموعه دیتای قاجار

صنعتی وفنی ایران درلندن درسال ۱۹۳۱م بزرگترین توجه خود را دراینباب برعایت امضاء مینموده اگر چه همیشه بین آنها وبین رسیدن به نتیجه قطعی مراحلی زیاد و مسافاتی بعید بوده .

دیگر از جمله چیزی که دلالت بر بلندی مرتبه و جایگاهی دارد که بهزاد بآن رسیده این است که او برای خوشنویسان و اساتید خط هیچگونه نفوذی نسبت بخود قرار نداده و تقریباً جای خالی از برای ایشان در صفحات کار در نسخه های خطی باقی نمیگذاشته که در آن تصرفی بنمایند و یا برای روشن کردن موضوع که آنرا توسط تصاویر بایضاح میرسانیدند در مورد خود حکومتی نموده و چیزی را انتخاب کنند بلکه او خودش شخصاً آنچه راکه پسند او بوده انتخاب مینموده وازاینجهت اگرگاهی برای اساتید خط درصفحات مصوره جزچند سطرخالی میماند این در صورتی بوده که خود مستقلا درآن صفحه کار نکرده یا ازآن دورتر شده وهمیشه جهت تصویر دوصفحه برابر یکدیگر را اخذ مینموده و در آن صورت می کشیده .(۱)

در کتابخانه (یلدوزاستانبول) تصویری از کار بهزاد وجود دارد که شخصی طبیب را نشان میدهدکه خجالت اورافراگرفته وحالت شرم وحیا را ازخودمینمایاند و زمان این تصویر بدوره سلطنت خانواده صفویه راجع است و استاد (ساکسیان) درکتابخود «مینیاتور های ایرانی» آنرا نشر داده (۲) .

اکنون که ما برای نمایش دادن کارهائی که بنقاشی بهزاد منسوب استصعود نموده و بالا میرویم لازم است که آنرا بایك نوع محافظه کاری انجام داده و علاوه براین ما جزآنچه را که تقریباً باتفاق علماء و اساتید فنی برصحت نسبت آن ببهزاد است اسم نبریم .

ازآثارقسمتاول زندگانی بهزادیعنی ازجمله کارهای اودرهرات دوصورت است

---

۱ — مراجعه به Kühnel : Miniaturmalerei ص ۷ و Kühnel : Islamische Kleinkunst ص ۵۰ و ما بعد آن

۲ — مراجعه به Sakisian : La Miniatute Persane تابلوی ۷٤ شکل ۱۳۰

که برای (سلطان حسین بایقرا) و (محمدخان شیبانی) کشیده که یکی از آنها ناتمام است وبرای این دوصورت ارزش وبهائی خیلی زیاد است واین دوصورت اول چیزی است که ما درقسمت نقاشی ایرانی از تصاویر شخص حقیقی می بینیم که در آن شخصی را بشکل اصلی وهیئت و صفات جسمانی خود بدقت کشیده وتتبع وتحقیق را بکار برده و از جمله صوری است که کشیدن نظیر آن در آن عصر از اساتید فنی آسیا جز چینی‌ها وژاپونی‌ها برای دیگری مقدور نبوده واز استادان آنزمان احدی بمانند آن دراین حدود نقاشی ننموده . (۱)

استاد دکتر کونل (Dr. Kühnel) بطوریکه ملاحظه نموده‌دراینجا علامتی است که بیشتر صور ترسیمی ازکار بهزاد را تمیز وتشخیص میدهد وآن صاحب شکل و قیافه و صورت بربری است که شاید نقاش عالی مقام ما درآن بهترین وسیله را برای نشان دادن تفاوت وفرق بین قیافه بربری باقیافه دیگر اشخاص از جنس سفید پوست بنظر گرفته وگاهی ملاحظه شده که بهزاد ازکشیدن صورت زنان بقدری‌که توانسته اجتناب وخودداری نموده .(۲)

شایسته آن است که کتابخانه مصر (دارالکتب المصریه) به نسخه خطی خود ازکتاب (بوستان سعدی) که شامل پنج تصویراست افتخار نمایدکه دراین عصرحاضر تقریباً متین ترین اساسی است که استادی و مهارت و برتری بهزاد را میتوان بآنها استناد نمود زیرا اطمینان و اعتماد ما بصحت نسبت این صور بهزاد بیشتر از وثوق و اعتمادی است که در دیگرصورتها مشاهده میکنیم چراکه این نسخه خطی در نهایت بداعت و منتهای دقت در صناعت است و آنرا بزرگترین خوشنویسان آن زمان (میرعلی کاتب) در۸۹۳(۱۴۸۸) جهت (سلطان حسین بایقرا) نوشته و صورت او در اول این نسخه ترسیم گردیده . (۳)

طبیعی است که نقاشی مانند این چنین نسخه نفیس واینگونه تحفه بسیارممتاز

---

۱ - مراجعه شود به Sakisian : ibid ص ۶۷ – ۶۸

۲ – مراجعه شود به Kühnel : Islamische Kleinkunst ص ۵۰

۳ – مراجعه بتابلوی ۲۱ دو شکل ۲۸ و ۲۹

بخود بهزاد واگذار شده و در هرحال درآن چهار صورت است که بهریك امضاء این استاد بعنوان (عمل العبد بهزاد) تصریح گردیده (۱) .

دراین صورت مهارت وزبردستی فوق‌العاده ای پدیدار میشود که چگونه بهزاد درترکیب رنگها وحکایت نمودن ازطبیعت در اینجا امتیاز یافته و توجه در تشخیص هریك از اشخاص نسبت بیکدیگر و تعبیر و بیان حالات مختلفه و روحیه هریك را چگونه نموده و درصورتیکه تمثال ملك دارا را با شبان اسبان یا رمه بان وی نشان میدهد(۲)وچگونه‌موفقیت بهزادرا درکشیدن‌صورت طبیعی‌ریفی ووضعیت دهکده‌ای و برتری واستادی آن درترسیم صور اسب ها بخوبی معلوم مینماید ودرچهار صورت دیگریکی تصویر حضرت یوسف را کشیده‌که از زلیخا زن عزیز مصر فرار میکند . درآن موقعی‌که زلیخا برای فریفتن یوسف قصری هفت طبقه‌که دارای‌هفت دستگاه و ایوانی هفت‌گانه بوده . ساخته و در غرفه های داخلی هردستگاه صورتهائی‌کشیده شده‌که زلیخا بین دودست یوسف قرار گرفته و اندیشه اواین بوده وقتی‌که یوسف آنها را دید ناچار بدام او میافتد لیکن یوسف بمکر وتزویر او متوجه شده و خود را مشغول نماز نموده و درها را بازکرده ویوسف‌ازشر زلیخا نجات یافته ودر ترسیم این صورتهاآنچه راکه‌عادت ورسم ایرانیان‌در تصویر بوده ازپوشانیدن روی پیغمبران و برقع گذاشتن برروی ایشان و احاطه دادن سرهای انبیا را بدایره از نور مشاهده مینمائیم (۳) :

درصورت دیگر بعضی ازعلماء مذهبی و روحانیون را نقاشی نموده‌که در میان مسجد بمناظره ومباحثه علمی مشغولند (٤) . ودر صورت مناظر دیگری رادرمسجد

---

۱ — چنانکه در اول این نسخه خطی چهار صحفه رنگین (سرلوح) با رنگهای آبی و وطلائی و در کنار یکی ازاین صفحه ها عبارت زیر است «عمل‌العبد ماری‌المذهب» مراجعه به G. Wiet : L' Fxposition persane de 1931 ص ۷٤ و مابعد آن

۲ - مراجعه بتابلوی ۲۳ شکل ۳۱

۳ - مراجعه بتابلوی ۲۲ شکل ۳۰ وملاحظه‌به Arnold:Painting in Islam ص۱۰۵ و ما بعد آن

٤ - مراجعه بتابلوی ۲۵ شکل ۳۳

نشان میدهد (۱)

درموزه بریتانیا سه صورت در نسخه خطی کوچك از منظومات خمسه نظامی است که امضای بهزاد بر آن رقم شده و صنعت آن از ابداع و اختراع و دقت نظر بطوری است که مجال زیادی برای شك در صحت و درستی این نسبت نمیگذارد ودو صورت آن دو میدان جنك را نشان میدهد که فن نقاشی ایران بجانب تصویر مانند آندو صورت در قوه ونیروی تعبیر وبیان و آزادی فنی نخواهد رسید.

در آنجا صورتی درنسخه خطی از کتاب بوستان سعدی است که اکنون (مستر شیستر بیتی) دارنده آنست ودر بعضی از آن امضای بهزاد وجود دارد لیکن ما نمیخواهیم در اینجا هرچه راکه باین استاد نسبت داده میشود بمورد بیان و اظهار بیاوریم زیرا که مارا فرصت ومجالی برای مناقشه صحت این نسبت یا خطا واشتباه آن نیست(۲)

بعضی از مورخین فنی چنین اندیشیده اند: (بهزاد) شایسته آنهمه شهرتی که بآن نائل شده است نبوده وحق این است که مشکل است ما درکارهای اواز مهارت و زبردستی و توانائی خارق عادت چیزی را بیابیم که شایسته تمام این شهرتها باشد چنانکه نیز مشکل است او را مؤسس هنرستان یا طرازی نو بمعنای جدیدی که ما میفهمیم اعتبار نمود ولیکن باوجود این بهزاد نقاشی توانا وصورتگری قابل و ماهر بوده که در نزد وی تبدلات و تنوع نقاشی ایرانی وگوناگون شدن این فن در دوره هنرستان ایران وتاتار وهنرستان تیموری بدرجه کمال رسیده او تقدم خود را دراین خصوص باعلی درجه امتیاز رسانیده وپس از آن این استاد زبردست توانسته که بقدرت عجیبه وزبردستی ومهارت فوق العاده خود درتناسب فنی وترکیب نقاشی ورنك آمیزیها ومراعات اصول طبیعت و ملاحظه بکاربردن نکات و دقائق و اسرار صورت اشخاصی که کشیده و کار نموده آنها را تمامی متناسب باعملیات و حالات روحیه آنها قرار دهد.

۱- مراجعه بتابلوی ۲۵ شکل ۳۳

۲- مراجعه بتابلوی ۲٤ وشکل ۳۲ ومطابق با Binyon, Wilkinson & Gray:ibid ص ۹۸ - ۹۹ و Wiet : L'Exposition persane de 1931 ص ۷٤ — ۷۸

۳- مراجعه بمقاله ایکه استاد اتنکهوزن R. Ettinghausen از بهزاد درذیل دائرة المعارف الاسلامیه صفحه ٤۰ - ٤۲ ازنسخه فرانسه نوشته ومطابق با Arnold : Painting in Islam

ما میتوانیم بگوئیم که بهزاد بواسطه تمام این عملیات توانسته که خوشنودی و رضای خاطر معاصرین خودرا فراهم نماید وبشهرتی برسد که هیچیك ازاساتید فنی دیگر دردنیای اسلامی با او برابری ننمایند .(۱)

قاسم علی :

دراین موقع استادی دیگری درنیمه دوم قرن نهم‌ه(۱۵ م) درهرات بحدکمال رسید که برای مورخین فنی اسلامی نام او ناشناخت ومجهول مانده وگاه میشودکه بین آثار وکار اوبا آثاروعمل بهزاد اشتباه میکنند حتی اینکه استاد(ساکسیان) برای تحقیق ورسیدگی تصاویری که ازاستاد مذکورنمایش داده وامضاهائی که منسوب باو دانسته بخطا رفته وخطای او آشکار شده .

در نسخه خطی از اشعار خمسه نظامی که تاریخ آن ۸۹۹ (۱۴۹۳) است و اکنون در موزه بریتانیا بایگانی شده امضاء (قاسمعلی نقاش) در تصویری ازاین نسخه رقم شده که برای امضاء دروغی منتسب به بهزاد هم وجود دارد .(۲)

باوجود اینکه امضای قاسمعلی جز در یکی ازهفت صورت از صور این نسخه بظهور نرسیده ساکسیان عقیده دارد که شش صورت در این نسخه تصویری باشد که مدرسه درهوای آزاد را نشان میدهد . (۳)

دراینجا معلم پیری دست دراز نموده تاکتابی راکه یکی ازشاگردان باونشان میدهد بگیرد و این شاگرد که آنرا زحمت رنج و تعب لاغر و ناتوان نموده وحالت خواب وپینکی برای او دست داده ودوشاگرد دیگر که داخل درموضوعی شده اند که هیچگونه علاقه وپیوستگی بدرس وبحث ندارد وآندودختر جوان که بنحوی از غنج و دلال و شرمندگی وانفعال درگفتار با همکار خود استعانت و یاری میجویند و درخت کاج پرشاخه ایکه برسر معلم وشاگردان سایه افکنده تمام اینها ازجمله آثار جمیله و زیبائی است که درکانون دلها جا میگیرد وقلوب را بجانب خود میکشاند .

۱ - ایرانیها نبوغ تصویر را بمانی و بهزاد مثل میزنند

۲ - Sakisian : La miniatute Persane ص ۷٤ و ما بعد آن

۳ - مراجعه بتابلوی ۲۹ شکل ۳۹

و نیز از جمله صور زیبا وممتاز صورتی است که جمعی از زنان را در خزانه حمام نشان میدهد که برخی ازایشان درحال طرب و شادی بوده و عود مینوازند و یکی از آنان دست رفیق خودرا گرفته و اورا برای فرود آمدن درآب میخواند و از روزنه ایکه ببرکه آب وخزانه حمام پیوسته است نظر بیگانه بجانب آنها نگران شده و در طرف چپ این صورت باغی است که در آن بدرختهای سرو و نیم درخت های گلدار و پرشکوفه نمودار است .(۱)

امضای قاسمعلی در صورتی از نسخه خطی کتابخانه بودلیان اکسفرد بدست آمده که تاریخ آن ۸۹۰ هجری (۱۴۸۵) است و این صورت جماعتی از صوفیه را نشان میدهد که در باغی گردهم بر آمده بصحبت و اختلاط مشغولند (۲) .

درهرصورت صوری که درنمایشگاه ایرانی لندن بنمایش گذارده شده ۱۹۳۱ مؤید مطالبی است که مورخ مشهور (خواندامیر) (۳) ازقاسمعلی ذکر کرده و مهارت فوق العاده او را در ترکیب و طرز رنگ آمیزی و طرح و رسم صور اشخاص اظهـار نموده .

ازجمله کسانیکه از شاگردان بهزاد نقاش اشتهار یافته‌اند شیخ زاده خراسانی و میرمنصور سلطان و آغا میرك ومظفرعلی است که عنقریب در فصل آینده از ایشان سخن بمیان خواهد آمد (٤) .

هنرستان بخارا

قرن دهم هجری

هرات در سنه ۹۱۳ (۱۵۰۷ م) در دست غارتگران و یغمائیان ازبك که در رأس ایشان خان شیبانی بوده سقوط نموده وحاکم هرات که در آنوقت (امیربدیع -

---

۱ - مراجعه بتابلوی ۲۹ شکل ۳۸

۲- مراجعه بتابلوی ۲۰ شکل ۲۷

۳- مراجعه به Wilkinson و Binyon و Arnold Paioting in Lslam ص ۱۳۹-۱٤۰ & Gyrayibid ص ۱۹

٤ - مراجعه به Arnod ibid . ص ۱٤۱ - ۱٤٥
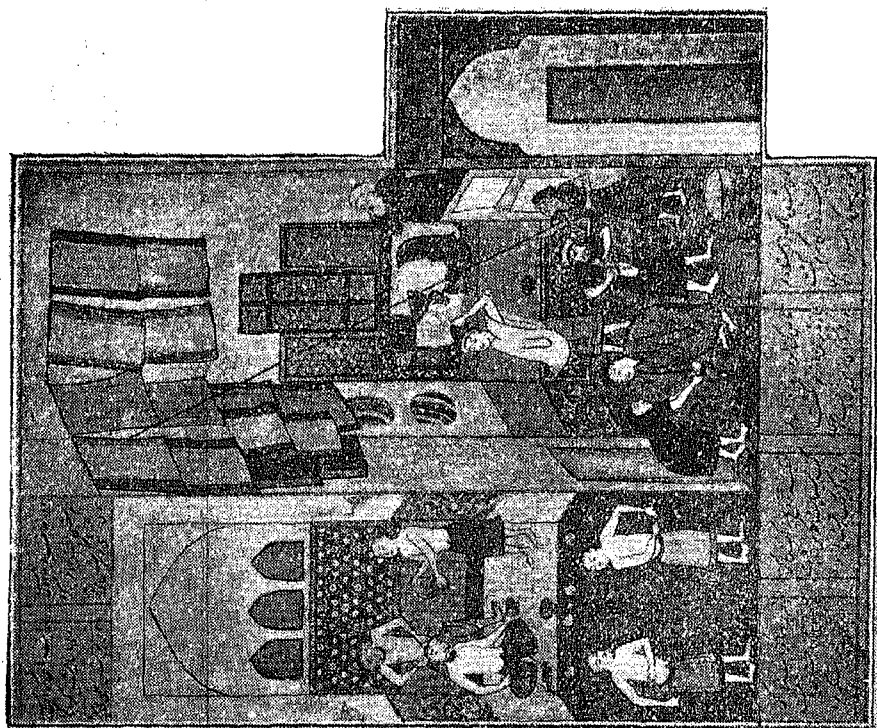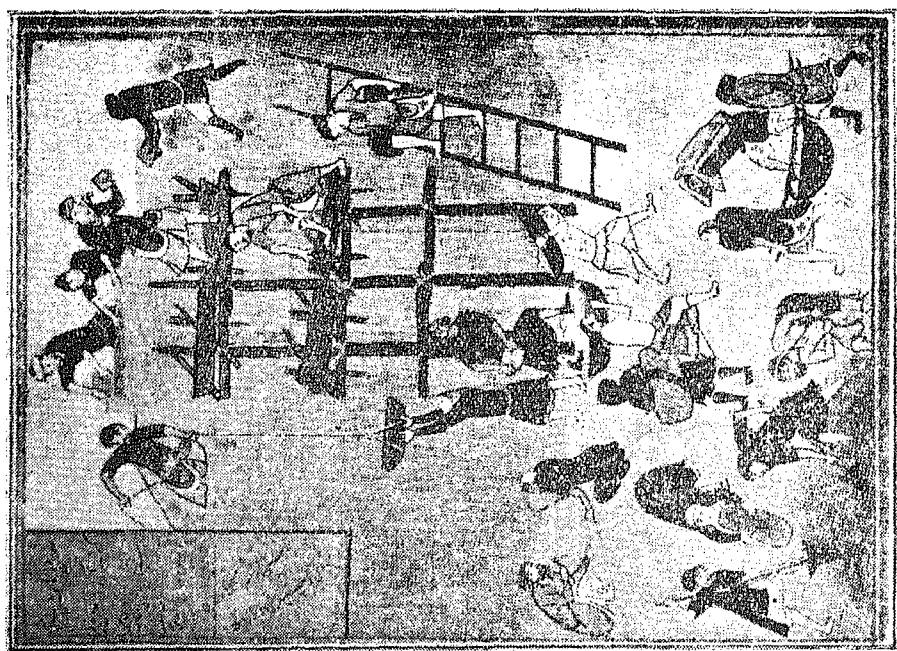
شکل ۳٦ منظره در حمام (گرمابه)

شکل ۳۷ بنای مسجد از نسخه خطی موزه بریتانیا

شکل ۲۸ ـ زنها درحمام و نظر بیگانه بایشان
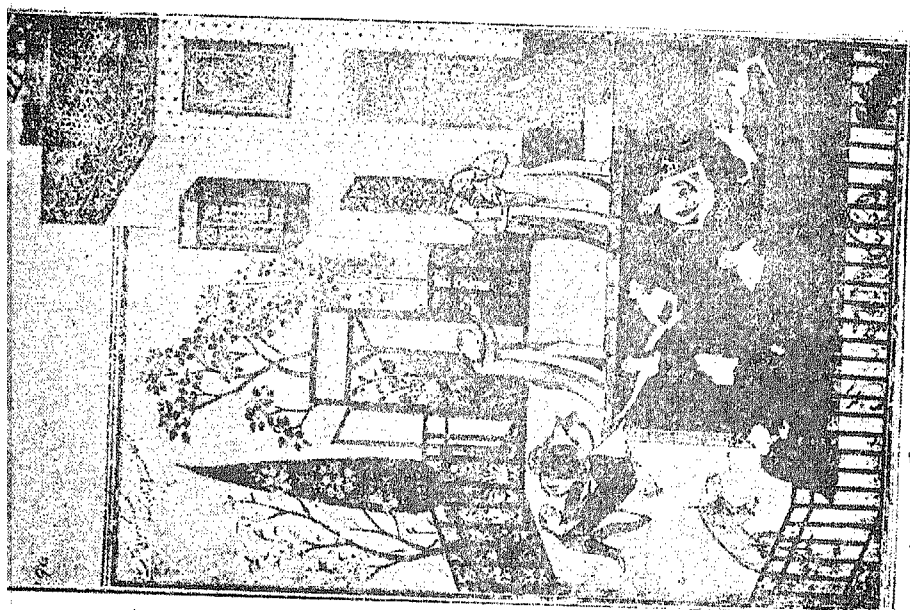
شکل ۲۹ـ آموزشگاه درهوای آزاد

عمل قاسم علی سنه ۸۹۹ﻫ از نسخه خطی خمسه نظامی سلطان حسین میرزا ـ موزه بریتانیا

تابلوی ۳۰
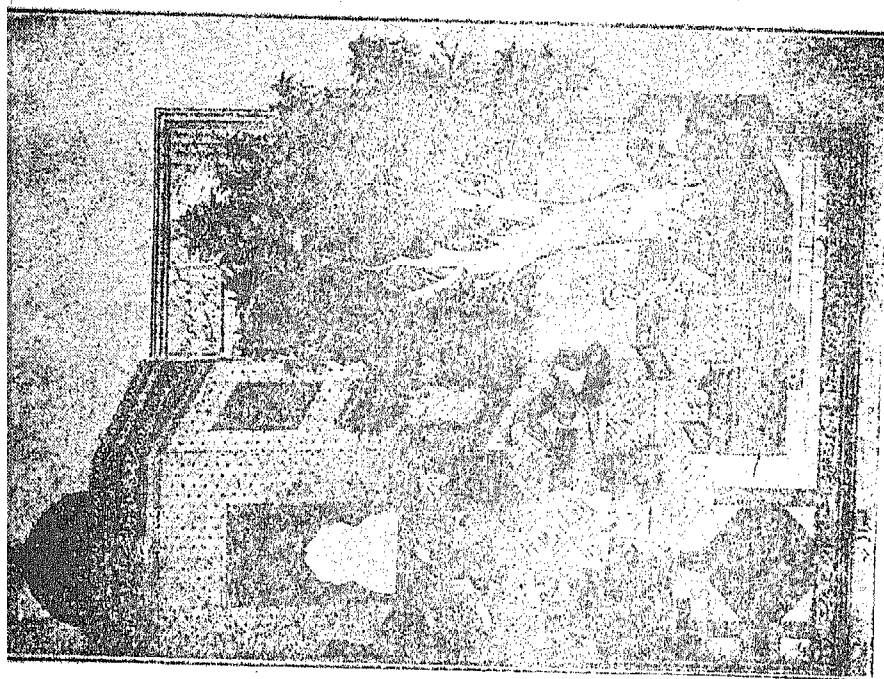
شکل ۴۰ پیرزن و داد خواهی او از سلطان سنجر عمل محمود مذهب هنرستان بخارا
کتابخانه ملی پاریس

ضمیمه تابلوی ۳۰

شکل ۱٤ سلطان سنجر هنرستان بخارا عمل محمود مذهب از مخزن الاسرار نظامی
کتابخانهٔ ملی پاریس

تابلوی۳۲
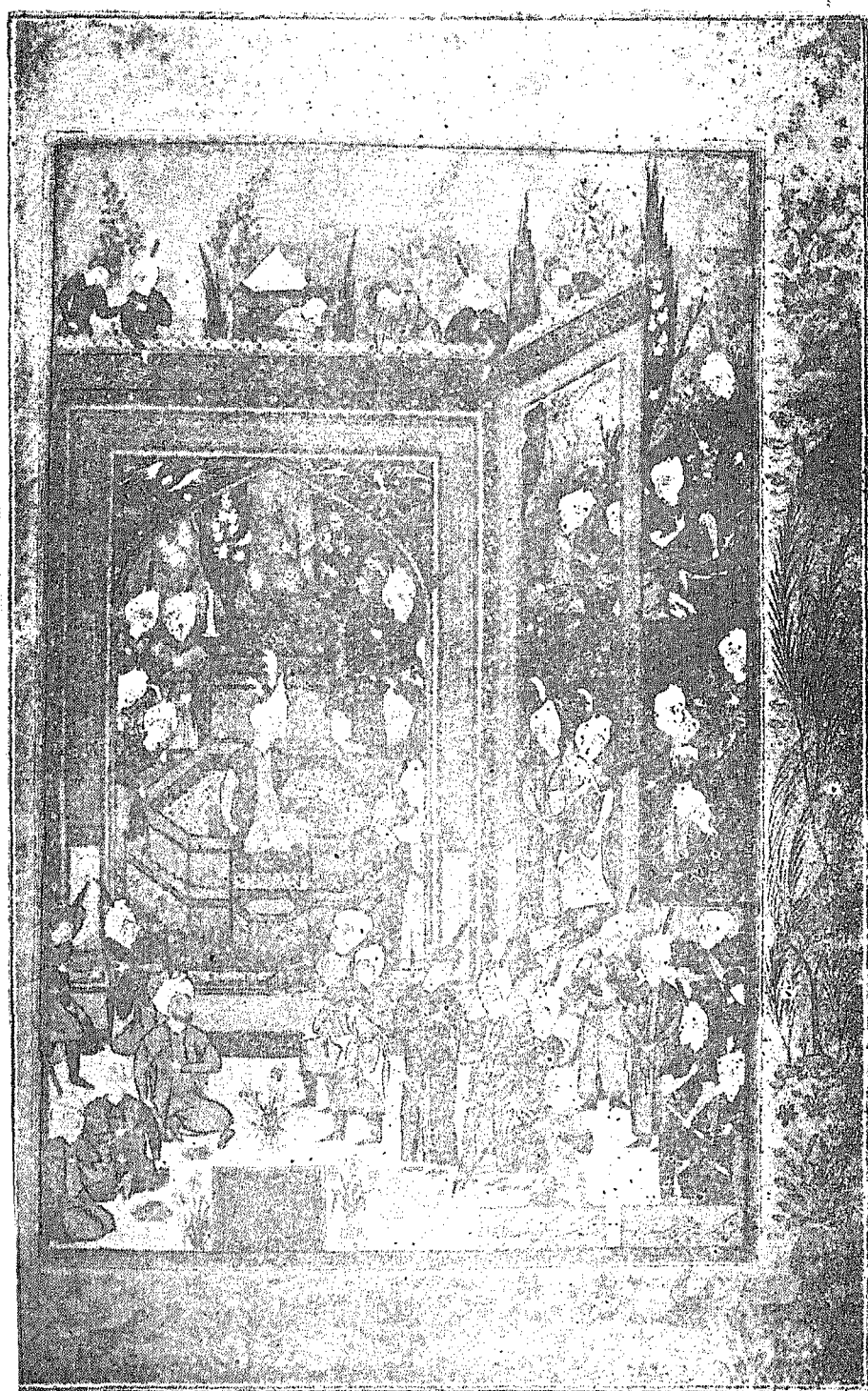
شکل۳۴ مناظره دو پزشک هنرستان صفویه قرن ۱۰ هجری نسخه خطی شاه طهماسب موزه بریتانیا

الزمان) بوده به تبریز فرار نمود .

اگرچه سرآمد و رکن ایشان که (بهزاد) بود درهرات ماند در هرحال غلبهٔ و پیشرفت شیبانی‌ها چندان دوام نیاورده وطولی نکشید که شاه اسمعیل صفوی بحکومت آنها خاتمه داده و امیر ایشان محمد خان شیبانی را در جنگ مرو سال ۹۱۹ هجری شکست داد ۹۱۶ ه (۱۵۱۰ م) سپس خراسان را بمتصرفات خود ضمیمه نمود ولی این تمدن وترقی هرات بآن پایه و درجه باقی نماند . شیبانی‌ها که درسمرقند و بخارا حکومت مینمودند از بین رفته و از بلاد ماوراء النهر چیزی در دست ایشان نماند خراسان هم روی خود را بجانب تبریز گردانیده و بسیاری از هنروران و اساتید فنی بطرف تبریز گرائیده و مهاجرت گزیدند و نیز مردمی زیادی از دیگر مردمان بسمرقند و بخارا هجرت نموده و برخی ازایشان درهرات ماندند چنانکه نسخه‌های خطی چندی که دراوایل قرن ۱۱ (ثلث اول از قرن ۱۶) نوشته شده بر آن دلالت دارد وبریکی ازصور آن نام (محمد مؤمن) رقم شده (۱) .

درسال ۹٤۲ (۱۵۳۵) دوباره مقدور شد که ازبك برهرات استیلا یافته آنجا را غارت کند لذا ازبکها بآنجانب تاخت و تاز نموده و تمامی آنحدود را بمعرض نهب وغارت درآوردند و در اثر آن بسیاری از بقایای رجال فنی وهنرپیشه گان که در هرات بودند ببخارا مهاجرت نمودند ، شاید چیزی که آنها را برفتن بخارا بیشتر تشویق مینمود آن بوده که مردم خراسان بعد از فتح صفویه پیرو مذهب شیعه شدند و از احتیاجی که باین مذهب داشتند پذیرفتار این مذهب گردیدند درصورتیکه شیبانی ها مانند اسلاف و گذشتگان خود از تیمور و جانشینان او سنی بودند .

آنچه که معروف است تعداد تصاویر هنرستان بخاراکم و اندك است ولیکن باوجوداین درنمایشگاه صنعتی ایران درلندن ۱۹۳۱ بین اشیاء نمایشی مقداری زیاد ازآن تصاویررا بمعرض نمایش گذاشته بودند وبعضی از تصاویر نامبرده کار استاد صورتگر (محمود مذهب) بودکه در سر استادان این هنرستان قرار داشته و سرآمد اساتید هنر بوده .

---

۱ — مراجعه به Sakisian La Miniature persane ص ۸۸

علاوه بر این بدیعتر چیزی را که ما از کار این استاد هنر میشناسیم تنها صورتی است که در نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس موجود است و آنرا جهت قسمتی ازمنظومه خمسه نظامی(مخزن‌الاسرار)کشیده این نسخه‌را دربخارا سال ۹٤٤ (۱۵۳۷) خطاط مشهور (میرعلی) نوشته لیکن تاریخ تصویری‌که درآن است ۹۵۳ هجری (۱۵٤٦ م) میباشدکه درآنصورت (سلطان سنجر سلجوقی) راکشیده و شاه با حواشی و اطرافیهای خود براهی روان است و پیرزنی دامن سنجر را گرفته و دادخواهی میکند تا ستمی راکه بوی رسیده بازخواست نموده و رفع آن ناروائی را از وی بنماید(۱) .

صوری‌که درنیمه اول قرن دهم هجری (۱٦ م) دربخاراکشیده شده بواسطه ثابت بودن رنگها وتابش آن وپدیداری اثر بهزاد در آنان از دیگران ممتاز گردیده واین موضوع تعجبی ندارد زیراکه هنرستان بخارا جزدرطول وامتداد دوره تیموری نبوده و از اولین نمونه آن نسخه‌ای از (بوستان سعدی) است که در کتابخانه ملی پاریس موجود است و نیز کتابی است‌که درسال ۹٦٤ هـ (۱۵۵۵ م) در بخارا نوشته شده و با تصاویر زینت و آرایش یافته‌که شباهت بسیار بکار بهزاد درنسخه بوستان سعدی داردکه در دارالکتب مصریه (کتابخانه‌ملی مصر) موجود است(۲)

گذشته ازاین درآن‌کتابخانه نسخه خطی از (دیوان جامی) موجود است‌که جزءکلکسیون (مجموعه) دیمرت (Demotte) قرارگرفته وتاریخ‌آن مربوط بسال ۹۸۳ (۵۷۵) میگردد ولیکن این‌نسخه شامل صورت بسیارظریف وممتازی است‌که چهره و سیمای مرد و زنی را نشان میدهدکه با یکدیگر برخورد و ملاقات میکنند و بر آن امضای استاد معروف (عبدالله نقاش) است که در صورت مذکور تمام مزایا و خصایص فن نقاشی اواخر قرن نهم هجری (۱۵ م) موجود است

---

۱ - لوحه سه شکل ٤۰ و ٤۱ که در آن ملاحظه سرپوشها در صور مدرسه بخارا بعمل میآیدکه ازکلاههای بلند ترک‌دار بوده بعمامه در قسمت زیرین خود احاطه دارد مراجعه بصورت (پیرزن و سلطان سنجر) L' Binyon the Poëms of Nizami ص ۱۵

۲ - Blochet : Les Enlusminures دو تابلوی ۵۷ و ۵۸

حق این است که نقاشی در بلاد ماوراءالنهر دامنه وسیعی نیافته و مدت زیادی در آنجا رونق و جلا نداشته معذلك هنرستان بخارا جمود و وقفه و عدم تنوع و تطور خود را حفظ نموده و در آن فنا و اضمحلال و نطوری که در قسمت نقاشی و طرز و اسلوب آن در دوره صفویه از نیمه قرن دهم شروع شده او بحال خود باقی مانده و این وضعیت را محفوظ داشته .

خلاصه بهر طوری که بوده دوره نقاشی بخارا تقریباً در انتهای قرن دهم خاتمه یافته و بلاد ماوراء النهر از هنر نقاشی ایرانی غریب و بیگانه میشود چنانکه قبل از سقوط و انقراض تیموریان هم آنجا باین فن بیگانه و ناشناس بوده است .

---

۱ - مراجعه شود Diamand A . Hand Book ص ٤٤ - ٤٦

فصل ششم

هنرستان صفویه

دورهٔ فرمانفرمائی وسلطنت خانوادهٔ صفویه در ایران عصر رفاهیت و روزگار آسایش وخوشگذرانی وفراوانی نعمت وزمان ترقی وپیشرفت هنر و صنعت است در این عهد پیشرفت ها وتحول زیادی درفنون و هنر رخ نموده و صنایع و فنون مراتبی عمده را پیموده مخصوصاً هنر نقاشی درنیمهٔ اول حکومت طولانی این دودمان بدرجهٔ بلندی از ابداع وتازه‌کاری واستواری رسیده وبرای آن‌تعجبی نیست زیراکه استیلاء **شاه اسمعیل** برهرات (۹۰۷ ـ ۹۳۰) ـ (۱۵۰۲ ـ ۱۵۳٤) ومهاجرت اساتید پیشه و هنر بپای تخت شاه در تبریز پس از آن انتخاب و تعیین (بهزاد) از طرف شاه بمدیریت کتابخانه شاهی که درآن وقت شبیه ترین چیزها بیك « **هنرستان پیشه و هنرهای زیبا** » بوده مستلزم این‌گونه پیشرفت بود وگوئیم که اینها تمامی باعث بر تاسیس و ایجاد هنرستان نوینی بود که در سرآن بهترین خوشنویسان و نقاشان و سرامدان هنر قرارگرفته وآنان مابین هنروران هرات گلچین وبرگزیده بودند

واز اینجهت روابط استواری بین فنون هنرستان صفویه در آغاز پیدایش آن وبین تقالید وتبعیت فنی در دورهٔ ایکه بهزاد وهمکاران وهنر آموزان زمان اوبدان برتری وتفوق یافته بودند پیداشده

با این وصف جنگهائیکه همواره **شاه اسمعیل** بآن دچار وگرفتار بوده بهره ونصیب او را در استوار نمودن این‌کار و تقویت آسایش پیشه وهنر کمتر از سهم و نصیب پسرش **شاه طهماسب** نموده‌که بعد از وی برفراز دیهیم وتخت ایران جانشین اوگردیده ۹۳۰ هجری (۱۵٤۲ م)

شاه طهماسب تا سال ۹۸۴ (۱۵۷۶ م) در ایران فرمانروائی و شاهی داشته و خودشاه هم نقاشی زبر دست و توانا بوده و هنر صورتگری را از نقاش معروف « سلطان‌محمد » فراگرفته وبین او با بهزاد و آغامیرك رابطه ای‌شایسته ودوستی وصداقتی ممتاز وپسندیده بودهٔ (۱)

معروف است که کوچك شماری و استحقاق یا تحقیر و بی اعتنائی بنقاشان و هنرپیشه گان درخانواده صفویه تقلیل یافته واهمیت پیدانمودند درصورتیکه پیش از آن حق آنها ضایع وجاه ومنزلت ایشان پست وبی اهمیت بوده و اعتنائی باین هنر پیشه‌گان نمی نمودند واین تحول راباعث وسبب چنین‌شدکه امراء وبزرگان رجال دولت و اشراف کشور درجمع آوری عمل وآثار هنرپیشه‌گان پیروی نموده واهتمام زیاد درنگاهداری‌آن بخرج میدادند ودردنبالهٔ این کارنسخه های‌خطی وزیباونفیسی بوجود آمد که هرکدام دارای شماره ای بسیار از نقوش وصور بودند (۲)

در نقاشی های دورهٔ صفویه شکوه وعظمت این عصر وابهت وجلال این‌زمان هویدا وآشکار خواهد شد و بیشتر موضوعی که برای کشیدن تصاویر و طرح صور نقاشی گرفته شده وضعیت زندگانی و چگونگی حیات درباری و طرز روحیات طبقه اشرافی ورسم کاخهای زیبا و باغات دلگشا و شاداب بوده صور اشخاصی‌که در این تصاویر ترسیم شده تمامی باقامت های رسا وقدرعنا وپوششهای فاخر وزیبا امتیازیافته اند ولی رسوم آنها منتهی درجه درنازك‌کاری ودقت وتناسب است‌چنانکه رنگهای‌آن تنوعی زیاد داشته و آمیزش آن بمناسبت شده ودرمیانه‌آنان رنگهائی روشن وتابان و فرح افزا ودرخشان است و از جمله الوانی است‌که هنرستان تیموری بدان امتیاز واشتهار یافته

در این تصاویر رنگهای مناسب وملائمتر دیگری وجود داردکه در مورد آن

---

۱ ــ مراجعه شود به Sakisian : La ص ۱۱۹ و Blochet ; notice sur la Miniature Persaneo collection Marteau ص ۱۳۷ ــ ۱۳۸

۲ ــ مراجعه شود به فصل اول کتاب Painting in Islam سرتوماس ارنولد

جز توجه بظاهر و برگزیدن موضوعات صور و تناسب و ترکیب تصویری بطور کلی نیست (۱)

ازجمله چیزی که مشخص ومبین نقاشیهای دوره صفویه است مخصوصاً آنچه‌را که پیوسته بازمنه اوایل آن میباشد لباس وپوشش سر اشخاص است که آن عبارت از عمامه‌ای‌ست که بحالت استداره‌وگردی‌درست شده واز بالای آن‌علامت‌یامیلهٔ کوچك سرخ رنگی نمودار میباشد ودرهر تصویری که وجود اینگونه علامت مشاهده شد دلالت دارد که نقاشی آن مربوط بدورهٔ خاندان صفویه‌بوده اگرچه بودونبود غیر آن مستلزم این نیست که صورت مربوط بغیر این دوره وزمان باشد .

ظـاهر این است که علامت نامبرده درآغازکار از شعار افراد خانواده صفویه وپیروان آنها شمرده شده ورنك این علامت همیشه سرخ‌بوده چنانکه درتصاویریکه مربوط باوایل عصر صفوی است این علامت دیده میشود ولیکن اهمیت ولزوم آن چندان دوام نیافته وطولی نکشید که‌کمی وتقلیل پذیرفت وخودمردم بانقاشان‌رنك آن نشانه را درموقعی که قدمت‌خانوادگی صفویه پابرجاگردید واگذاشته و متروك داشتند چنانکه ترك نموده وبرای آن مجال مقاومتی‌نماند حتی‌اینکه برای ما ممکن است که هم بعد از وفات شاه طهماسب این علامت رابکمی وندرت دیده و مشاهده کنیم (۱۹۷۶ ـ ۹۸۴ ﻫ)

ـ ازجمله چیزی که قرن دهم هجری (۱۶ م) درتاریخ‌نقاشی ایران بآن‌امتیاز یافته وحدت سیاسی دورهٔ صفویه درصنایع مختلفه مابین‌نواحی مختلفه ومتفاوته‌است که این موضوع در هرجا اختلاف و تفرقه را از بین برده بطوریکه تمیز و تشخیص مابین تصاویریکه درشرق دولت امپراطوری کشیده شده باتصاویری که‌درغرب‌ومرکز کشور تهیه نموده اند مشکل گردیده زیرا استادان فنی و هنروران در تمام اطراف و نواحی یا گوشه وکنارکشور امپراطوری از سرامدان هنر ونقاشان دربار تبریز وقزوین پیروی وتقلید مینمودند و در این بین جز تفاوتی اندك بین محصولات فنی و کارهای دستی استادان در بخش‌های مختلفه‌کشور دیده نمیشد .

---

۱ ـ مراجعه شود به Glück und Diez : Kunst des Islams ص ۹۷ ـ ۹۸

در آنجا چندین نسخه خطی وجود دارد که تصاویر آن دورهٔ انتقال از مدرسه تیموری هرات را بزمان شاه اسمعیل و پسرش شاه طهماسب نشان میدهد واز مهمترین نسخه های خطی نسخه ایست که در کتابخانه ملی پاریس موجود است و آن نسخه در هرات برای امیرعلیشیر نوائی درسال ۹۳۵هـ ۱۵۲۷م نوشته شده و احتمال دارد که آنچه از تصاویر در این نسخه اضافه شده در تبریز بدست بهزاد و شاگردان آن انجام گرفته باشد(۱)

درموزه « متروپولتیان نیویورك » نسخه خطی زیباو نفیسی ازمنظومه خمسه نظامی است که آنرا سلطان محمد نورخوشنویس بزرك مشهورنوشته ودرآن پانزده تصویر کشیده شده که هر کدام بارنگهائی زیبا وتابان شایسته و ممتاز گردیده وبرسوم فنی وتزیینائی اعلی وآرایشی لطیف و دقیق امتیاز یافته وشخص نمیداند بکدام یك ازرموز و دقایق یاریزه کاریها وظرایف آن اظهار تعجب بنماید :

آیا بصورتی که لیلی و مجنون را در مدرسه نشانداده و درآن بیتی بفارسی نگاشته شده که از معلم درخواست میکند ؟ : « باین دخترك خرمائی مو که صاحب موی زیبا است جز گفتار خوش و سخنان دلکش و پسندیدهٔ که او بدان سزاوار است یاد ندهد » (۲) یا بهفت صورتی که « بهرام گور » را با هفت شاهزاده خانم « دختران سلاطین هفت کشور » که از دواج نموده و هریك از ایشان را در یکی از هفت گنبد یـا کاخهائی که هـرکدام بیکی از رنگهای هفتگانه امتیاز یافته : « سیاه ـ زرد ـ سبز ـ سرخ ـ صندلی ـ سفید ـ کبود فیروزه » ملاقات و دیدن مینماید (۳)

مارتن عمل تصویراین نسخه خطی را به آغامیرك نسبت داده و ساکسیان آنرا از محمود مذهب میداند (٤)

---

۱ ــ مراجعه به Binyon, Wilkinson & Gray ; ibid ص ۱۰۷ ــ ۱۰۸

۲ ــ مراجعه به Dimand : A Handbook ص ۳٦ ــ ۳۸

۳ ــ مراجعه به Dimand ; ibid تابلوی اول و مطابق با L.Binyon : The Poems of Nizami ص ۲۷

٤ مراجعه به Dimand:ibid ص ۳٦ - ۳۸ و Sakisian : La Miniature Persane ص ۹۷ ــ ۹۸

گذشته از این زیباترین کتاب ونفیس ترین نسخه خطی قرن ۱۰هجری (۱٦م)
بطور کلی نسخه ایست که شامل منظومهٔ خمسه نظامی شده که آنرا بین سالیان
۹٤٦ـ۹٥۰ـ۱٥۳۹ـ۱٥٤۳) برای شاه طهماسب نوشته اند و بقلم خوشنویس وخطاط مشهور
شاه محمود نیشابوری نوشته شده این نسخه بچهارده صورت و بمجلس بزرك وزیبای عمده
زینت شده و از نفیس ترین آثار تاریخی **موزه بریتانیا** از نفایس شرقی شمرده
میشود وچندان تعجبی ندارد که آن ازانفس نفایس شرقی شمرده شود زیرا که بر آن
امضاهای بزرگترین اساتید فنی وسرامدان هنردوره صفویه که از آن جمله : **سید
علی - سلطان محمد - میرك - میرزا علی - مظهرعلی** است رقم گردیده -
صفحات این نسخه تمامی بهوامش و حواشی تذهیب شده که در آن نقش و نگار نباتی
و رسوم حیوانات طبیعی وخیالی وجود دارد در اغلب صوریکه در این نسخه کشیده
شده بر آنها امضاهائی است که گاه میشود از نگارش نویسندگان خود استادان فنی
وسرامدان هنر نبوده وشکی نیست دراینکه اساتید مذکور با آنها معاصر بوده اند وممکن
است که بصحت این امضاها وثوق پیدا نمود اگرچه استبعاد ندارد که تمام صورتها بقلم
یك نقاش انجام گرفته باشد .

استاد بنیون Laurence Binyon این تصاویر را با تحقیقات وتتبع کاملی در
موضوعات منظومهٔ خمسهٔ نظامی نشر داده (۱)

پنج صورت ازتصاویر این نسخه را به میرك نسبت میدهند وواقعش این است
که مصادر تاریخی ایران وترك سه نقاش را باین اسم نام برده اند :

اول - خواجه میرك که درهرات اواخر قرن نهم هجری (۱٥ م) زندگانی
مینموده و درزمان استیلاء محمد خان شیبانی بر هرات در آن شهر وفات یافته

دوم - حاج میرك است که از خوشنویسان وخطاطان بخارا بوده

سوم - که ازهمهٔ آنها مشهورتر است آغامیرك اصفهانی اصل است که دردربار
شاه طهماسب درتبریز کار میکرده وباوصوری راکه بنام وی امضاشده دونسخه خطی

---

۱ - مراجعه شود به The Poems of Nizami, described by Laurence Binyon 1928

که ما درصدد آن هستیم نسبت داده اند (۱)

سام میرزا برادر شاه طهماسب در سنه ۹۵۷ - (۱۵۵۰ مینویسد **آغا میرك** نقاش دربار است که تالی ندارد و برای آن هیچ رقیبی نیست **واعالی** مورخ ترك ذکر میکند که آغامیرك شاگرد بهزاد بوده ودونفر ازکبار مصورین وسرامدان هنر نزد اوکارکرده و درس خوانده اند - آندو یکی : **سلطان محمد** تبریزی است که بزودی از آن نامبرده میشود - دیگری ، **شاه قلی** است که در دربار **سلیمان‌خان** قانونی کارمینموده

شکی نیست که مهارت و استادی و زبر دستی و استادی **آغامیرك** و مراتب آگاهی و دانائی او در فن نقاشی در این صور پنجگانه که یکی از نمایش **کسری انوشیروان** را داده که شاه‌کوش بگفتار دوجغدی میدهد که بایکدیگر روی خرابه های کاخی‌کهن سخن میرانند ونقاش آنها را بطرزی روشن و آشکارا نشان داده‌که بخوبی جالب نظر وتوجه است ودرصورت دوم دیده میشود که مجنون ، لیلی را در در صحرا دیدن نموده وگرداگرد مجنون را حیواناتی از درندگان و وحوش بیابانی فراگرفته و استاد صورتگر صورت‌آنان را درنهایت دقت‌باظرافت‌وزیبائی زیادکشیده ودربین این سه صورت باقی مانده مناظری است‌که در بار شاه وانجمنهائی را نشان میدهد که درآنان آثار عظمت وجلال نمودار است (۲)

دراین‌نسخه‌دوصورت‌رابسلطان محمدنسبت‌داده‌اند .اول‌صورت خسرواست‌که ناگهانی درحالت تن شوئی و استحمام ببالای سر (۳) شیرین رسیده و دومی بهرام گور است که بشکار شیر مشغول شده و این دوصورت برای متانت و قوت ترکیب ورنك آمیزی‌کافی است که بالاتر از آن در این مورد تصور نمیرود و نیز مراقبت و دقت زیادی در ایندو صورت نسبت بتناسب آن با طبیعت و مراعات اصول طبیعی بامهارت فوق العاده در رسم صورآدمی وحیوانات‌مخصوصاً اسب‌بعمل‌آمده ودرخود نسخه تصویر دیگری است‌که پیرزنی را مینمایاندکه از **سلطان سنجر** داد خواهی

---

۱ - مراجعه شود به Sakisian ; La Miniature Persane ص ۱۰۹ و ما بعد آن

۲ - مراجعه بتابلوی ۳۱ شکل ۴۲

۳ - مراجعه بتابلوی ۳۵ شکل ٤٦

نموده و از سلطـان میخواهد تابستمی که باو رسیده رسیدگی و دادرسی نماید .
حیواناتی که در این صورت کشیده شده باتفاصیل دیگران مارا وادار نمینماید
که با استاد ساکسیان در نسبت دادن آن بسلطان محمد موافقت نمائیم (۱)
علاوه بر این ماقسمتی از تاریخچه زندگانی این استاد را میشناسیم مخصوصا
بعدازاینکه ساکسیان اشتباه چیزی راکه مارتن (۲) ازوی نوشته بثبوت رسانیده در
هرصورت تصویری که بنظر ما رسیده متضمن این است که حرفهای زیادی در باره
آن بگویند .

شاید بدیعترین صورتی را که سلطان محمد تصویر نموده و حرکت دارتر
وسبکروح تر ازهمه وخوش طرح ترازتمام کارهای اوصورتی باشدکه درنسخه‌خطی
ازدیوان حافظ کشیده .

استاد نامبرده در این تصویر مجلس بزم وباده گساری رانمایش داده که در آن
پیاله هادوزرده ومردمی بعیش و نوش مشغول ودیگران بحالت رقص وطرب در آمده
وبعضی ازفرط شعف بروی زمین میغلطند واشخاصی دیگردیده میشودکه از اثرباده
بحالت مستی درآمده وکف بلب آورده اند وشیخی رانشان میدهدکه آینه در دست
گرفته و صورت خود را می بیند و فرشتگان نیز در کار باده نوشی شرکت نموده
وازکنگره ایکه مشرف بردیگران است اشتراك میجویند درحالیکه نوازندگان همه
را بطرب آورده و بین آنان سه صورت دیدهٔ میشودکه شبیه تر ازهر چیز بصورت
بوزینه بوده ودرگوشه ازاین تصویر منظرهٔ باغی است که بغرفه پیوسته واتصال دارد
ودرآن مردی ایستاده که در دست اورشته درازی است که ازطرفی یك سرآن بساق
پای وی پیچیده وسردیگران باابریقی ازنوشابه (شراب) بسته و پیوسته است(۳)
از جمله چیزیکه بسلطان محمد نسبت داده اند صورتهای شاهنامه مشهوریست
که اکنون درکلکسیون (مجموعه) بارون‌دی‌رو تشلید است این نسخه دارای ۲٥٦

۱ — مراجعه بتابلوی ٤۷ شکل ٤۸
۲ — مراجعه شود به Sakisian : La Miniature Persane ص ۱۱۰
۳ — مراجعه بتابلوی ۳۸ شکل ٤۹

تابلوی ۴۴
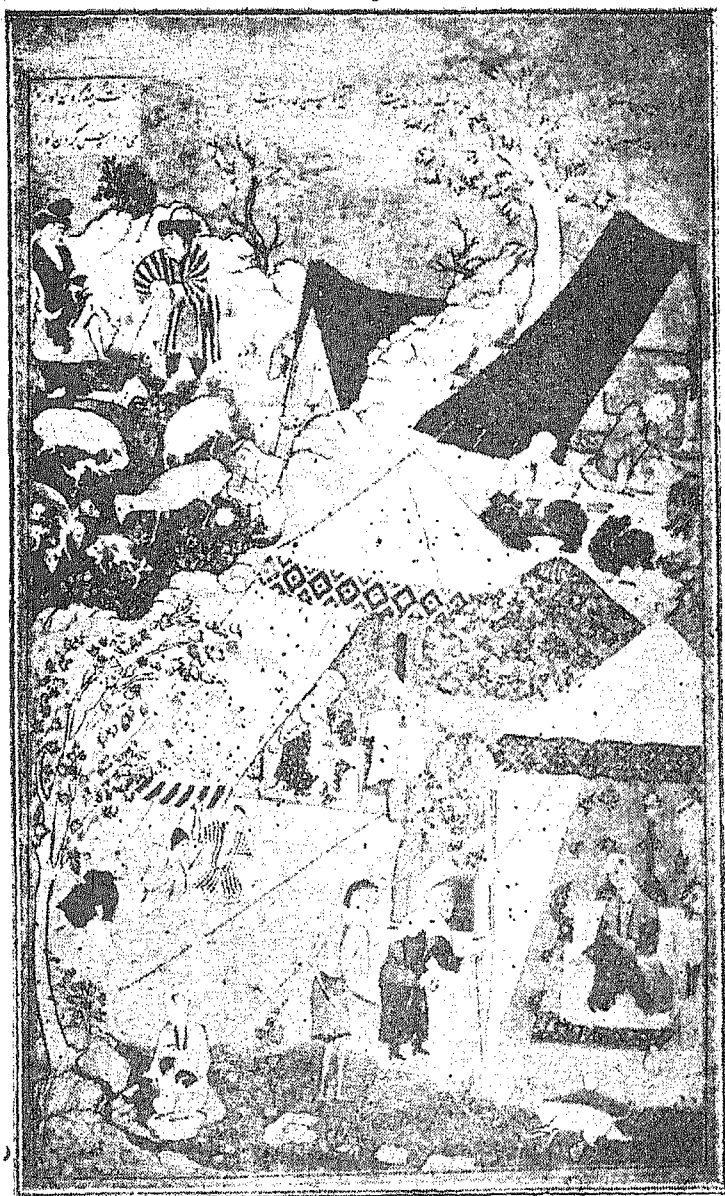
مجنون و کشانیدن آن بجانب منزل لیلی عمل میر سید علی نقاش ـ هنرستان صفویه
۹۴۶ ـ ۹۵۰ از نسخه خطی نظامی شاه طهماسب در موزه بریتانیا

شکل ٥٤ــ معراج (هنرستان صفویه قرن دهم هجری) ازخمسه نظامی شاه طهماسب در موزه بریتانی

شکل٤٦ـ آمدن خسرو بالای سرشیرین درحالت تن شوئی از سلطان محمد نقاش ـ هنرستان
صفویه- ازنسخه خطی نظامی‌شاه طهماسب درموزه بریتانیا

تابلوی ۳۶
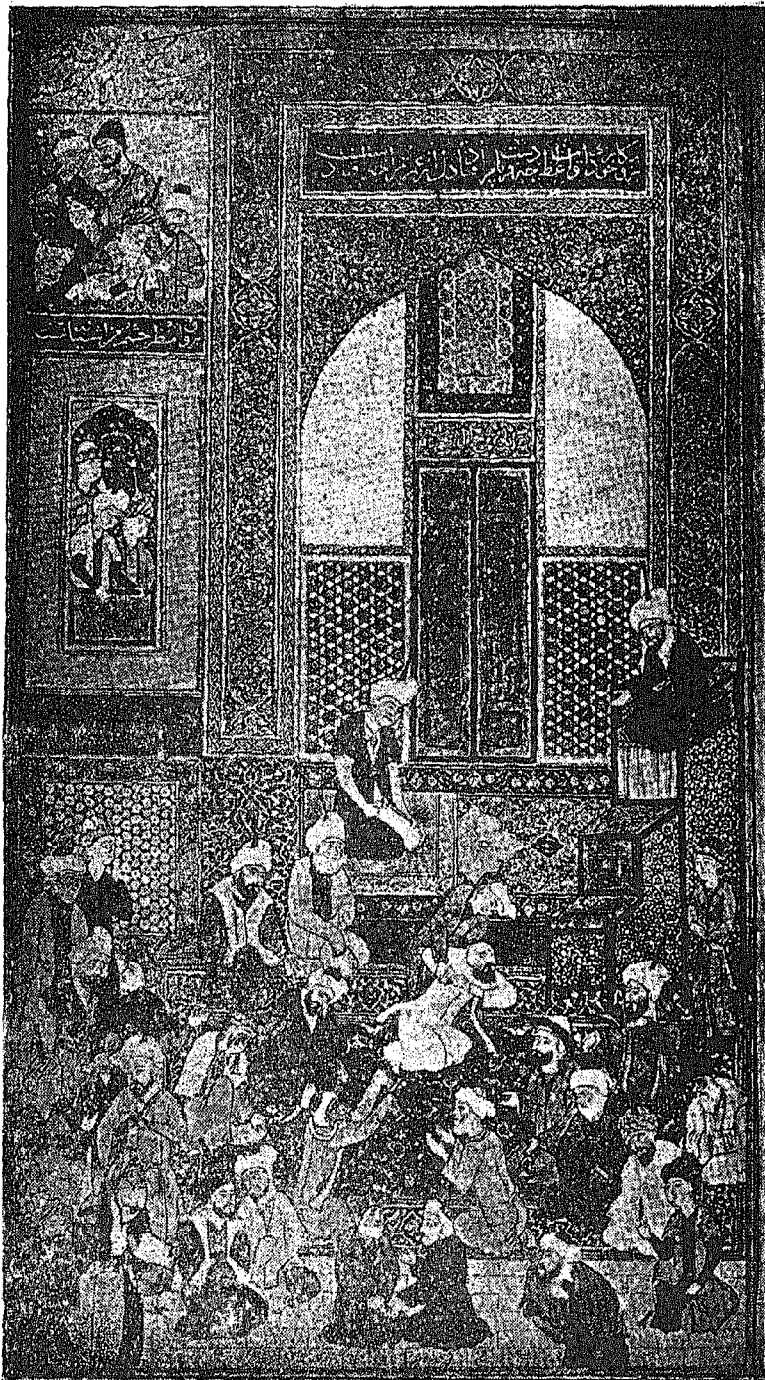
شکل ۴۷ — مجلس وعظ از شیخ زاده مصور — هنرستان صفویه در نیمه اول قرن دهم هجری
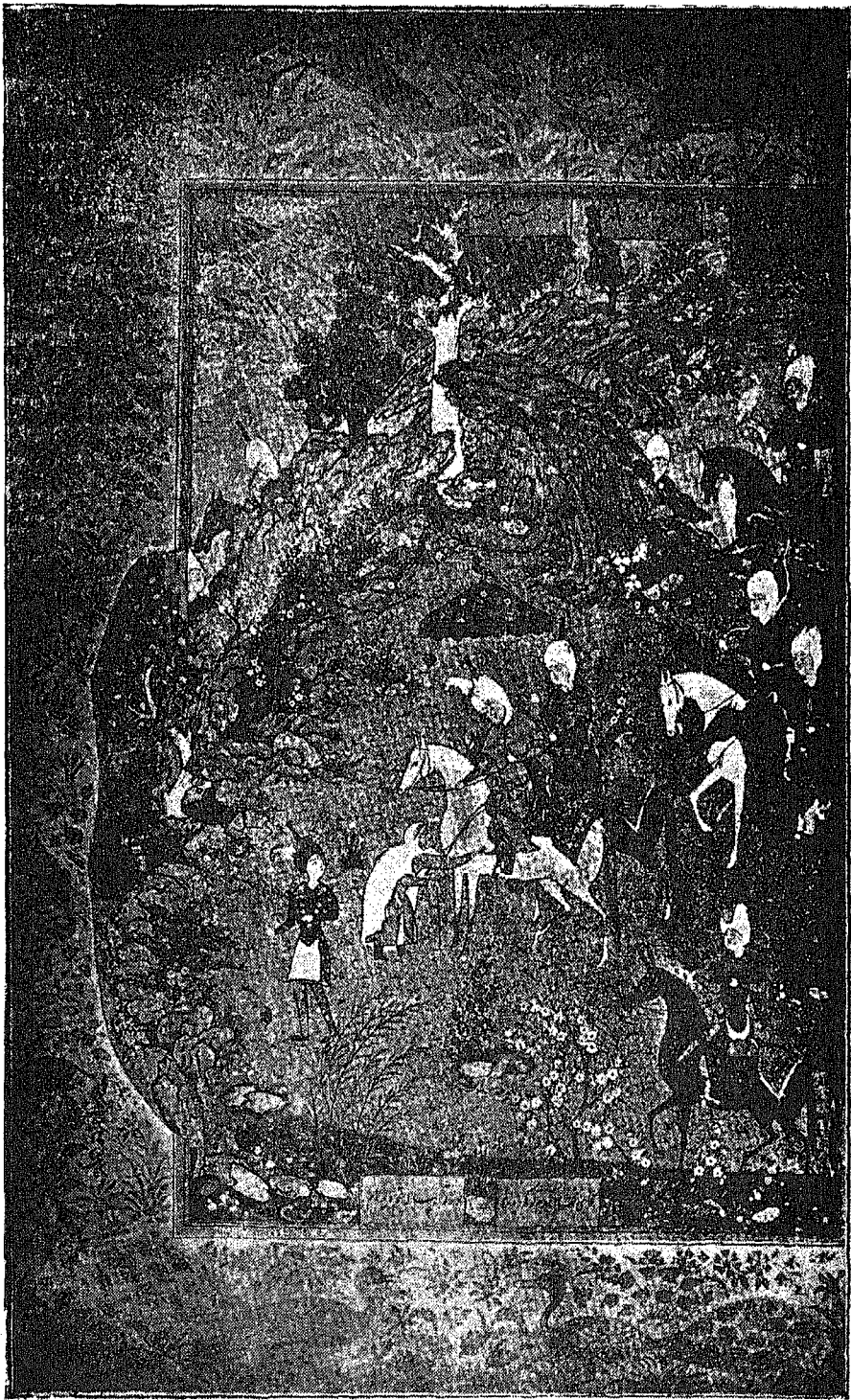
شکل ٤٨- پیرزن ودادخواهی ازسلطان سنجر- عمل سلطان محمد نقاش - هنرستان صفویه (٩٤٦ - ٩٥٠هجری)

تابلوی ۳۸

شکل ۴۹ــ مجلس باده‌گساری از سلطان محمد نقاش ــ هنرستان صفویه در آغاز قرن دهم هجری مجموعهٔ کار

تابلوی ۳۹

شکل ۵ــ صورت امیرازسلطان محمد نقاش یا هنرستان او در حدود سال ۹۳۵ هجری
کتابخانه ملی لنین گراد

تابلوی ۱۴۰

شکل ۱۵۱ تصویر امیر عمل سلطان محمد ۹۳۵ مارتن

تابلوی ۴۱

شکل ۵۳- بهرام گور با یکی از بانوان خود در کاخ سیاه
عمل محمود مذهب ۹۳۲ هجری از نسخه خطی کتابخانه ملی
پاریس منظومه میر علی شیرنوائی
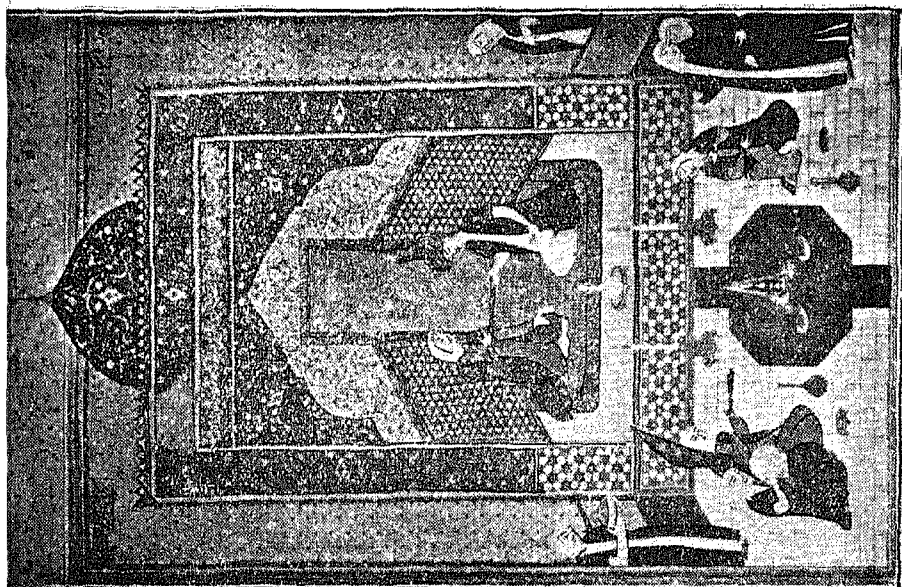
شکل ۵۲- بهرام گور با یکی از بانوان خود در کاخ سیاه
عمل میرك نقاش سال ۹۳۱ از نظامی خطی کتابخانه سلطنتی

تابلوی ۴۲

تصویر بزرك است که دربین آنها مناظر بسیاری از صید و شکارگاه و میدان جنك و وکارزار دیده میشود .

بطوریکه برای ما معلوم شده یکوقت سلطان محمد مدیریت هنرستان نقاشی یامجمع فنون جمیلهٔ تبریزرا عهده‌دار بوده‌واوضمناً بباقی فنون آرایشی وتزیینی توجه نموده ونقشهٔ قالیچه‌ها وظروف را میکشیده وتاثیر طراز واسلوب فنی وصناعت اودر اشکال انسانی که برمنسوجات وپارچه‌های ابریشمین ایرانی درقرن دهم‌هجری(۱٦م) بکـاررفته مشاهده مینمائیم .

از جمله کسانیکه جزو نقاشان درباری‌شاه‌طهماسب اشتهار یافته‌اندمظفرعلی است که‌ازکارهای اودوصورت‌در کتابخانه «لنین گراد» وجوددارد وصورتی‌هم درنسخه خطی موزه بریتانیا سابق‌الذکر است که تصویری از بهرام‌گور کشیده که بیك تیر گوش‌گورخر را بسم‌آن دوخته تا اینکه برای دلبرخود (آزاده) مهارت و زبردستی وتوانائی وقدرت‌خودرا در کارشکار معلوم داشته وخاطرنشان اونماید .

مظفرعلی‌شاگردبهزاد بوده وبرتری وبالادستی او دررقم وتصویر صوراشخاص بدوست‌داشتن رنك طلائی وبکاربردن آن درنقاشی محرز وممتازگردیده واین‌استاد نقاشی‌های لازمه وتصاویر قصرشاهی و تالار چهل‌ستون را دراصفهان‌عهده‌داربوده(۱)

درآنجا دونفر نقاش ماهربوده‌اندکه برای‌ایشان اهمیتی بخصوص‌است وآندو یکی میرسیدعلی ودیگری‌عبدالصمد است که‌دوری مهم‌را درپیدایش هندی‌وایرانی در دربار هند بازی نموده‌اند .

میرسیدعلی اصلا تبریزی بوده ودرتصویرنسخه خطی‌خمسه نظامی که‌برای‌شاه طهماسب درست شده واکنون نسخه مزبور درموزه بریتانیا موجود است دست‌یاری وهمکاری نموده‌واودرآن کتاب‌تصویری راکشیده‌که نماینده‌پیرزنی‌است که‌مجنون را بجانب سراپرده لیلی میکشاند او مجنون را بطنابی بسته وکودکان بوی‌سنك‌میزنند لیلی نیز درجلوی‌خیمه خود نشسته‌او را می‌بیند ـ او دراین تصویر خیمه‌های‌دیگری

۱ ـ مراجعه شود به Binyon, Wilkinson & Gray; ibid ص ۱۱۵

دیده میشود زنانی که در آن خیام و سراپرده جا دارند و بکارهای پراکنده خانه‌داری وغیر آن مشغولند ونیز شبانانی دیده میشود که گلهٔ ازگوسفندان را میچرانندو دردست یکی ازشبانها چله ایست که میریسد وشبان دیگر بنواختن نی مشغول است(۱) وظاهر این است که همایون امپراطور مغول درهند دو استاد مشهور ونقاش معروف میرسید علی وعبدالصمدرا درتبریز دیده و آنوقتی بوده که همایون بآنجا پناه آورده ودردربار شاه‌طهماسب میزیسته ونیز بعد از محروم شدن وی از تخت وتاج هند بوده .

همایون را شگفتی عجیب ازکار میرسیدعلی پیدا شده وباو **نادرالملك** لقب داد، این دونفر نقاش بعدها بامیرکابل پیوسته ودر آنجا عمل ۱۴۰۰ تصویر بزرك را برای قصه افسانه**امیرحمزه ایرانی** (رموزحمزه) ترتیب داده اند (۲)

همایون وپسرش بهترین سرمشق رادرتصویر وفن نقاشی از میرسیدعلی وعبدالصمد گرفته ویکی بعد دیگری کارهنرستان نقاشی راکه**امپراطور اکبر** تأسیس نموده بود بکمك شاگردانی ازهنود اداره مینمودند وآنها دررسم صوری که همایون خواسته بود تشریك مساعی بخرج داده‌اند ، ما عده زیادی از این صور راکه روی پارچه وقماشها کشیده شده دیده‌ایم که اغلب آنها درموزه وین محفوظ است(۳)

ازشاگردان هنود که این هنر را از آندواستاد فراگرفته انددو نفربنام **داروُنت** و **بازوان** بحدکمال رسیده ونبوغ یافته‌اندظن قوی آن است که میرسیدعلی یاعبدالصمد یاآندو با یکدیگر پرده بزرگی راکه درآن تصویر افراد خاندان تیمور است برای همایون طرح وترسیم نموده‌اند وپردهٔ مذکور اکنون درموزهٔ بریتانیا محفوظ است و برپارچه مانند صور افسانه امیرحمزه رسم شده ولیکن حالیه بطرزی شایسته واضح و روشن نیست تا در رسیدگی وتحقیق آن بتوان دقت وتوجه نمود .

در اینجاآنچه که برای ما باقی‌مانده پیش ازپایان این فصل آن است که اشاره

---

۱ — مراجعه بتابلوی ۳۳ شکل ٤٤

۲— مراجعه‌شود به Percy Brown; Indian Painting Under the Mughals

ص ٤١ ، ٥٣ ، ٥٤ و Sakisian; La miniature persane ص ۱۱٦ — ۱۱۷

۳ — مراجعه شود به Die indischen miniaturen des Haemzae Romanes, hrsg. von H. Glück, Wien 1925

بنقاشی نمائیم که او مصور محمدی است این استاد فن نقاشی را ازپدرخود سلطان محمد فرا گرفته ودر کشیدن صور مناظر ریفی وتصاویر دهاتی و برزگری برپدرخویش فزونی وبرتری یافته ودرحقیقت بیشتر چیزی که از کار محمدی بنظرما رسیده مربوط باوضاع دهکده ومناظر طبیعی است وشاید بدیعترین تصویر آن پرده نقاشی باشد که درموزه لوور محفوظ است ومربوط بسال ۹۸۶هـ - و۱۵۷۸ میلادی است واین تصویر نواحی مختلفه‌ای از زندگانی دهاتی را نشان میدهد ودر آن صورت زارعی است که زمین را شخم زده وزراعت میکند وزارع دیگری است که در زیر درختی نشسته و پرندگان بالای سر آن درخت قرار گرفته اند ودر نزدیکی آن دو تن شبانی است که بپاسبانی گله از گوسفندان مشغول شده ودر دست یکی از آن دو نائی است که درحال نواختن است ودر آن صورت دوخیمه دیده میشود که درمیان خیمه‌ها زنانی هستند که بعضی دوك در دست گرفته وچله میریسند و بعضی پارچه میبافند و این رسم مانند دیگر ترسیمات (محمدی) تمامی رنگین نبوده بلکه کمی از آن دارای رنك سرخ در سنگها و صور حیوانات است . (۱)

اما نقاشان دیگر که خبر اشتغال و کارداری آنان درزمان شاه‌طهماسب بمارسیده در اینجا مارا مجالی برای تحقیقات حال ایشان بطور تفصیل نیست وهمین بس است که ما بنام بزرگتران ایشان ومعروفین و برجستگان آنان اکتفا نمائیم ، ازبین ایشان : سید پیر نقاش وشاه محمد ودوست محمد وشاه قلی تبریزی است (۲)

---

۱ - مراجعه شود به Stchoukine; Les Miniatures Persanes ص ۵۱

۲ - مراجعه بکتاب استاد ساکسیان برای شناسائی تراجم مصورین و نقاشان

فصل هفتم

عصر شاه‌عباس و جانشینان او

رضاعباسی و تاثیر اروپائی

شاه‌عباس بزرك از(۹۸۵هـ - ۲۵۸۷ تا ۱۰۳۸هجری - ۶۲۹ ۱ میلادی) در کشور ایران حکومت و شاهی داشته هنگامی که او بتخت نشست تجزیه و انحلال یا فنا وزوال سراسر این کشور راتهدید مینمود ، شاه‌عباس درشکست وهزیمت دشمنان‌خود موفق شدکه گرد وغبار را ازچهره ورخسار این مملکت پاك نماید واسباب آبادی و عمران را در آن فراهم ساخته سزاوار قدردانی وسپاسگذاری رعیت خود گردد ونام او درتاریخ ایران‌نکته ورمزی ازمجد وعظمت و آسایش وراحت وخوشگذرانی وامنیت باقی گذارد .

شاه عباس درسال ۱۰۰۹ (۱۶۰۰) پایتخت ایران را باصفهان برده و بر زیبائی ودلگشائی این شهر در اثر بریدن‌کوهها و هموار نمودن راههای زیاد و برپا نمودن عمارات عالیه افزوده و خوشنویسان و مذهبین و نقاشان عالی مقام را بجانب آنجا کشانیده ، اصفهان را جایگاه دانش و فنون و پیشه وهنر نمود، او پایتخت را بجنوب کشور انتقال داده و آنرا بدریای آزاد نزدیك گردانید، روابط باهندوستان وممالك باختر را در آنجا ترقی و رشد و نما داده وایران را بسفراو فرستادگان مخصوص و دستجات اعزامی ازکشورهای مختلفه اروپا وانمود ومعرفی کرد تجویزشاه ورخصت یااجازه حکومت‌او بازرگانان‌وجهان گردان‌را برای آمدن باین کشور ودیدن و بهره‌مند شدن از مزایا و مناظر آن تشویق نمود وبطوریکه بسیاری از ایشان یادداشتهائی در آندوره وزمان ازخود نگاشته وگزارش گردش و سیر وسیاحت خویش را بیادگار گذاشته‌اند و دراین آثارشگفت وحیرت خودرا بنهضت بلاد ایران و پیشرفتهای مهم این کشور وصف کرده وعادات ووضع سلوك وتقالید و اخلاق ورسومی‌راکه دیده‌اند

بمورد بیان آورده وازبرخی صور بدیعه و نقاشی های ممتاز وگزیده که در و دیوار کاخها بآن زینت و آرایش شده بود سخن رانده اند . (۱)

در حقیقت شاه عباس توجه زیادی بتصاویر و نقش ونگار ابنیه وعمارات داشته که از آن صور بدیعه هنوز در دوکاخ سلطنتی اصفهان باقی و پایدار است .(۲)

دراین تصاویر بسیاری‌ازرسوم بطرح و اسلوب طراز نقاشی اروپا دیده میشود که با نقاشی ایران قرین ومجاور گردیده ومحتمل است که جزو صنعت و کار یوحنا هلندی باشدکه سالهای چندی درخدمت شاه عباس بوده (۲) ولی ما می‌بینیم که آخر دوره‌صفویه بتنوع محصول فنی ورنگارنگ شدن فنون و هنرامتیاز یافته زیرا پیدایش تاثیر فنی اروپا استادان ایرانی را از میدان تنگ کتابت و تصویر و کار تذهیب کتاب بمیدان های پهناور دیگری وارد کرده که در ترسیم صور مستقله و آرایش وتزیین ابنیه و دیوارهاگرائیده‌اند وبسیاری از آن نقوش وصور در دیوارهای عمارات وابنیه آنزمان هم اکنون بخوبی دیده میشود .

گذشته ازاین نقاشان آنزمان توجه زیادی بنقاشی نسخه های خطی گرانبها و تذهیب آن ننموده بلکه کشیدن تصاویر را با قلم بدون هیچگونه رنگ ترجیح داده و عمل سیاه قلم را معمول نمودند مگر اینکه بندرت بروش سابق رفته چون عمل ثانوی آنهاکم‌خرج‌تر بوده ونقاشی‌را بدلهای مردم نزدیکتر مینمود وآشنائی و رغبت ایشان بآن زیادتر گردیده ودرتقویت وپیشرفت آن اقدام نمودند واین‌کار تنها جهت درباریان و رجال دولت نبوده بلکه دیگران هم در این خصوص تشریک مساعی مینمودند ولیکن تمام این اهتمامات شکست وانحطاطی راکه باین پیشه وهنر روی داده بود چاره نمینمود و بعدها دربارهم همراهی و نگهداری زیاد از نقاشان و اهل هنر نکرده بعلاوه مردم هم از تقویت و تشویق و مددکاری ایشان خودداری نمودند

۱- مراجعه به: Th. Herbeet; Description of the Persian Monarcy و کتاب
J. Chardin Voyages en Perse (Amesterdam)1711

۲ -- مراجعه شود به – J. Daridan et S. Stelling-Michaud; La Peinture Sèfevide d' Ispahan (Paris 1930)

۳- مراجعه شود به Binyon, Wilkinsno & Gray; ibid ص ۱۵٤

لذا بسیاری ازنقاشان درکارکردن از برای خود ناچار شدند ، این موضوع باعث شده و معلوم میدارد که نسخه های خطی مصور و گرانبها بعد از نیمه قرن دهم هجری رو بکمی و ندرت گـذاشته و تقریباً از دیادصور و نقوش وضع تجارتی و کسبی بخود گرفته وبدون توجه ومراقبت زیاد درجواب تقاضای خواستاران که سرمایه ودارائی اندك وفروتنی وافتادگی زیاد داشتند کارهائی انجام میگرفت .

اما شناسائی ایرانیان بتصاویر اروپائیان و نقاشی آنان مربوط باوایل قرن دهم هجری (۱٦ م) میشود چنانکه گزارش آن از البوم کتابخانه ملی پاریس بخوبی مشاهده خواهد شد که در آن بسیاری از رسوم و نقاشی دورر (Düreur) آلمـانی تقلید شده و احتمال دارد که آنهارا مبلغین مسیحی یا تجار و بازرگانان حمل ونقل نموده باشد (۱) .

درمصادرادبی وتاریخی ازنقاشانی که تصاویر اروپائی وطرز کار آنهاراتقلیدنموده اند یاد آوری شده مانند شیخ محمد شیرازی که در کتابخانه شاه اسمعیل میرزا (۲) کارمیکرده (۹۸۴ـ۹۸۵) (۱۵۷٦ ـ۱۵۲۸ م) پس ازآن بخدمت شاه عباس پیوسته ولیکن تاثیر صنعت غرب (اروپائی) در نقاشی ایرانی بطئی بوده وبکندی پیش رفته ظهور آن ابتدا در اختیار موضوعات و انتخابش زیادتر از هرچیز در اسرار و دقایق اصل صناعت بعمل آمده بطوریکه ممکن است ما بگوئیم نقاشان ایرانی از کار و کردار نقاشی اروپائی اقتباس کرده وچیزهای زیادی را از آنان پیروی وتقلیدنموده اند ولیکن ایرانیان ازتمامی آنها چیزی راکه شایسته وسزاوار بیان باشد هضم ننموده و بخود نگرفته اند مخصوصاً درنقاشی کتاب های خطی پیروی از روش و اسلوب قدیم کرده و با تقلید نمودن از هر طرز جدیدی مقاومت و پافشاری مینمودند . اگرچه تصاویر ابهت واهمیت اولیه خودرا از دست داده وبسیاری ازمتخصصین فنی نمیتوانستند چیزهای تازه ای بیاورند وتصرف باابداعی بنمایند لذا بتقلید صور موجوده ازمخطوطات

۱ــ مراجعه شود به Basil Gray; Persian Painting ص ۸۳

۲ــ او شاه اسمعیل صفوی اول (۱۵۰۱ــ۱۵۲۴ م) نیست چنانکه استاد گرای Gray (ص ۸٤ Ibid) تصور کرده بلکه شاه اسمعیل دوم ملقب بعادل است مطابق به Arnoid; Painting in Islam ص ۱٤۳

ونسخ قدیمه بطور تقلیدی نامعلوم اکتفا نمودند چنانکه ما اینطرز را در تصاویری که‌درنسخه خطی‌منظومه **یوسف و زلیخا** کشیده شده وتاریخ آن ۱۰۲۹ه(۱۶۱۹م) است ملاحظه مینمائیم وهم اکنون نسخه آن در (**دارالاثارالعربیه**) (۱) موجود است و در نقشه های نسخه خطی دیگری‌که دراین موزه محفوظ است(۲) و شامل کتاب مثنوی جلال‌الدین رومی میگردد در یکی از صفحات این نسخه که جزء دفتر اول از آن کتاب است تاریخش این است‌که درسلخ شهررجب۱۰۱۲ هجری تمام شد (۱۶۹٤ م) .

اما رسمها وصور مستقله ایکه جزء افتخارات وامورمهمه این عصر است بعضی اوقات شناختن تاریخ آن بدقت مشکل است زیرا که دراین بین تغییراتی طبیعی در طرز وروش این نقوش ورسوم پیدا شده مخصوصاً از وقتی‌که برتری و امتیازات در تصویر نسخه های خطی (محمدی) نقاش شروع گردیده که ما درفصل گذشته راجع بآن شرحی نگاشته و دراطراف کار او بیاناتی نمودیم این اسلوب همواره جاری و معمول بوده وازآن پیروی‌میشد تا اینکه نقاش‌بزرك واستاد بلند پایه (**رضای‌عباسی**) پیدا شده وآنرا بدرجه اعلی ازترقی وپیشرفت رسانید چیزی‌که هست پوشش سر و عمامه و کلاه کمك زیادی بما درباره تشخیص تاریخ این‌صور و رسوم مینمایدکه در نیمه قرن دهم درست شده (۱٦م) ونیمه قرن ۱۱ هجری هم بدینگونه است زیراکه عمامه در قرن دهم (۱٦) بحجم خود افزوده تا اینکه در آخر دوره شاه طهماسب خیلی ضخیم وبزرك گردیده وضمنا عمامه های دیگری بظهور آمده وما می‌بینیم‌که جوانان شوخ وشنك وزنان دلفریب وطناز در رسوم ونقوش وپرده وتصاویراین‌عصر پیدا شده اند صاحبان تصاویر درعمامه‌های خودگلها وشکوفه‌هائی‌که دارای بوته‌های ساق بلند است داشته یا اینکه دراطراف سر دستمال یا روسری مانند زنان دارند و گاهی جامه هائی پوشیده‌اندکه باآن عمامه ودستار نوك تیز (مخروط) دیده میشود و دراول نیمه دوم ازقرن یازدهم هجری (۱۷ م) بسیاری ازمردها عمامه وکلاهی از

۱- رقم۱۳۰۳۷

۲- رقم ۱۳۰۹۳

پوست گوسفندان برسر مینهادند که پشمهائی از آن آویزان بود(۱)

از جمله چیزی که در نقاشی و رسمهای مربوط بقرن یازدهم هجری (۱۷ م) دیده میشود تبدل و تغییری است که در تصاویر اشخاص بظهور آمده و شخص تقریباً جز قامت های رسا واندام رعنا نمی بیند وطرح ووضعی که خالی از تکلف است مشاهده مینماید بطوریکه در این صور اهمیت اشخاص را زیاد نموده و عدهٔ افراد را تقلیل داده مثلا دیده میشود که دریك صفحه صورت یکنفر یا دو نفر کشیده شده درصورتیکه درقرن پیش تمام صفحه‌ها ازیکعده زیادی ازصور پهلوانان واتباع وتماشاچیان وغیره پر بوده .

هم بدینگونه اساتید فنی آرایش های مرکبه وتزیینات مختلفه راکه در دوره های گذشته بآن اشتهار داشتند ترك نموده وبآرایش متن وزمینه تصویر بنیمدرخت های کوچك بابوته وشاخه های گلدار تنها اکتفاکرده وبااین وصف رسوم و تصاویر انسانی درمیانه آنها پیشرفت نموده وموقعیت و مقام اشخاص در نقشها ظاهر وآشکار میگردد چنانکه شوخی ومداعبه وکارهای تمسخری بطوریکه درعمل کاریکاتورهای جدید معمول است درآنان بظهور رسیده .

درموزه «مترو پولیتان نیویورك» دو نسخه خطی از شاهنامه است که بزمان **شاه‌عباس** مربوط است ودر آن صورتهای زیادی دیده میشود .

نسخه اول تاریخ آن ۹۹۶ هجری(۱۵۸۷-۸ م) است که در آن چهل تصویر بزرك کشیده شده در صورتیکه نسخه ثانی تاریخ آن از سال ۱۰۱٤ تا سال ۱۰۱٦ است (۱٦۰۵-۱٦۰۸) ودر آن ۸۵صورت بزرك وجود دارد که بقلم استادان ناشناخت وغیرمعروف انجام گرفته .

استاد دیمند (Dimand) عقیده دارد صور اشخاص و مناظر طبیعی که در این دونسخه کشیده‌اند ازاصل طبیعت نقل شده ودرآنها بسیاری از اوصاف ومشخصات صوری دیده میشود که منتسب باستاد معروف « رضای عباسی » است(۲) . در واقع

۱- مراجعه شود به: Binyon; Wilkinson & Gray : ibid ص۱۵۵

۲- مراجعه شود به: Dimand A Handbook ص ٤٦

۹ شکل ۵ یوسف و استقبال زلیخا در حالت پیری نسخه خطی منظومه یوسف زلیخا ۱۰۲۸ دار الآثار مصر

شکل ٥٦ یوسف و زلیخا بارفقای آن از نسخه خطی منظومه یوسف و زلیخا مورخ ۱۰۲۷ دارالاثار عربی

تابلوی ٤٥
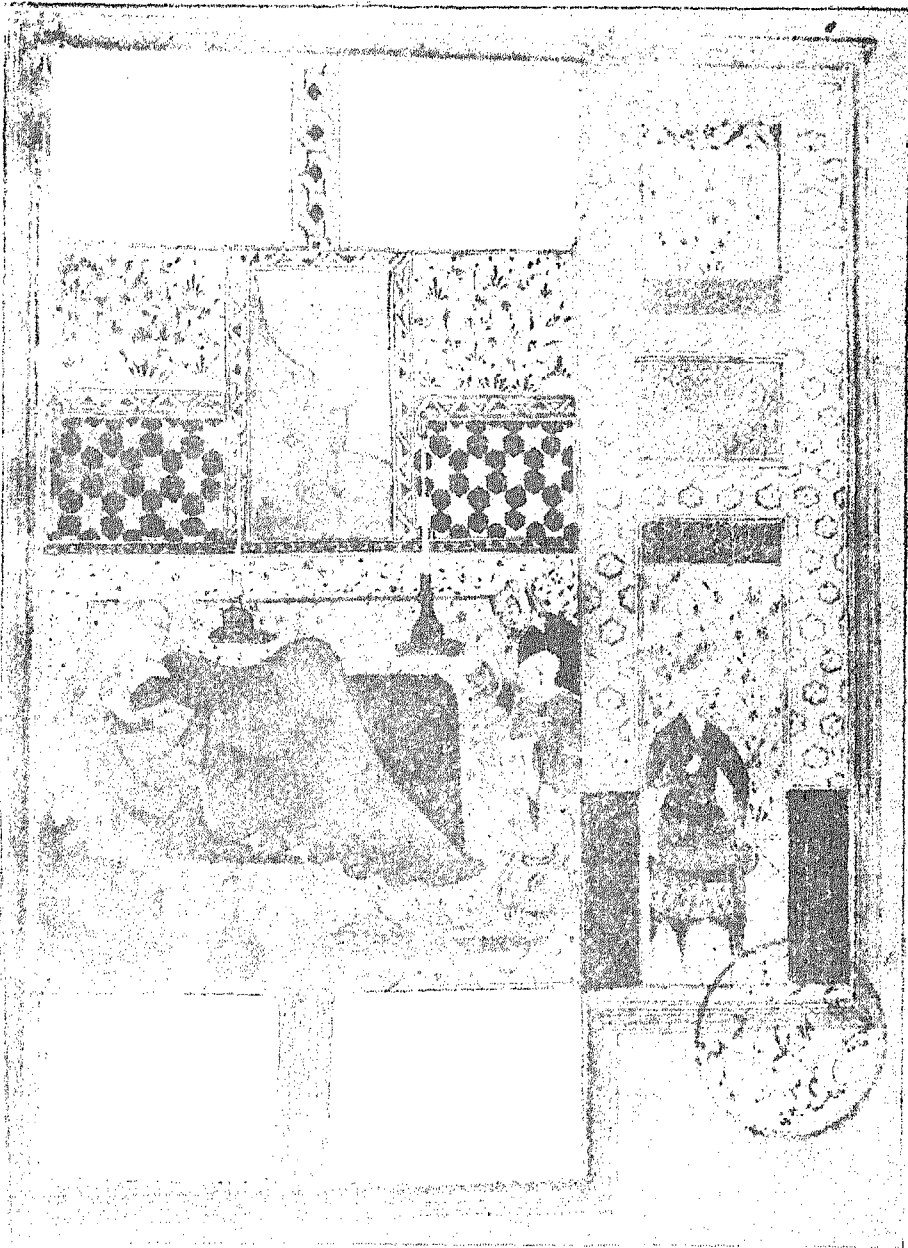
شکل ۵۷ ــ صفا بین یوسف و زلیخا از کتاب خطی یوسف و زلیخا مورخ ۱۰۲۸ هجری دار الآثار العربیه

تابلوی ٤٦
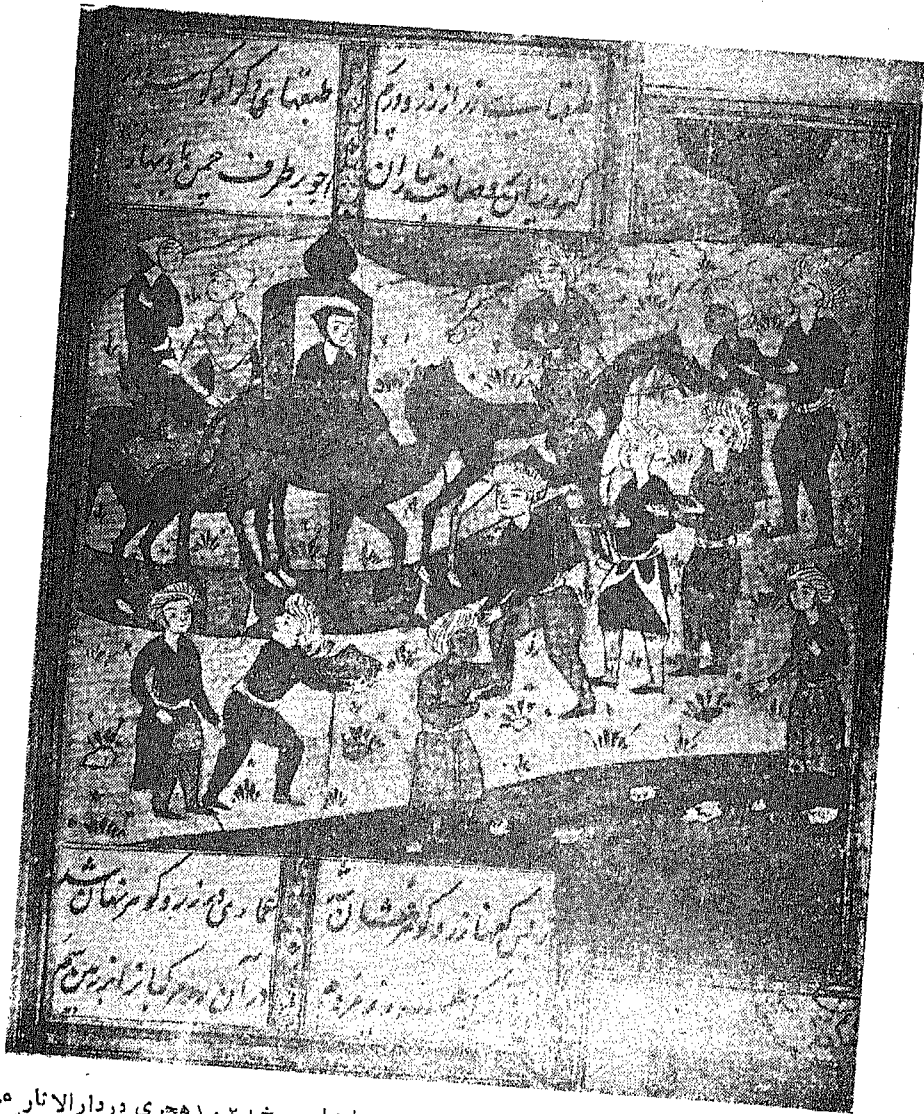
شکل ۵۸ - زلیخا در هودج - از نسخه خطی منظومه یوسف و زلیخا مورخ ۱۰۲۸ هجری در دارالآثار عربی
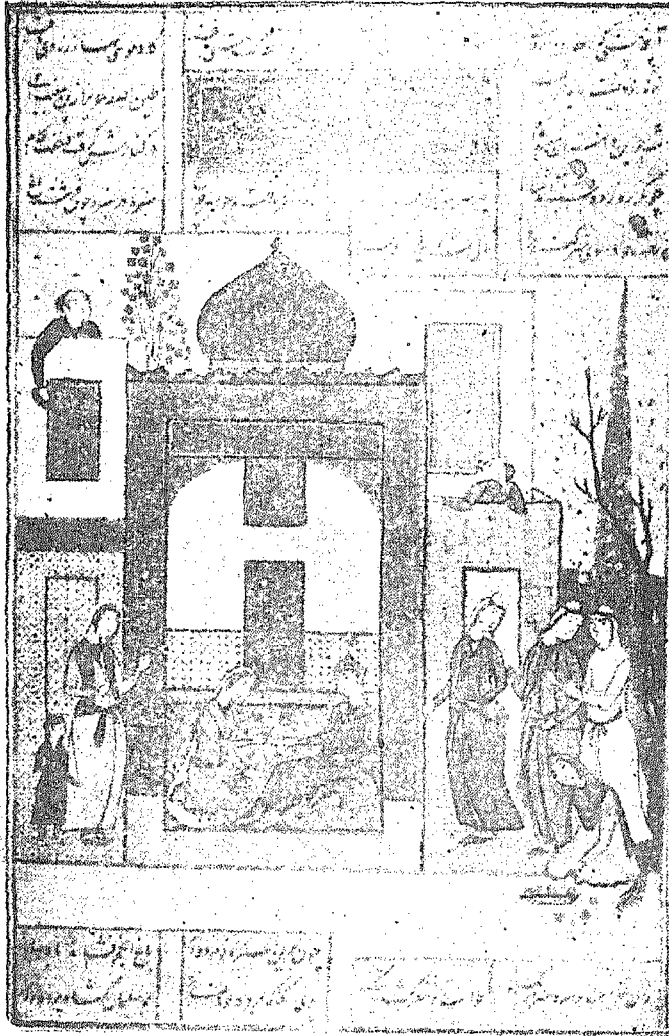
تابلوی ۴۷

تابلوی ۴۸

شکل ۶۰ :بهرام گور با یکی از بانوان خود در گنبد سبز عمل حیدر نقاش ۱۰۳۲
کتابخانه ملی پاریس

ضمیمه تابلوی ٤٨

شکل ٦١ - شیخ صفی الدین که جام را تقدیم شما طبیب فرماید عمل رضا عباسی ١٠٤٢ هجری لنین گراد

تابلوی ۴۹

شکل ۲٦۲ صورت جوان عمل رضای عباسی مجموعه مستر راینو

تابلوی ۴۹ مکرر

شکل ۶۳ تصویر بانو عمل رضا عباسی مجموعه مستر وایینو

تابلوی ۵۰

دوشکل ٦٤ و ٦٥ دو ساقی عمل رضا عباسی در نیمه اول قرن یازده هجری نقاشی بالا در کتابخانه ملی پاریس و دیگری درموزه مترو پولیتان نیویورک

نام واختلافات زیادی نموده‌اند که دراین اختلاف کاراباتشك Karabacekوسار Sarre ومیتوك یامتفخ Mittwoch و بلوشه Blochet وساکسیانSakisianوارنولدAronldو کونل Kühnel ودیگران ازبزرگان متتبعین‌درتاریخ نقاشی‌اسلامی‌اشتراك نموده‌اند.

علاوه براینها بیشتر این اشخاص بر آن متمایلند وچنین عقیده دارندکه دونفر نقاش باین اسم آقارضا ورضا عباسی بوده‌اند.

اما هویت استاد اولی چندان معلوم و آشکارنبوده وظاهراین است که او پیشتر از رضا عباسی بوده و در دربار شاه طهماسب در اواخر قرن دهم هجری کار میکرده (۱۶تااوائل قرن۱۱هجری و۱۷ م) و با اینکه گاهی اوقات اشتباهی زیاد بین کارهای این دواستاد رخ میدهد باین وصف نزد ما تصاویری هست که تفاوت وامتیاز بین‌هنر وکار دواستاد مذکوررا بخوبی نمودار میسازد.

استاد ساکسیان درکاری که نسبت آن بآقارضاصحیح‌بوده وجزء رسوم وتصاویر اواست‌تتبع وتحقیق نموده (۱)

مابین کارهای این‌استاد که میتوان آنرا جزء عملیات برجسته وممتازوی‌دانست صورت زیبا وبدیعی‌است که میسو فیفر یاویور Vivre داراست. این تصویر امیری را بااستادآن نشان‌میدهد(۲) پس‌از آن‌صورت‌جوانی‌راکشیده که شاخ‌گلی دردست‌دارد وتصویرمذکوراکنون درکتابخانه ملی پاریس مضبوط است (۳)

ساکیسان نظر براین‌دارد که بعضی‌ازرسوم وصورالبوم گردآورده دکترسار که بنام آقا رضا است تصاویر آن را رضای عباسی انجام داده و کارهای مذکور باو منسوب است.

---

۱ ــ مراجعه شود به Sakisirn : La miniasure Persane ص ۱۲۶ – ۱۲۹

۲ ــ مراجعه شود به Sakisian : ibid شکل ۱۶۳

۳ــ ملاحظه به Sakisian : ibid شکل ۱۶۸ و... Blochet : Les Enluminures تابلوی ۷۱.

٤ ــ مراجعه شود به Sarr et Mittwch; Zeichnungeo von Riza Abbasi; München 1914

و نیز ساکیسان میگوید : آقارضا استادی است که باشاه عباس کبیر معاصر بوده و رضای عباسی نیست .

درهر صورت خوشنویسی که نام او «علیرضای عباسی» است اشکال کاررا زیادتر نموده زیراکه او معاصر بارضای عباسی بوده و مورخین فنی بین آقارضا و رضا عباسی وعلیرضا عباسی اشتباه مینمایند ولی آنچه بثبوت رسیده این است که دونفر اخیر جداگانه ومختلف بوده اند وبرضای عباسی عده زیادی از تصاویر ونقوش را نسبت میدهند که بعضی ازآنان دارای تاریخ است و مارا بر آن میدارد که حکم کنیم دوره انجام آنان بین سالیان ۲۸-۱-۱۰۴۹ بوده (۱۶۱۸-۱۶۳۹) وبیشتر مردمانی راکه صورت کشیده ازآنهائی هستند که در اواسط دوره زندگانی میباشند وآنهارا بینی‌هائی کشیده است یاتصاویر وسیمای دختران وپسرانی است که بیننده آنهارا عدهٔ اززنان بشمار میآورد ودربین آنان صوری وجود دارد که مهارت وزبردستی این استاد واستعداد و بخشایش وموهبت خاصه ایکه باواعطا شده دلالت خواهد داشت .

از صور بدیعه زیبائیکه به آقا رضای عباسی منسوب است یکی آن است که تاریخ آن درسال ۱۰۴۳ هجری (۱۶۳۳ م) میباشد وصورت شاه صفی را نشان میدهد که بطبیب مشهور محمد شمسه جامی باده اعطا مینماید(۱) ودیگری که در کتابخانه ملی پاریس است صورت بانوئی راکشیده که آن زن یکی ازوزرای شاه عباس بوده .(۲)

درموزه ویکتوریا و البرت لندن نسخه خطی از منظومه خمسه نظامی قسمت خسرو شیرین آن مشتمل بر ۱۷ صورت است که دارای امضای رضای عباسی است و یکی ازآنها مورخ ۱۰۴۲ هـ - ۱۶۳۲ میلادی میباشد(۳)

گمان زیاد بر آن است که باقی صورتها هم باین تاریخ برمیگردد خلاصه آنکه کار مزبور در هرحال برای رضای عباسی تمام افتخارات و اهمیت را احراز ننموده و

---

۱ - ملاحظه بتابلوی ٤۸ شکل ٦۱

۲- ملاحظه به . . . Blochet : Les Enluminures ص ۱۲۹

۳ - مراجعه شود بمقاله سرتوماس ارنولد ازنسخه خطی در شماره ژانویه ۱۹۲۱ مجله Burling ton Magasine

تابلوی ٥١

شکل ٦٦ — تصویر رضای عباسی بقلم معین مصور ١٠٨٤ هجری مجموعه گوارتش لندن

تابلوی ۶۲

شکل ۶۲ ــ صورت جوان ــ عمل رضای عباسی مجموعه راینو

تابلوی ۵۳

شکل ۶۸ــصورت مردی که نشسته مورخ سال ۱۰۷۴ هجری مجموعه مستر رابینو

شکل ۶۹ ــ صورت بانو مورخ سال ۱۰۶۷ هجری مجموعه مستر رابینو

تابلوی ٥٤

شکل ۷۰ — تصویر بانو با لباس اروپائی — قرن ۱۲ هجری
بامضای خواجه شادمان نقاش مجموعه لوئی هرس

نمیتوان آنرا بصور نسخه های دیگر که در ادوار گذشته جهت عین قصه تهیه شده پیوست نمود .

اشخاص در این تصاویر نه تنها عادی بوده بلکه آنانرا باشخاصی که در نقاشی ها و رسوم مستقله منسوب برضای عباسی دیده میشوند شباهت است و برای رنگها ابداع و تناسبی در ترکیب آن نیست .

در کلکسیون مستر رابینو (Rabion) موجوده درقاهره دو صورت است که بر آن امضای (رضا عباسی) رقم شده و یکی از آندو جوانی را نشان میدهد که زیر شاخه درختی نشسته و سر او باندازه کمی بجانب دوش وشانه چپ وی متمایل است ودر جلو آن دو ظرف دیده میشود که روی یکی از آنها صورت انسان و حیوانی ترسیم گردیده(۱) ودر تصویر دویم درنیمه بالای صورت تصویر بانوئی است که برسر آن گل و پرها نصب شده(۲)

استاد ساکسیان عقیده دارد بسیاری ار رسوم وتصاویر که دکترسار درالبوم خود گرد آورده و منسوب برضای عباسی دانسته بعضی از آنان کار های رضا است و برخی دیگر عمل آقا رضا وبعضی هم ازعملیات معین نقاش وپارهٔ دیگر ازجمله کارهای نقاشان ناشناخت میباشد وهم دیده میشود مزایا ورجحانی راکه دراین روش وطراز برضای عباسی داده‌اند این امتیاز شامل نقاش دیگری هم خواهد شد که به حیدر نقاش موسوم است واو نسخه خطی از منظومه خمسه نظامی راکه درکتابخانه ملی پاریس وجود دارد بین سالیان ۱۰۳۰ و۱۰۳٤(۱٦۲۰ـ۱٦۲٤)تصویر کشیده. (۳)

در هرصورت فن نقاشی ایرانی در نیمه دوم قرن یازدهم هجری (۱۷ م) و در قرن ۱۲ ه (۱۸) تأثیری تمام بطرز واسلوب نقاشی رضای عباسی پیدا کرده و در خدمت این استاد شاگردانی بودند که بروش وسبك او رفتار مینمودند و مهمتر ازهمه آنها

۱ ــ ملاحظه شود بتابلوی ٤۹ شکل ٦۲ و مراجعه به Wiet : L'Exposition persane de 1931 ص ۸۲ ــ ۸۳

۲ ــ ملاحظه شود بتابلوی ٤۹ شکل ٦۲ و مراجعه به Wiet : ibid ص ۸۳

۳ ــ مراجعه شود به Sakisian : La Miniature Persane ص ۱۳۵ و مابعد آن

معین نقاش است که درنیمه دوم قرن ۱۱ ه (۱۷) کارمیکرده ودر سالهای اولیه از قرن ۱۲ ه (۱۸م) چیزی راکه ما ازاو میشناسیم صورتی است که برای استاد خود کشیده و چند صورت دیگراست که یکی از آنان درمجموعه مستر (رابینو) موجود است . در این صفحه صورت جوانی کشیده شده که خروسی را دربغل گرفته ومیبرد وتاریخ آن ۱۰٦۷ و(۱٦٥٦ م) است (۱)

ازشاگردان رضا عباسی چهارنفر دیگرند که آنها : افضل محمد قاسم تبریزی - محمد یوسف - محمد علی تبریزی میباشند.

شاه عباس دوم

(۱۰۵۲-۱۰۷٦) - (۱٦٤۲-۱٦٦٦)

شاه عباس دوم مشوق ومروج اسلوب نقاشی غرب وفنون صورت کشی اروپائی بوده من جمله او (محمد زمان) نقاش را بروم فرستاده تا درآنجا مطالعات نموده و هنرخودرا تکمیل نماید .

ظاهراین است که نقاش مذکور درآنجا کیش مسیحی را اختیار نموده بعدازآن بهند رفته وبآنجا پناهنده شده پس از آن درحدود (۱۰۸۷) (۱٦۷٦) بایران برگشته و بتصویر سه صفحه سفید ازکتاب خمسه نظامی که برای شاه طهماسب تهیه شده بود پرداخته که این کتاب درحدود صدسال پیشرا آن درست شده وتصویرش ناتمام مانده بود واکنون نسخه مذکور درموزه بریتانیا است .

دراین صورت و درغیرآن تاثیر فنون اروپائی در عمل این نقاش و دیگران از کسانیکه علم نقاشی را درایتالیا فراگرفته‌اند ظاهرمیشود وبیشترچیزی که این اثررا نشان میدهد ترسیم صور خاندان مقدسه و قدیسین یاکشیش‌ها و فرشتگان وغیره از مناظر مذهبی مسیحی است .(۲)

۱- ملاحظه شود بتابلوی ۵۲ شکل ٦۷ ومراجعه به Wiet . ibid ص ۸٤

۲ - مراجعه شود به Binyon, Wilkinson & Gray : ibid ص ۱٦۱ - ۱٦۲ و ومقاله استاد مارکوفتش - ArnolaPain ting in Islam ۱٤۸-۱٤۹ Journal of the American Oriental Society ج ٥٤ سال ۱۹۲٥ ص ۱۰٦ - ۱۰۹

با این وصف قرن دوازدهم هجری (۱۸ میلادی) بواسطه تاثیرات اروپائی و اشکالات سیاسی که در ایران رخ نموده اعلام فنا و اضمحلال نقاشی ایران را داده و برای بعداز آن در دوره (فتحعلی شاه) و آخر قرن ۱۲هجری (۱۸م) و اول قرن ۱۳ (۱۹ میلادی) فنی قابل توجه و کاری مورد اهمیت بنظر ما نرسیده و آنچه که دراین دوره عمل وانجام یافته از نقاشی های رنگ و روغنی وتابلو پرده های بزرگ است که صنعت ورنگ اروپائی آنان زیاد ازصنعت وصبغه ایرانی خواهد بود.

ما درفصول این کتاب موضوع ظهور وپیدایش فن نقاشی را درنزد ایرانیان وارسی وتتبع نموده و روزگارهائی راکه فن مذکور دراین سرزمین گذرانده تااینکه پیروی وتمایل اروپائی وغرب بآن خاتمه داده بانیایش وتقریظ ازتقلید نیاکانی موروثی همه را بمورد رسیدگی وتحقیق آورده ودیده ایم که چگونه مجال پیشرفت وترقی درایران نسبت باین فن محصور و مسور بوده مخصوصاً ازاین جهت که نقاشی وتصویر دراین کشور بلکه درتمام دنیای اسلامی بواسطه تعبیرات احساساتی ومذهبی وعقایددینی[!] حرمت یافته وممنوع بود وبااینکه ایرانیان فن مذکوررا ازهنروفنون شرقی بارث برده وقریحه واستعداد ذاتی در آن داشته اند که آنرا ازتقلید طبیعت وبیان اسرار هستی بنحوی که ما درفنون اروپائی مشاهده مینمائیم دورنموده معذلك نقاشی ایرانی درعالم خصوصیت خود بمقامی رسیده که بالاتر ازآن تصور نمیرود وبرای این فن درقسمت رنگ آمیزی وترکیب رنگها پیشرفتها وموفقیتی است که شناسنده آن کسانی خواهندبود که دچار شگفت و حیرت از تماشای نسخه های خطی و مجموعات آثاری گردیده اند - ستایش خدایرا که این نامه انجام یافت.

۳ـ بعضی از نقادان در نقاشی ایرانی عیبی که گرفته اند آن است که انجام این عمل توضیح از برای شرح دادن مطالب مندرجه در صفحات نسخه های خطی وحکایات معروفه ازحادثه وپیش آمد ها میباشد درصورتیکه ازروی حقیقت این موضوع مورد انتقاد وعیب جوئی نیست بویژه وقتی ما این نکته را یادآورشویم که بیشترچیزی راکه بزرگان هنرپیشه ونقاشان ایتالیائی از کشیدن صورت ها درنظر گرفته اند برای توضیح مطلب و شرح دادن حوادث کتاب مقدس یا افسانه و موهومات پیشین بوده دیگر مجالی از برای انتقاد نخواهد بود.

مدارك و مراجع كتاب

۱ ـ كتاب التصوير عندالعرب احمد تيمور پاشا ـ نسخه خطی که نمونه آن در مجله الهلال انتشار یافته .

۲ ـ بنیون هنرپیشه دکتراحمد زکی ابوشادی ـ مقاله انتشاری مجله المقتطف شماره آوریل ۱۹۳۵

۳ ـ الفن اسلامی فی مصر دکتر زکی محمد حسن (از مطبوعات دارالاثار ـ العربیه، که جزء اول آن منتشرشده .

٤ ـ كتاب الاسلام والحضارة العربيه استاد محمدکردعلی .

ارنولد ، نقاشی دراسلام اکسفرد ۱۹۲۸

آثار ساسانیان وهنرهای زیبای مانی در ایران .

نقاشی نیوکاستل در تین ۱۹۲٤

دستورات قدیم وجدید درصنایع ملل اسلامی، لندن ۱۹۲۸

ارنولد وگروهمان کتاب اسلامی، لندن ۱۹۲۹

بینین ل. صنعت آسیائی درموزه بریتانی وصنایع آسیائی جلد ٦ پاریس ۱۹۲۵

منظومات نظامی، لندن ۹۲۸

بنین و ویلکنسن وگرای نقاشی مینیاتوری ایران، اکسفرد ۱۹۳۳

بلشه تذهیب و رنگ آمیزی های کتب خطی شرقی ـ اعراب ـ ترکها وایرانیان کتابخانه ملی پاریس ۱۹۲۹ نقاشی اسلامی، لندن ۱۹۲۹

کماراسووامی مینیاتور های شرقی از مجموعه گلوبو درموزه صنایع مستظرفه بستن وهنرهای آسیائی قرن ۱۳، پاریس ۱۹۲۹

کریسوئل ـ مخزن کتب (کتابشناسی) ازنقاشی صنعت محمدیان ، لندن ۱۹۱۲

دیز ـ تاریخ اسلامی ولکر ـ برلن ۱۹۱۷ عنصر نقاشی ایرانی .

دیماند ـ رساله محمدیان درصنعت تزیینی نیویورك ۱۹۳۰

کلوك ودیز ـ افسانه های اسلامی، برلن ۱۹۳۵
گرای ـ نقاشی ایرانی، لندن ۱۹۳۰
گروسه ـ تمدن شرقی، پاریس ۱۹۲۹
هرتسفلد ـ آثار سامرا برلن ۱۹۲۷
هوارت ـ خط و مینیاتور های شرقی اسلامی، پاریس ۱۹۰۸
کونل ـ مینیاتور کاری اسلامی شرق، برلن ۱۹۲۲
مارتن ـ مینیاتور نقاشی و نقاشان ایرانی - هند - ترکیه از قرن هشتم تا قرن هیجدهم میلادی، لندن ۱۹۱۲
میژن ـ رساله صنعت اسلامی دو جلد، پاریس ۱۹۲۷
ساکیسان ـ مینیاتور ایرانی از قرن ۱۲ تا ۱۷ م، پاریس ۱۹۲۹
سارومیتویخ ـ کارهای رضای عباسی، مونشن ۱۹۱۴
شولز ـ مینیاتورهای اسلامی ایران، لپزیك ۱۹۱۴
اسشوکن ایوان ـ مینیاتورهای اسلامی ایرانی، کتابخانه قاهره (هنرهای زیبا)
ویلکن سن ـ شاهنامه فردوسی، لندن ۱۹۳۱

فهرست اعلام کتاب

اسامی	صفحه
الف	
ابراهیم سلطان	٤١
ابن بختیشوع	٣٩
ابوسعید	٥٤
ابی‌السعود	٢٧
ابوالفضل بن ابی‌اسحق	٣٥
اتابیك	١٣
احمد (از سلاطین جلایر)	٤٦
احمد تبریزی	٤٦
آذربایجان	١٧
آرین	٣
اردبیل	٤
ارشاك	٥
اردشیر	٥
اردوان	٤٣
ارغون	١٣-٥
ارمنستان	٥٦
ارنولد	٥٤
آزاده	٧٣
زبك	٤
سکندر مقدونی	٤٨

اسامی	صفحه
الف	
اسکندر بن عمر شیخ	٦٦-١٦
اسمعیل (شاه صفوی)	٢٨
اشمونین	٢٢
آشور	٢
آشوریان	١٧
اصفهان	٥
استخر	٧١
اعالی ترك	٦٩-٧٠
آغامیرك	٧١-٦٧
افضل	٨٤
افغانستان	١
آقا رضا	١٨
آقا محمد خان	٥٤
آق قوینلو (صاحبان گوسفندهای سفید	١٦
اکبر	٧٤
اکباتان	٢
اکمنید	٢
الب ارسلان	١٣
البتکین	١٢

اسامی	صفحه
امیر تیمور	١٥
انتوان	٤
انتیوکوس	٤
انجیل	٤٠
انقره	١٥
انوشتکین	١٤
انوشیروان	٧١_٦
اهریمن	٣
اهورامزدا	٣
ازبك	٥٤
الغ بیك	٤٥
اویس (سلطان)	٤٦
ایلخانی (خانواده	١٤
ب	
بابل	٣_٢
بارون	٧٢
بازوان	٧٤
بامیان	٢٢
بخارا	٦٢-٥٥-١٠
بدیع الزمان	٦٢
براق	٥١
بران	٣٣
بغداد	٣٦_٣٠
بلخ	١٠
بلوچستان	١
پنجاب	١٢
بنیون	٧
بهرام گور	٧٤-٦٩_٩
بهرام چوبینه	١٠_٥٣
بهزاد	٦٩_٦٧_٦٦
بودا	٤٠
بودائی	١٥
بویه	١١_١٠
پسران بویه	١٠
بایسنقر	٤٨_٤٩_٥٠
پ	
پارت	٤
پلیو	٣٩
پهلوی	١٩
پیرسید احمد تبریزی	٥٥
ت	
تبریز	١٦_٤٩_٥٥
تتار_تاتار	٣٩_٣٧
ترك	١٢_١١
ترکیه	٢٥
ترکستان	١
تیمورلنك	٤٨_٥٦_٥٤

اسامی	صفحہ
ج	
جزری - جزیرہ	۳۱ـ۲
جلال الدین	۷۹
جلایر	۱۵ـ۴۶
چنگیز	۱۴ـ۴۱
جنید سلطانی	۴۶
ح	
حاج میرك	۷۰
حافظ	۴۴
حسین (شاہ سلطان حسین)	۱۷
حسین بایقرا	۵۵ـ۵۸
حیدر نقاش	۸۳
خ	
خراسان	۴ـ۹
خسرو شیرین	۵۰ـ۷۱
خواجہ میرك	۷۰
خواجو کرمانی	۴۵
خوارزم	۱۴
خواندامیر	۵۶
خیوہ	۳۵
د	
دارا	۴
دار الآثار العربیہ	۲۷ـ۷۹
دار الکتب مصر (کتابخانہ ملی)	۴۷

اسامی	صفحہ
دازونت	
دقیقی	۱۰
دهلی	۱۵
دورر	۷۸
دوست محمد	۸۵
دیلم	۱۱
دیموت	۶۴
دیمند	۸۰
ر	
رابینو	۸۴ـ۸۳
رستم	۴۲
رشید الدین	۴۰
رضا شاہ پہلوی	۱۹
رضا عباسی	۷۹ـ۷۶
رودکی	۱۰
روسیہ	۱۵
روم	۱ـ۵
ری	۳۵
ز	
زردشت	۳ـ۶
زلیخا	۵۹
زندیہ	۱۸
س	
سار	۲۶

اسامی	صفحه
ساسانی	۲۸-۱-۵
ساکسیان	۳۶-۵۷
سامان	۱۰-۱۱
سامرا	۲۴-۲۷
سام میرزا	۷۱
سامی	۲۴
سبکتگین	۱۲
سیستان	۹
سلاجقه	۱۲
سلطان اویس	۴۶
سلطانیه	۴۳
سلطان سلیم	۱۶
سلطانعلی	
سلطان‌محمد	۷۲-۷۳-۷۰
سلطان محمدنور	۶۹
سلوکوس	۴-۵
سلیمان خان قانونی	۷۱
سمرقند	۱۰-۴۵-۴۹
سنجر	۱۳-۶۴
سوریه	۶
سید علی	۷۰
سید پیر نقاش	۷۵
ش	
شاپور	۷
شاهرخ	۱۶-۴۸-۴۵
شاه قلی تبریزی	۷۱-۷۵
شاه محمد	۷۵
شاه محمود نیشابوری	۷۰
شاهنامه	۱۰-۳۱
شستریتی	۶۰-۴۷
شولتز	۴۳
شیخ زاده خراسانی	۶۲
شیخ محمد شیرازی	۷۸
شیراز	۱۵-۵۲
شیعه - شیعی	۱۶-۲۵
شیفر	۳۴
ص	
صالح - صلاح الدین	۳۶
صفاریان - صفاری	۹
صفی‌الدین	۱۶
صفویه	۱۶-۱۷-۶۶
ط	
طاهریان	۹
طرفان (ترفان)	۲۱
طغرلبك	۱۳
طهران (تهران)	۱۸
طهماسب	۷۳-۶۷

اسامی	صفحه
ع	
عباس کبیر(شاه)	٧٦-٨٢-١٧
عبدالرزاق	٤٩
عبدالصمد	٧٤_٧٣
عبدالله بن فضل	٣٣
عبدالله مصور (نقاش)	٦٤
عبدالعلی	٤٥
عضدالدوله	١١
علاء الدین جوینی	٤٣
علی رضا عباسی	٢
غ	
غازان خان	٣٩
غزالی	١٣
غزنویان	١١
غیاث الدین	٤٩
ف	
فاطمیین	٣٤
فتحعلی شاه	٨٥
فرامرز	٤٢
فردوسی	١٠-٢٢
فرغانه	١٠
فرهاد	٥٢
فون‌لوکوك	٢١
فیوم	٢٨

اسامی	صفحه
فالریان(والریان)	٦
فیفر (ویور)	٨١
فیت (ویت)	٣٩
ق	
قاجار	١٨
قاسمعلی	٦١
قراقوینلو	
قزوین	
قزوینی (محمد)	٥٦
قزیل	٢٢
قصه امیرحمزه	٧٤
ك	
کاترمیر	٤٩
کاخ عمرا	٢٥_٢٤
کتابخانه ملی پاریس	٦٤_٨٢
کتابخانه مرکان	٣٩
کتابخانه مصر	٥٩
کاشغر	١٠
کامبیز	٣
گدار	١٧-٢٢
کرت (دولت)	١٥
کرمان	١٥
کریم خان زند	١٨
کرینویدل	٢١

اسامی	صفحه
کلیله ودمنه	٣١
کلدانیان	٣
گلستان	٣١
کمال الدین عبدالرزاق	٤٩
کونل	٥٨-٥٧-٥٦
کورش	٣
کیان	٣
کیکاوس	٥٢
ل	
لطف الله بن یحیی	٤٧
لوور	٣٤
لیدی	٣
لرستان	٣
لیلی	٦٩-٧٣
م	
مارتن	٣٣
ماری مذهب	
مذهب	٥٩
مازندران	١٩
مأمون	٩
مانی	٧
مجنون	٦٩-٧٣
محمد بن احمد	٣٦
محمد خان شیبانی	٥٣-٥٨-٥٢
محمد زمان	٨٤
محمد علی تبریزی	٨٤
محمد قاسم	٨٤
محمد مؤمن	٨٣
محمد یوسف	٨٤
محمدی	٧٥
محمود سبکتکین	١٢
محمود کاتب	٥٣
محمود مذهب	٦٧
مزدك	٧
مستعصم	٤١
مصر	٥٧
مطلع السعدین	٤٩
مظفرعلی	٦٢-٧٣
مظهرعلی	٧٠
معتصم	٢٦
معتمد	٢٦
معراجنامه	٥١
معین مصور	٨٤-٨٣
مغول	١٤-٣٧
مقامات حریری	٣١
مقریزی	٣٠
ملاذکرد	١٣
ملکشاه	١٣

اسامی	صفحه
ملك صالح	٣٦
ملویه	
منافع الحیوان	٣٩
منج (منك)	٥٠-٥١
موزیل	٢٥
موزه بریتانیا	٧٠
موزه متروپولیان	٥٠-٨٠
موزه هنرهای‌زیبا پاریس	
موزه ویکتوریا	٨٢
موسکو	١٥
موفق	٩
مهرداد کبیر	٥
میدی‌ها	٢
میرسید علی	٧٤
میرعلی تبریزی	٥٤-٦٤
میرعلی شیر	٦٩
میرمصور سلطان	٦٢
میرزا علی	٧٠
میرك نقاش	٥٥-٧٠-٦٧
میتوك	٨١
ن	
نادرشاه	١٨
نادرالملك	٧٤
ناصرالدین محمد	٣٦
نصر بن احمد	٤٣
نظام الملك	١٣
نظامی	٧٠
نهاوند	١
نوح بن نصر	١٠
و	
ولکنسون	٧٣
ه	
هرات	٤٨-٦٩
هرتسفلد	١
هرقل	٦
همایون	٧٤
هند	٧٤
هلاکو	٤١
ی	
یحیی بن محمود	٣٤
یعاقبه	٢٩
یعقوب لیث	٩
یلدوز	٥٧
یمن	٦
یوان	٤٩
یوسف	٥٩

فهرست تابلوها وتصاویر

تابلو	شکل	
۱	۱و۲	دو صورت در دیوار های حمام فاطمیین در جهت ابی‌السعود درجنوب قاهره
۲	۳	ساعت طاوسی
۳	٤و٥	تصویر بالا- جوان‌مارگزیده‌وآمدن‌پزشك‌برای‌مداوا- تصویر زیر-مارگزیده‌واستغاثه‌او
٤	٦و۷	دومنظره ازمقامات حریری
٥	۸	امیرعلی برتخت وپهلوانان
٦	۹	اسکندر برتخت خود
۷	۱۰	فرامرز ومبارزه با شاه کابل
۸	۱۱	سلطان غازان با بانوان خود
۹	۱۲	اوکتای بافرزندان خود
	۱۳	تصویربالا- سنك طماع وصورت آن درآب- تصویرزیر-شیری که گاورامیدرد
۱۰	۱٤	دو محبوبه
۱۱	۱٥	منظره در باغ
۱۲	۱٦	دو سوار جنگی و اسبهای ایشان
	۱۷	منظره دو باغ
۱۳	۱۸	خسرو وکشتن بهرام
۱٤	۱۹	دیدار هما وهمایون در باغ کاخ
۱٥	۲۰	رستم واسفندیار پیش از مبارزه
۱٦	۲۱	خسرو شیرین
۱۷	۲۲-۲۳	نقاشی بطرز چین
۱۸	۲٤-۲٥	زبانه جلد خطی بنام شاهرخ

تابلو	شکل	
۱۹	۲۶	ربودن دختر در کشتی
۲۰	۲۷	جماعتی از صوفیها در باغ
۲۱	۲۸ـ۲۹	سلطان حسین میرزا در مهمانی
۲۲	۳۰	حضرت یوسف وفرار او از زلیخا
۲۳	۳۱	شبان و دارا پادشاه ایران
۲۴	۳۲	مناظر مسجد
۲۵	۳۳	فقها و مباحثه ایشان
۲۶	۳۴	صورت درویش بغدادی
۲۷	۳۵	نقاشی ایرانی در تابلوی ژنتیلی
۸	٦	منظرهٔ حمام
»	۳۷	بنای مسجد
۲۹	۳۸	زنها درحمام ونظرخیانت کار بایشان
»	۳۹	آموزشگاه درهوای آزاد
۳۰	٤۰ـ٤۱	پیرزن و دادخواهی او از سلطان سنجر
۳۱	٤۲	تاجگذاری خسرو
۳۲	٤۳	دوپزشك و دیدنی آندو ازیکدیگر
۳۲	٤٤	مجنون وکشیدن او بمنزلگاه لیلی
۳	٤٥	معراج
۳	٤٦	خسرو وآمدن‌او بناگهانی‌بالای سرشیرین
۲	٤۷	مجلس وعظ
۱	٤۸	پیرزن و دادخواهی او از سلطان سنجر
	٤۹	مجلس باده گساری
	٥۰	صورت امیر
	٥۱	

تابلو	شکل	
٤١	٥٢	بهرام‌گور بایکی از بانوان خود درقصر شاه
»	٥٣	بهرام‌گور با یکی ازبانوان خود درکاخ شاه
٤٢	٥٤	نمایشگاه دهاتی
٤٣	٥٥	یوسف و زلیخا درحالت پیری
٤٤	٥٦	یوسف وزلیخا با رفقای خود
٤٥	٥٧	صفا بین یوسف وزلیخا
٤٦	٥٨	زلیخا در هودج
٤٧	٥٩	شیخ بحالت استراحت
٤٨	٦٠	بهرام‌گور بایکی ازبانوان درقصر سبز
٤٩	٦١	شیخ صفی‌الدین وپزشك شمسا
٤٩	٦٢	صورت جوان
٤٩	٦٣	صورت خانم
٥٠	٦٤-٦٥	دو ساقی
٥١	٦٦	تصویر رضا عباسی
٥٢	٦٧	نقاشی با امضای معین مصور
٥٣	٦٨	صورت مردی‌که نشسته
٥٣	٦٩	صورت یکنفر بانو
٥٤	٧٠	صورت یك بانو با لباس اروپائی

فهرست کتاب

مقدمه مترجم و تقریظ ها

صفحه

مقدمه تاریخی	۱
فصل اول - پیدایش نقاشی در ایران	۲۰
فصل دوم - هنرستان بغداد یا مدرسه عراق	۳۰
فصل سوم - هنرستان ایرانی و تاتار	۳۷
فصل چهارم - عصر تیمور وجانشینان او	٤٤
فصل پنجم - بهزاد ومعاصرین او-هنرستان بخارا	٥٥-٦٢
فصل ششم - هنرستان صفویه	٦٦
فصل هفتم - عصر شاه عباس وجانشینان او	٧٦
فهرست اعلام	
پایان کتاب بقلم مترجم	

بقلم مترجم

پایان کتاب

بسمه تعالی

اکنون که ترجمه کتاب گرانبهای (تاریخ نقاشی در ایران) بپایان رسید اندیشه بدان کشید که صفحاتی چند راجع بمحتویات بعضی از کتابخانه های پایتخت بنوبت خود بعنوان پایان کتاب ضمیمه وپیوست سازد .

در اینجا گفته میشود که استاد دانشمند دکتر زکی محمد حسن در اثر تالیف این کتاب خدمتی بزرگ وشایسته نسبت بمیهن ما انجام داده و ازسرزمین وادی نیل این هدیه نفیس را بجهانیان تقدیم نموده و این زحمت وهمت ایشان مخصوصاً مورد تقدیر ومنظور و نظر اولیای وزارت فرهنگ ایران شده وبتصدیق وگواهی استادان فنی وهنرمندان ودانایان، مؤلف محترم درمجموعه مزبور بدقایق و نکاتی راجع باین فن متوجه شده که کمتر کسی بآنها پی برده وبهترین سبك را درکلاس بندی آن ایجاد نموده لیکن باید دانست برای مانمونه کار ومفاخراساتیدو هنرمندان دوره و اعصار قرون سالفه و ادوار گذشته وحال دراین سرزمین بسیار وآثارهنری ایشان در مخازن وکتابخانه های مهمه ایران ازقبیل کتابخانه دربار شاهنشاهی وکتابخانه آستان قدس رضوی وکتابخانه ملی و موزه وکتابخانه مدرسه سپهسالار بالاخره درکتابخانه های شخصی عمده مانند کتابخانه آقای حاج حسین آقا ملك وکتابخانه مرحوم حاج سید نصرالله تقوی و دیگران بیشمار است بطوری که هرقسمتی بیننده را دچار حیرت نموده و از دیدن هر کدام دیده حالت جذبه و بهت ازکاروکردار این سرآمدان هنر ولطایف و ظرایف عمل ایشان پیدا خواهدنمود ومیتوان گفت که شخص دربرابر تماشای هرهنری فریفته و مدهوش و بالاخره دلباخته و مبهوت میگرددکه آیا این هنروران بزرك و استادان توانا چگونه این همه بدایع وهنریدی را بکاربرده وخامه سحرطرازایشان

بدینسان آثار بدیعه و اعمال ظریفه وحیرت‌اوررا نگاشته و پرداخته اند وآنان وچه فکرهای باریك ودقیق را پیروی وتعقیب نموده وازعالم اندیشه بمعرض شهود آورده اند که فقط هر کدام تنها بقریحه واستعداد خاص ایرانی وهوش سرشار هنروران این کشور باستانی اختصاص دارد .

ما اگر بخواهیم اسامی کتب قدیمه وصرز بدیعه بعضی از کتابخانه های مرکزی (پایتخت) ایران‌را بمورد بیان ونگارش بیاوریم ودراطراف هریك از آنان قلمفرسائی کنیم فی‌الواقع بایستی خود دراین باب کتابها بنویسیم ومجلداتی ترتیب دهیم .

چه خوب بود موقعی که دو استاد دانشمند دکتر عبدالوهاب عزام و استاد عبدالحمید عبادی برای شرکت در جشن هزارمین سال حکیم سخندان ابوالقاسم فردوسی سفری باین سامان نموده ودرآثار زیبا وعمارات دلگشا و ابنیه فرح افزا و معماری های مهمه ما مشاهداتی مینمودند درآنوقت استاد هنرپیشه آقای دکتر زکی محمد حسن هم باآندو هموطن‌محترم خود همراه بوده درکتب مخطوطه وپرده‌های نقاشی ومرقعات‌محفوظه درکتابخانه‌ها وغیره اینجا مطالعات ومشاهداتی‌میکرد وبعداً این مولفه نفیس وگرانبهای خودراکه‌درآثار تصاویر ونقاشی باستان ایران اختصاص داده اند محتوی بسیاری از نفایس و ظرایف دوره باستان و زمان کنونی کشور ما مینمودند وبرمزایا ومحسنات و زیبائی وظرافت کتاب خود می‌افزودند باید دانست وجه خاصی‌راکه امروزه ازطرف دولت شاهنشاهی ایران نسبت ببسط وترویج هنر صنعت میشود و از تشویقی‌که از اساتید وکارکنان و صاحبان هنر بعمل میآید هم کنون نمیتوان گفت‌که ایران امروزی در ابراز قریحه و ذوق و استعداد واظهار هنر صنعت‌ازایران باستان کمترواستادان آن فرومایه تر از اساتید گذشته وپیشین باشد که بااین روشی‌که فعلا پیروی و تعقیب میشود و قدمهائی که در راه پیشرفت و قیات این کشور میدارند امید است که ایران بالاترین مقام مجد و عظمت و لی مراتب بزرگی و افتخار را درتحت توجه شاهنشاه جوان هنردوست ومیهن‌خواه د دردنیای متمدن امروزی احراز نماید .

این‌همه نمایشگاه های فنی و صنعتی که درپایتخت ودیگر شهرهای این کشور

درتمام جریان سنوات بمورد نمایش گذاشته میشود و سرکشی ومواظبت و بازدید و مراقبت وتشویقی که ازطرف شاهنشاه محبوب ما بعمل میآید یقیناً طولی نمیکشد که سرافتخار ایران وایرانیان باعلی درجه برتری و اعتبار خواهد رسید .

باش تا صبح دولتت بدمد کاین هنوز ازنتایج سحراست

اینك چند نمونه از آثار نفیسه وکتب مخطوطه ایران بدست آورده وعکس برداری نموده بعنوان هدیه بمقام وزیر دانشمند و محبوب فرهنك آقای مسعود کیهان درخاتمه این کتاب میافراید ضمناً شرحی برای بیان وتوضیح آن نفایس نگاشته وتقدیم میدارد .

ازجمله نفایس منتخبه تصویری است که درنسخه خطی قدیمی دیوان امیرخسرو دهلوی مورخ ۸۸٦ هجری مدرسه عالی سپهسالار طهران (دانشکده معقول و منقول) بخط میرعلی مشهدی کاتب معروف است که آنرا یگانه استاد مشهور (بهزاد نقاش) برای (سلطان حسین بایقرا) درکتاب مذکور ترسیم نموده و دربالای صفحه تصویر کتیبه ایست که باخط نسخ اعلا طلائی ومتن لاجوردی این عبارت نگاشته شده .

(باشارة السلطان الاعظم والخاقان المعظم ابوالغازی سلطان بهادرحسین خلدالله ملکه فی شهورسنه ست وثمانین وثمانمأئة) .

این صفحه مجلس بزمی زنانه است که برای شاه برپاشده ودرآن کمال وجدو طرب وحالت رقص ونشاط وخوشی وانبساط رانشان داده وشاه درصفه بالا جلوس نموده ومشغول باده گساری است وزنان خواننده ونوازنده برای او درساز ونوازند و جمعی اززنان دیگر باالبسه رنگارنك قراردارند، درضمن رنك آمیزی متناسب صورتگر توانا منتهای قدرت ومهارت را بخرج داده و در ریزه کاری ومینیاتورسازی آن نهایت دقایق قلمی و طراحی را ازگل سازی وطلاریزی ورنك آمیزی رعایت کرده

بیان دقایق و نکات و ظرافت و زیبائی این کار جز بدیدن و حیرت نمودن از آن نشاید .

شاهکار دیگر بهزادکه آن استاد زبردست بسبك چینی نقاشی نموده ودرآن

۱ — تصویر ۱ از دیوان خطی امیرخسرو دهلوی

داد هنر داده دوصفحهٔ اول کتاب خمسه نظامی قدیمتر مدرسه سپهسالار است (۱) که نسخه مزبور بخط خوش کاتبی شیرازی که نام آن محکوك است و در سنه احد عشرو تسعمائه هجری (۹۱۱) انجام گرفته ومقارن باسنوات آخر سلطنت سلطان حسین بایقرا است (۹۱۳)

این کتاب بقلم توانای بهزاد در ۳۵ مجلس بسبك اعلی چینی نقاشی شده وهر صفحه از تصویر آن نمونهٔ بزرگی از صنعت وهنر این استاد است وارقرینه برمیآید که این نسخه برای سلطان مذکور تهیه شده

بدیعتر ازهمه دوصفحه اول کتاب است که نگارنده از آن عکس برداری نموده وجزء متمم کتاب « تاریخ نقاشی در ایران » قرار داده چیزی که باعث تاسف است این دوصفحه در اثر کثرت استعمال وقدمت قدری از صور آن سوده و محو گردیده وعکس برداری با اینکه دومرتبه بدان مبادرت نمود بخوبی انجام نگرفت ولیکن نفاست کتاب وظرافت و زیبائی نقاشی وصنعت ممتاز آن بجای خود محرز و محفوظ است وطلاکاری و رنك آمیزی وزینت و زیبائی آن بوصف نیاید .

دراین دوصفحه برابر یکدیگر « بهزاد » وضعیت دوره سلطنت خوش وزمان راحت ورفاهیت « سلطان حسین بایقرا » رامجسم نموده ودرپنجردیف قرار داده

ردیف اول ـ بوشر و سراپرده جلال وعظمت شاه است که ببهترین طرحی آنرا نقاشی کرده و سلطان در زیر سراپرده روی تخت سلطنت جلوس نموده و در برابرش وزیر باتدبیر او امیرعلی شیرنوائی و یکی از بزرگان دیگر که شاه بآن دو اذن جلوس دادهنشسته، درطرف دیگرشاه چند نفر از خادمان و گزیدگان شاهی ایستاده اند .

ردیف دوم ـ جمعی از ارباب هنر و کمال در طرفی ایستاده و اوضاع راتماشا مینمایند ودرطرف دیگرمجلس رقص و بزم طرب و باده گساری است که در آن تشویق شاهرا ازارباب کمال وادب نمایش داده وخوشی وعشرت عموم رانشان میدهد.

ردیف سوم ـ در جلو یکی ازکمانداران شاهی است که کمانی در دست گرفته

---

۱ ـ تصویر ۲ و۳ از خمسه نظامی قدیمی

و عده از مقصرین را بادست بسته بجانب محاکم یا زندان میبرند و در دنبال آنان دو نفر از بازداران شاهی است و درطرف دیگر دوتن از شکارچیان اند که دوپلنك را بزنجیر کشیده و در بالای سرایشان دو نفر از شاطران ویساولان شاهی قرار گرفته که هر کدام تبرزینی بدست دارند و این ردیف طرز مجازات و وضع یاسا و جلوگیری از جنایات را خاطر نشان میسازد و این وضعیت حالت روحی مملکت و جلوگیری از متمردین و سرکشان را میرساند و میفهماند که شاه نافرمانان را مانند ددودام بدینگونه مطیع فرمان نموده و شکار مینماید و از مجازات و تنبیه ایشان فروگذار نمیکنند .

ردیف ٤ ـ نیز سیاست و جلوگیری و اجرای یاسا و قانون را حکایت میکنند که یکی چوبی در دست گرفته و چند تن را تحت تنبیه و سیاست آورده و پارهٔ بشفاعت برخاسته ویکنفر ازمیر آخوران شاهی است که عنان اسب را دردست گرفته و خود در جلو آن پیاده ایستاده

ردیف ٥ ـ صورت مودیان عواید دیوانی و مالیات دهندگان یا برندگان تحف و هدایا را نشان میدهد که هر کدام طبقی را در دست گرفته زر و سیم وجواهر بهدیه و تقدیم میبرند و در جلو آنها کمانداری است که حفظ و حراست و موجبات امنیت کشور را حکایت میکنند.

نفایس کتابخانه مدرسه سپهسالار زیاده و بسیار است و برای نگارنده ممکن نیست که تواند در این مختصر بذکر آن پرداخته یا عکسهائی چند از آنها تدارك نماید لیکن بمضمون مالایدرك کله لایترك کله والمیسور لایترك بالمعسور اینك شش صفحه از کتاب زیبا ونسخه گرانبهای دومین خمسه نظامی این کتابخانه که در ١٣١٤ خورشیدی آنرا بنمایشگاه صنعتی ایران درلنینگراد جزء ظرایف برده وجلب توجه سرامدان هنر وصنعت اروپا در آنجا بخود نموده دراین مورد عکس برداری کرده و تقدیم میدارد .

این نسخه شاید بهترین نسخه دنیا وزیبا ترین نمونه باشد که از کتاب خمسه

نظامی تهیه و تصویر شده

نسخه مذکور دارای ۳۱ صفحه مجلس بی‌بدیل و نقاشی بی‌نظیراست که بقلم میرك و بهزاد وسلطان محمد ودیگر استادان عالی رتبه زمان **شاه طهماسب صفوی** صورت‌کشی و تزیین شده و بهترین صنعت نقاشی و مینیاتورکاری در آن انجام گرفته وبخط کاتبی شیرازی که بازدست خطاکاری نام آنرا محو نموده درسنه‌ست و خمسین وتسعمائه ۹۵٦ هجری تمام‌گردیده

دوصفحه اول آن درسرلوحهٔ مصور ومذهب بمتن فیروزهٔ ولاجوردی وطلائی وبوته های قشنك رنگارنك است که درصفحه اول آن این رباعی بخط نسخ زیبا وبرجسته الوان باخطی بسیار خوب ومرغوب ترسیم شده

گنجینه کشای گنجه آن مؤبد راد کامد اینك سخنوران را استاد
دریای معانی از گهر کرد تهی روزی که بنای پنج گنجینه نهاد

در صفحه برابر نیز با اوصاف مذکور و تزیینات تمام این رباعی مسطوراست:

خمسه که بمخزنش بودزیب‌تمام ازخسرووشیرینش‌فزون‌گشت‌نظام
لیلی‌مجنون‌وهفت پیکرزعقب تاریخ سکندرش دهد ختم کلام

در تجلید این‌کتاب و صحافی و تذهیب آن منتهای ظرفت کاری‌وکمال مهارت استادی را بکار برده‌اندکه خود بهترین شاهکار این هنر و پیشه ظریف و زیباست و برای آن‌ارج و بهائی‌که درخور و شایسته باشد بآسانی نتوان تعیین نمود.

خلاصه و توصیف صفحات و مجالس تصاویر این‌کتاب با این مختصر بوصف نیاید و باید هرکس که آنرا دید بر آثار صنعتی بدیع و هنریدی اساتید بزرك آن هزاران تحسین و آفرین و دست مریزاد گوید.

بطوریکه از قرنیه معلوم میشوداین‌کتاب هم مانندکتاب خمسه نظامی موجود در موزه بریتانیا برای‌کتابخانه شاه طهماسب اول صفوی تهیه شده و بواسطه اینکه هفت‌سال‌بعدازخمسه موزه نامبرده نگاشته و ترسیم گردیده مسلماًدرظرافت ونفاست و بها واهمیت بالاتر از آن خواهدبودبویژه‌ازحیث‌تصویر که‌خمسه نظامی‌موزه بریتانیا
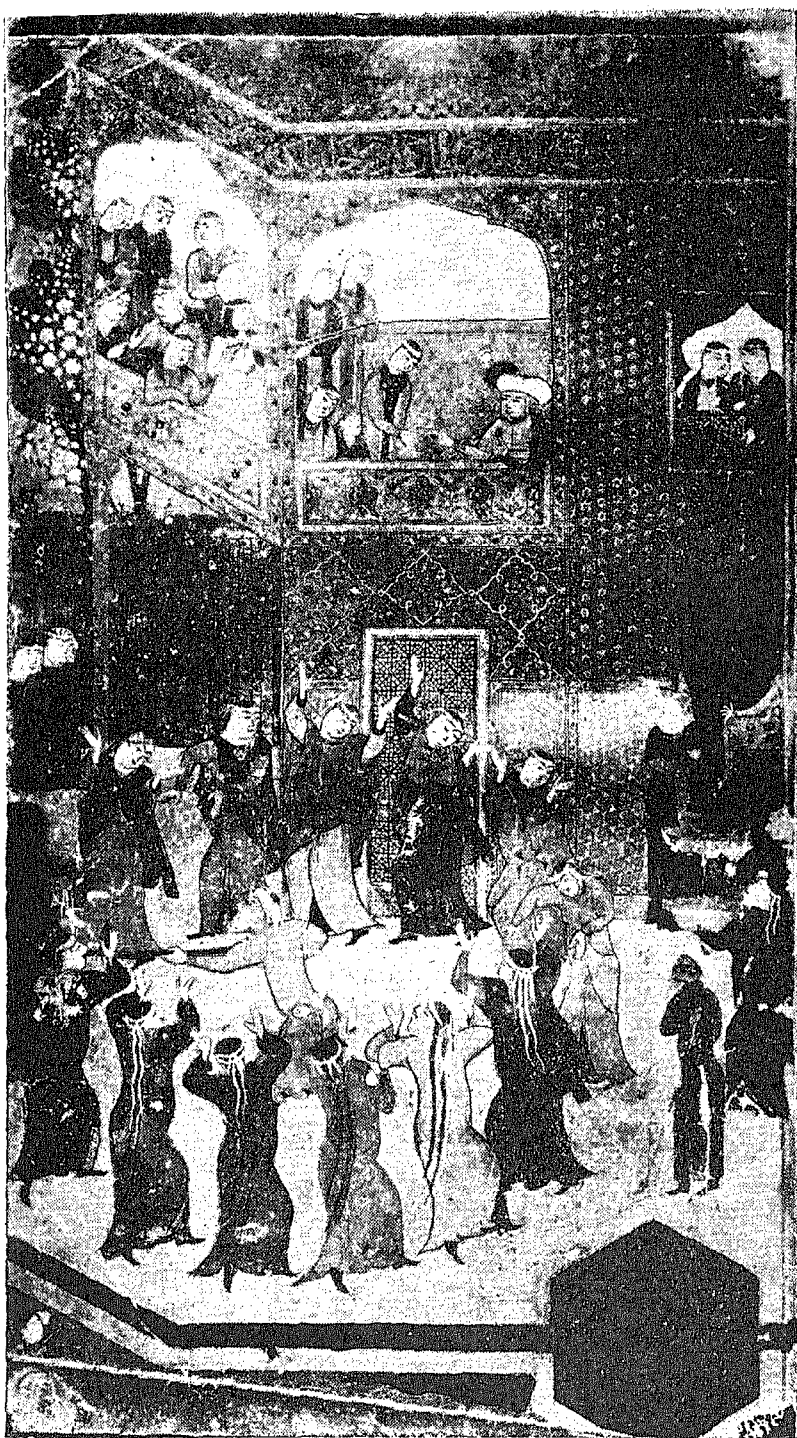
تصویر اول بزم زنانہ برای سلطان حسین بایقرا از دیوان خطی امیر خسرو دھلوی کتابخانہ مدرسہ
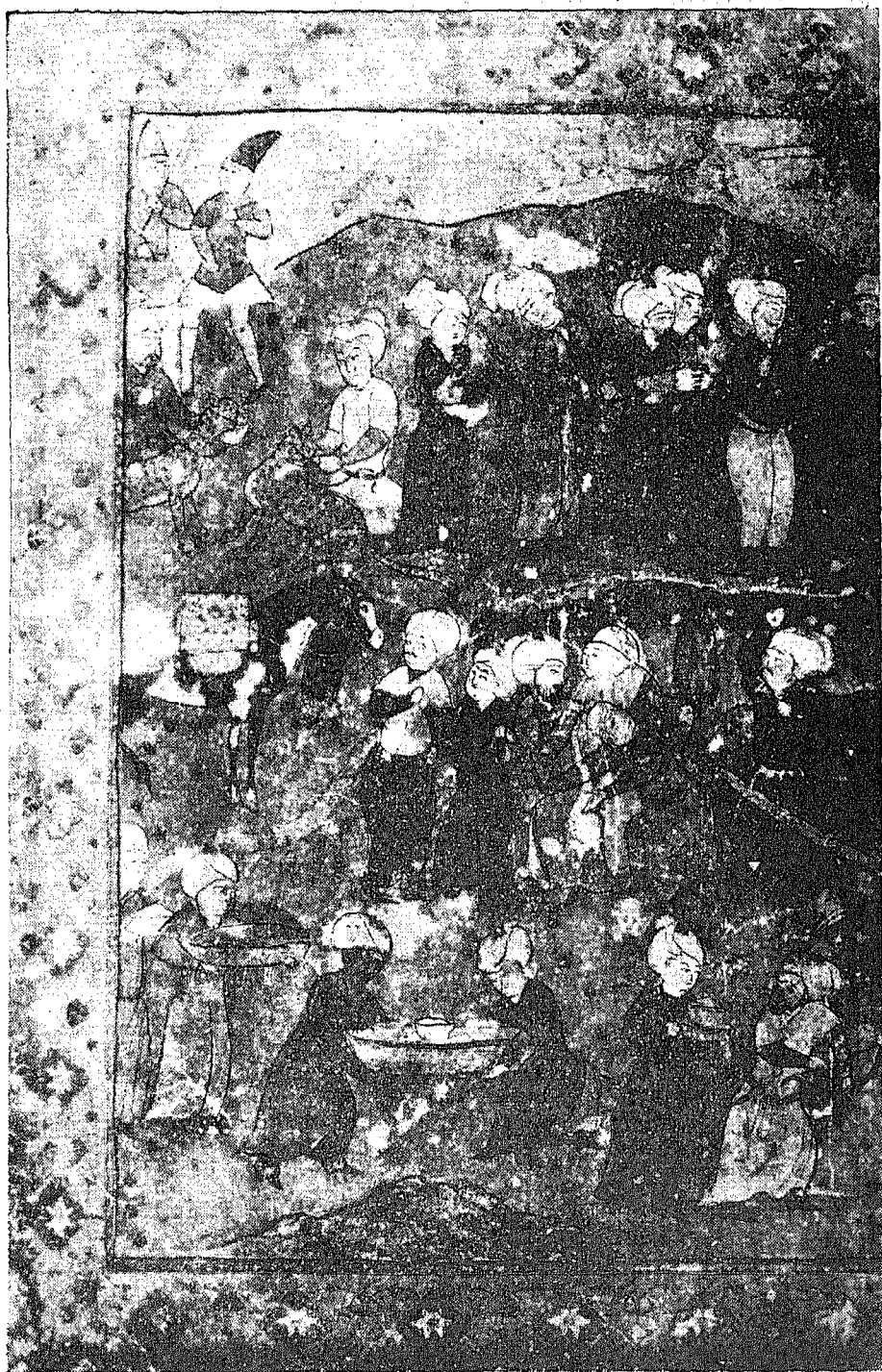
تصویر ۲ — مجلس سلطان حسین بایقرا از خمسہ نظامی قدیمی نسخہ خطی مدرسہ سپہسالار تہران مورخ ۹۱۱ ہجری

تصویر ۳ — مجلس سلطان حسین بایقرا از خمسہ نظامی قدیمی نسخہ خطی

را چهارده صورت مجلس است و این نسخه را ۳۱ صفحه تصویر اعلی و ممتاز میباشد و تشخیص و بقایای مزایا و محسنات آنرا بعهده بینندگان کتاب واگذار مینمائیم .
دراینجا شش صفحه از تصاویر کتاب مذکور عکس برداری شده .

تصویر اول ـ صورت فیلقوس بافیلیپ است که باحاضرین رکاب وسواران خود بالای سر زن مرده وطفل نوزاد وی آمده که طفل انگشت خود را در دهان گذاشته و بجای پستان میمکد و امر دادن او بچاکران خود جهت دفن زن و از خاک برداشتن طفل و پرورش دادن او و ولیعهد نمودن وی پس از آن میباشد (۱)

تصویر دوم ـ صفحه ایست از شرفنامه خمسه نظامی که در آن میدان جنگ اسکندر را با دارا نشان میدهد . در اینجا اسکندر بر اسبی که دارای برگستوان است سوار و سپاهیان او بکار نبرد و کارزار اشتغال دارند نقاش بامهارت استادی خود وضعیت میدان جنگ را در نهایت خوبی مجسم نموده و در برابر اسکندر و دارا سلطان مدعی و مخاصم او است که تخت مجلل و با شکوه ویرا بفیل زده وسپاهیان اسب سوار با او روانند ودر صف دیگر جنگ مغلوبه جنگ آوران و کمانداران است که درقسمت بالا بجنگ وجدال و تیراندازی بیکدیگر مشغولند در بالا طبالان و شیپورچیان رعل داران وغیره ازطرفین سپاهیان میباشد . (۲)

تصویر سوم ـ صفحه ایست که اسکندر بسر کشته دارا آمده وسر او را از خاک برداشته و بزانو نهاده اظهار تاسف و تحسر ازقتل دارا مینماید و بالای سروی پرچم شاهی سایه افکنده وسران سپاه پیاده دربرابر ایستاده ودسته اسب سوار وفیل سوار بحالت بهت وحیرت وضعیت را نگرانند و دوتن کشندگان دارا : ماهیار و جانوسپار را گرفته و دستهای آنهارا بپشت بسته ، در برابر اسکندر واداشته اند و در قسمت بالای صفحه طبالان وبعضی ازپاسبانان وپیش جنگان اند که بحالت آشفته گی دیده میشوند . (۲)

تصویر چهارم ـ صورت اسکندر در شکارگاه وصید افکنی او در میان گوزنان

۱ـ تصویر چهارم ـ از کتاب شرفنامه خمسهٔ نظامی مدرسه سپهسالار
۲ـ تصویر پنجم از کتاب شرفنامه خمسه نظامی
۳ـ تصویر ششم از کتاب شرفنامه خمسه نظامی

و آهوان است که حالات مختلفه هریك از آنان را از فرار و اضطراب احوال دراین مجلس نشان داده وسواران شکارچی دیگر دربالاکه آنها نیز بصید شکاراشتغال دارند واوضاع طبیعی کوه و دشت وعرصه بیابان را با ریزه کاری فنی وحسن سلیقه باستادی نشان میدهد . (۱)

تصویر پنجم ـ صورت اسکندر و خضر والیاس در ظلمات است که اسکندر برمرکب راهوار خود سوار و موکب شاهی از وزراء وسران سپاه با وی همراهند و مشغول راه نوردی است و خضر والیاس بلب آب حیات رسیده از اسب پیاده شده در لب چشمه آب زندگانی جلوس نموده اند و ماهی خشك از دست ایشان بآب افتاده وحیات تازه یافته ونوشیدن آندو از آب زندگانی ومحروم شدن اسکندر ازنوشیدن آب است . (۲)

تصویر ششم ـ بهترین صفحه نقاشی است که در آن مراسم تشییع جنازه اسکندر را تصویر کرده دربالا زنان عزادار را درغرفات بانهایت زیبائی وظرافت ترسیم وتزیین نموده و ارائه میدهد که چگونه هر کدام اظهار اندوه و حسرت مینمایند و در متن صفحه درب وابواب وصفه ورواق وکاخ باعظمت شاهی را نشان داده که دربرابر آن وجوه اعیان ورجال محترم هریك اظهار تأسف نموده ودربی اعتباری دنیا بایکدیگر سخن میرانند و دستهٔ از زنان در جلو آنان با چادرهای سفید نشسته و نوحه سرائی میکنند ودرمیان صفحه تابوت مجلل و باشکوه اسکندر است که چهارتن پایه تابوت را بدوش گرفته وجمعی ازسران وبزرگان خاصه وسروران روان اند ، دراینجا دست اسکندرازگوشه تابوت بیرون آمده ونمایان است که تهی دست رفتن اورا ازاین خاکدان نشان میدهد .

شمع و مشعل زیادی در موقع این تشییع فروزان و از غم مرك اوگدازان و سوزانند ودرجلو همه منادیان مرگند که برشترها سوار و دستها را بر بناگوش نهاده خبرمرگ اسکندر را اعلام مینمایند .(۳)

۱ـ تصویر هفتم ـ ازکتاب شرفنامه خمسه نظامی مدرسه سپهسالار تهران
۲ـ تصویرهشتم ـ ازکتاب شرفنامه.
۳ـ تصویر نهم ـ ازکتاب خمسه نظامی

خلاصه آنکه بقدری این وضعیت را مجسم نموده که بوصف نمی آید .

نگارنده بعضی از نفایس این کتابخانه و اسامی و اوصاف نسخه های مصور و گرانبهای کتابخانه مدرسه‌را در کتاب« تاریخ مدرسه سپهسالار» تألیف خود که تاریخی جامع و مشتمل برفهرست وقایع امروزی و شرح حال مفصل مرحوم حاجی میرزا حسینخان سپهسالار و تراجم بعضی از رجال معاصراو و تاریخچه بنای مسجد و مدرسه وطرز معماری آن و تمام تشکیلات قدیمه وجدیده از اول تاکنون این‌مؤسسه میباشد گنجانیده و فهرست بعضی از کتب مانند شاهنامه های خطی و با تصاویر این کتابخانه و دیوان عماد فقیه مورخ ۷۶۳ و کتاب یوسف زلیخای چاپی و نسخه‌کلیله ودمنه آن با مجلس تصویر ودیوان مکرر ومصور امیرخسرو دهلوی وحیات‌الحیوان دمیری و تاج‌المآثر حسن بسطامی و منظومه سلاطین آن در تاریخ مغول با۲۱ مجلس تصویر اعلی و کتاب های مصور آتشکده آذر ومثنوی مصور نفایس امیرخسرو دهلوی با چهار مجلس تصویر مورخ ۸۸٤ بخط میرعلی‌خطاط مشهدی و کتاب آثارالباقیه بیرونی آن با۲٦صورت چینی ممتاز ودیوان فغانی و بهرامیه‌امیرخسرو وحدیقه حکیم سنائی و مرقعات نفیسه و گرانبها در۳٦مجلد ودیگر طرائف وظرائف وافتخارات تاریخی این مؤسسه‌رادر آن‌تاریخ‌بمورد نگارش آورده وامیداست که باهمت اولیای امور مدرسه بزودی طبع وانتشار یابد .

ازآثار نفیسه نقاشی در ایران حواشی مرقع گلشن است که از جمله ظرائف ونفایس عجیبه کتابخانه دربار شاهنشاهی ایران واقعه در عمارت کاخ‌گلستان است و کتابخانه مزبورمحتوی بسیاری ازکتب ممتازه ویادگارهای آثاربدیعه خطوط ونقوش و تصاویر و تذهیب شاهکارهای استادان عالیرتبه از نقاشان و خطاطین و مذهبین و غیره است .

مرقع گلشن را در سنه ۱۹۳۱ میلادی ازایران بلندن فرستاده و در نمایشگاه ایران درلندن بمعرض نمایش گذاشته بودند .

دراینمرقع دوصفحه ایست که سلطان‌حسین بایقرا را درباغ خود نشان میدهد وصفحاتی در آن‌است که به بهزاد وعبدالصمدنقاش نسبت داده‌اند ونیز بسیاری‌ازشاهکارها

مدیر آن اداره و خانم او تصاویر زیادی از این مرقع برداشته و درج نموده‌اند و ما در اینجا از درج تصاویر صرف نظر نموده و توجه خوانندگان را بجانب آن کتاب نفیس معطوف می داریم .

علاوه براین درموقع مذکور ازعملیات یدی و نمونه هنرهای نقاشی دولت نقاش دوره جهانگیر ازنواده های امیرتیمور بسیار است .

جهانگیر عشق وعلاقه زیادی بجمع آوری آثار صنعتی داشته و از دوره پدر و جدش نقاشی‌های بدیعه وزیبائی ازاساتید بیادگار برده بود اودستور داده تاآن خطوط ونقوش را درمجموعهٔ گرد آوردند که اکنون البومی دربرلن موسوم بآلبوم جهانگیر است : کونل Kunhel وگوئتز Goetz در آن مطالعاتی نموده اند .

درمرقع گلشن چندفقره هم ازکار منوهر نقاش باامضاء او وجود دارد واو در دوره اکبروجهانگیر وشاه جهان نواده های تیمور ازنقاشان مشهور بوده و آثار یدی او درتیمورنامه و بابرنامه واکبرنامه بسیار است .

در اینمرقع صورت پشنداس نقاش معروف هندی دربار اکبر و جهانگیر کشیده شده که او باخان عالم سفیرجهانگیر بایران واصفهان آمده و بخدمت شاه عباس رسیده وجهانگیر درنامهٔ از او معرفی کرده که خان عالم را با پشنداس نقاش بایران فرستادم تاصورت شاه عباس راکشیده که هرکس او را دیده شباهت تمام آنرا تصدیق مینماید .

دراینموقع حواشی از عمل آقا رضا است که نمونه کامل نقاشی است و نهایت زیبائی و ظرافت را داراست و متن آن بخط علی کاتب سلطانی خطاط معروف است جهانگیر دستورداده که قطعات پراکنده را دراین مرقع بصورتی بهم پیوسته درآورده و براوراقی بقطع متساوی بچسبانند واختلاف پهنای حواشی را با نقوش وگل و بوته و آثارطبیعی وصورت اشخاص وغیره ترسیم نمایند لذا حاشیه هرقطعه را باقلم کمرنك وملایم تصویر کشیده و با الوان متناسب و طلاکاری آنرا آرایش و زینت داده .

آقا رضا بمجالسی خوش داشته که درآن بانوان درباریان وخدمه بوده وهریك بکاری مشغول باشند و نیز بمجلس غذاخوری وشکار و مجالس طرب وتفریح حرم‌نشینان علاقه داشته .
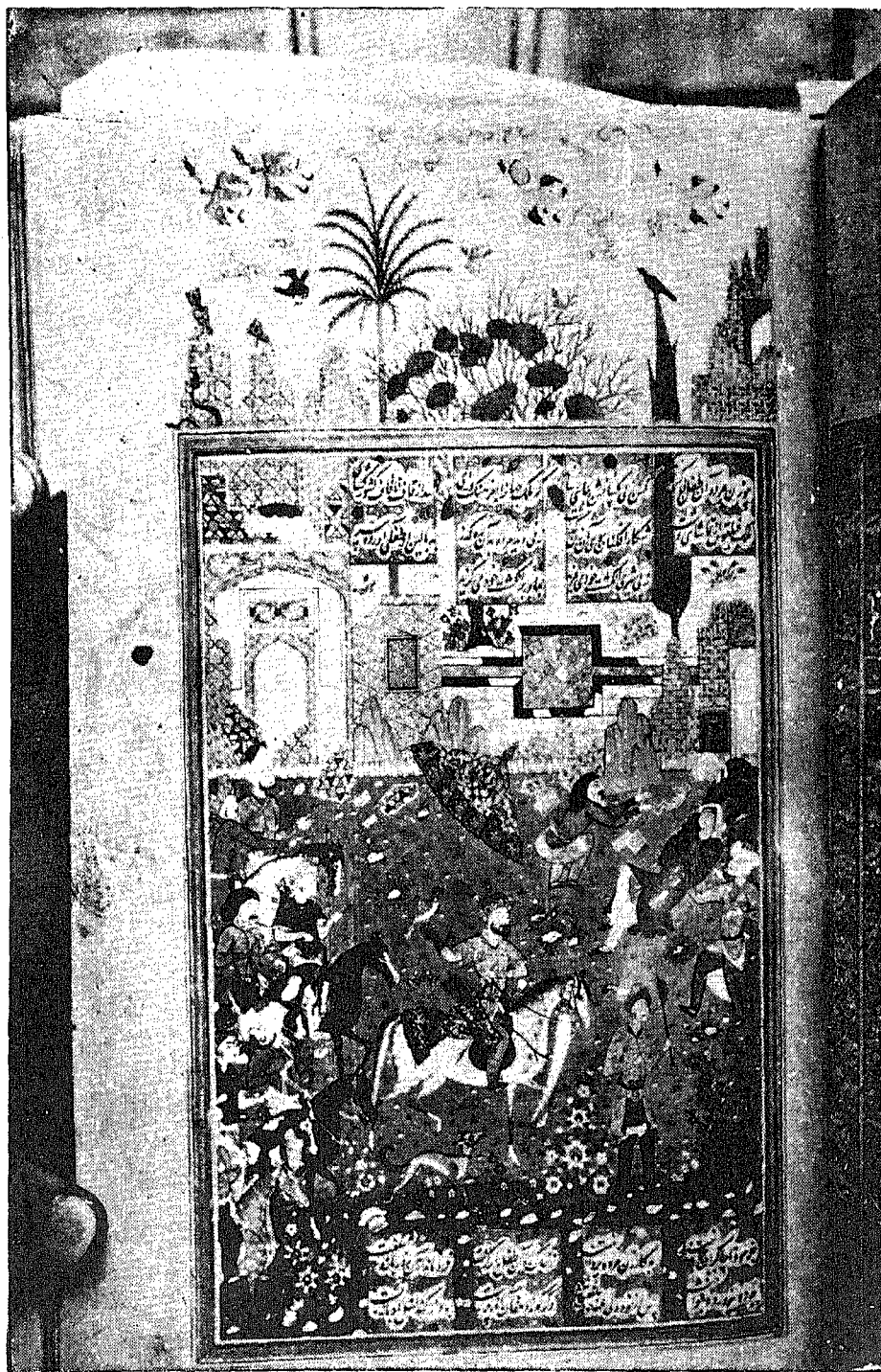
تصویر چهارم — صورت فیلیپ بالای سر زن مرده و بچه آن از خمسه نظامی

تصویر پنجم میدان جنگ اسکندر با دارا از کتاب شرفنامه خمسه نظامی نسخهٔ خطی مدرسه سپهسالار

تصویر ششم اسکندر بسر کشته دارا از کتاب شرفنامه مدرسه سپهسالار

تصویر هفتم صورت اسکندر در شکارگاه از کتاب شرفنامه خمسه نظامی مدرسه سپهسالار

تصویر ہشتم ـ صورت اسکندر و خضر و الیاس در ظلمات از کتاب شرفنامہ خمسہ نظامی خطی

تصویر نهم مراسم تشییع جنازه اسکندر از نسخه خطی خمسه نظامی مدرسه سپهسالار تهران

و آثارهنری و فنی آقا رضا هراتی نقاش دراینموقع وجود داردکه امضای او در ضمن صفحات مسطور وتصاویر او دارای آب ورنك مات و کم جلوه است .

در کتاب آثار ایران (۱) نشریات‌موزه واداره باستان شناسی تألیف‌مسیو گدار مدیرموزه ازکارهای دولت تصویریکی‌ازشاهزادگان جوان است که لباسی‌سفید دربر و گردن بندی از مروارید بگردن رگوشواره های الماس درگوش و در برابر رحلی زانو زده که کتابی روی آن نهاده و باآلتی خطوط را نشان‌میدهد ودرکنار آن‌کتابی با جای آن قرارگرفته ورقم دولت درآن نگاشته شده .

ودر مقابل این تصویر صورت مولانا عبدالرحمن جامی است که کتابی درجلو خود نهاده و امضای دولت درآن است .

مولانا بصورت پیری با محاسن سفید و عمامه‌کوچك ژولیده وقبای ساده تیره خاکستری نشسته وشالی برکمر دارد .

در صفحه دیگر مردی است با محاسن سیاه و موی بلند پریشان سر و ردائی بخود پیچیده که بسرزانو نشسته باقلمی از پرغاز « مخالف عادت شرقی که باقلم‌نی کار میکنند » درطوماری مشغول بکار است .

روی این طومار امضای آقا رضای نقاش است‌که آنرا در اکبریه ۲۸رمضان ۱۰۰۸ تصویر نموده .

دربرابر آن‌صورت جوانی‌است‌که روی قطعاتی از خزه یا تخته سنك نشسته و با لباسی‌کمرنك بالوان نارنجی و سبزوگلهای سرخ رنگین وکتابی در دست داردکه هم در روی آن امضای آقا رضا مندرج است .

خلاصه چنانکه نگاشته شد نفایس و ظرایف‌کتابخانه های ایران نهایت بسیار وافزون ازاحصاء و آمار ست ونگارنده برای‌رعایت‌اختصار بدین‌قدر دراینجا اکتفانمود.

تهران ۱۸ اردی بهشت ماه ۱۳۲۹ خورشیدی

ا . سحاب

۱ــ جلد اول آثارایران تألیف مسیو گدارر ئیس موزه باستان که‌در پنج جلدانتشار یافته وبزبان فرانسه نگاشته است ودوجلد آن بفارسی ترجمه شده